



نقشه جامع تمدن اسلامی

محورهای جلسه:

۱. تمدن اسلامی چیست؟
۲. مفاهیم و تحلیل‌های غلط گسترش یافته در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (به عنوان یکی از موانع اصلی تحقق تمدن اسلامی) کدام است؟
۳. الگوی حکمرانی سازمان ملل و سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار را چگونه اصلاح کنیم؟

اللَّهُمَّ

وَكَأَيُّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرًا فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا
اشْتَكَاؤُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ

سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۴۶

و چه بسیار از پیامبرانی که مردان الهی فراوانی به همراه آنان جنگیدند، پس در مقابل آنچه در راه خدا به آنان رسید سستی نکردند و ناتوان نشدند و سر تسلیم و ذلت فرود نیاوردند؛ و خدا شکیبایان را دوست دارد.

شناسنامه

متن پیش رو (ویرایش اول) صد و هفدهمین مکتوب از نوع ششم محصولات مرتبط با نقشه الگوی پیشرفت اسلامی (پیاده فوری) است. محتوای این محصول، متن پیاده شده سخنان حجت الاسلام والمسلمین علی کشوری (دبیر شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی) می باشد که در نشست تخصصی «نقشه جامع تمدن اسلامی» ایراد شده است. این نشست در تاریخ پنجشنبه ۲۶ اسفند ۱۴۰۰ در شهر کرج برگزار شده است.

فهرست مطالب:

۱. مقدمه: تبیین ضرورت بحث نقشه جامع تمدن اسلامی برای جلوگیری از کلی‌گویی و ایجاد فهم جامع‌تر از اسلام ۱
- ۱/۱. کلی‌گویی و عدم ارائه بحث تفصیلی راجع به اسلام و انقلاب؛ مشکل اصلی چهل سال اول انقلاب و مانع اصلی تحقق تمدن اسلامی..... ۱
- ۱/۲. اجمالی از سه پرسش مطرح در جلسه ۲
- ۱/۲/۱. ارائه بحث تفصیلی و ارتقاء درک از مسئله تمدن اسلامی؛ خاصیت پرسش‌های مطرح در جلسه .. ۲
۱. سوال اول: تمدن اسلامی چیست؟ ۵
- ۱/۱. تبیین چهار رکن اصلی تمدن اسلامی در آیه ۴۱ سوره حج ۵
- ۱/۱/۱. اقامه صلاة، ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر؛ چهار رکن اصلی تمدن اسلامی در آیه ۴۱ سوره حج ۵
- ۱/۱/۱/۱. تبیین اجمالی آیه ۴۱ سوره حج در روایتی از امام کاظم علیه السلام ۶
- ۱/۱/۱/۲. تبیین اجمالی نقش " اقامه صلاة" در تمدن اسلامی ۹
- ۱/۱/۱/۲/۱. تقسیم‌بندی و مرزبندی‌های اجتماعی بر اساس اهالی "صراط مستقیم"، "ضالین (گمراهان)" و "مغضوب‌علیهم (مورد غضب خداوند)"; نمونه‌ای از نقش اقامه صلاة در ساخت تمدن اسلامی (شاخصه اصلی سوره حمد در دسته‌بندی مردم جهان) ۱۰
- ۱/۱/۱/۲/۲/۱. تقسیم‌بندی و مرزبندی‌های اجتماعی بر اساس "توسعه‌یافتگی"، "تحصیلات"، "مهارت" و "قانون"; مثال‌هایی از شاخصه‌های جهانی در دسته‌بندی مردم جهان ۱۰
- ۱/۱/۲. تبیین جایگاه "زکات" در تمدن اسلامی و اداره جامعه: ۱۰
- ۱/۱/۲/۱. توجه به مصادیق نه‌گانه و خوب زکات؛ اولین نکته در فهم جایگاه زکات در تمدن اسلامی و اداره جامعه ۱۰
- ۱/۱/۲/۱/۱. مسئله نقدین (پول: طلا و نقره مسکوک); دو نمونه از مصادیق و خوب زکات (مدیریت سیاست‌های پولی و مالی) ۱۱

- ۱/۱/۲/۱/۲. انعام ثلاثه (شتر، گاو و گوسفند)؛ سه نمونه دیگر از مصادیق وجوب زکات (مدیریت دامداری (حوزه گوشت و لبنیات)) ۱۱
- ۱/۱/۲/۱/۳. غلات اربعه (گندم، جو، خرما و کشمش)؛ چهار نمونه دیگر از مصادیق وجوب زکات (مدیریت اقلام اصلی حوزه کشاورزی و باغداری) ۱۲
- ۱/۱/۲/۲. توجه به علت و فلسفه وضع زکات بر مصادیق نه‌گانه؛ دومین نکته در فهم جایگاه زکات در تمدن اسلامی و اداره جامعه ۱۳
- ۱/۱/۲/۲/۱. مدیریت محرومیت‌زدایی و رفع فقر؛ علت و فلسفه وضع زکات ۱۳
- ۱/۱/۲/۳. مدیریت نظام مشاغل جامعه و رفع محرومیت به وسیله مدیریت زکات؛ سومین نکته (نتیجه و ثمره دو نکته اول) در فهم جایگاه و اهمیت زکات در تمدن اسلامی و اداره جامعه ۱۳
- ۱/۱/۲/۳/۱. طبقه‌بندی نظام مشاغل جامعه به محوریت مشاغل اصلی در اسلام (کشاورزی، دامداری و باغداری) و در نتیجه مدیریت ثروت‌های اصلی مردم با دریافت زکات از آنان؛ تبیین چگونگی مدیریت نظام مشاغل جامعه و رفع محرومیت به وسیله مدیریت زکات ۱۳
- ۱/۱/۲/۳/۲. پول رائج نبودن نقدین (طلا و نقره مسکوک) در کشور و در نتیجه بلاموضوع شدن پرداخت زکات از آن؛ یکی از علل تضعیف زکات و عدم قدرت محرومیت‌زدایی به وسیله زکات ۱۷
- ۱/۲. تبیین تمدن‌سازی اسلامی در روایت «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيِّ بَائِبُهَا» ۱۸
- ۱/۲/۱. گسترش تحلیل‌های صحیح در جامعه از سرچشمه اصلی علم و انسداد بقیه مسیرها؛ لازمه ورود به شهر علم پیامبر ﷺ از مسیر اهل بیت علیهم السلام طبق مفاد روایت «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيِّ بَائِبُهَا» ۱۸
۲. سرفصل دوم: مفاهیم و تحلیل‌های غلط گسترش‌یافته در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (به عنوان یکی از موانع اصلی تحقق تمدن اسلامی) کدام است؟ ۲۲
- ۲/۱. تعریف "فقر" و نحوه مواجهه با آن؛ اولین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (آرمان اول) .. ۲۲
- ۲/۱/۱. اختلال در روابط انسانی سیزده‌گانه؛ تعریف فقهی از فقر ۲۳
- ۲/۱/۱/۱. رابطه انسان با امام، معلم، همسایه، خانواده، دوست، دشمن، فقیر، یتیم، ابن‌سبیل، مهمان، همسفر، طرف کسب و شریک شغلی؛ مصادیق روابط انسانی سیزده‌گانه ۲۴

- ۲/۱/۱/۲. بهبود و یا اختلال در روابط انسانی؛ ریشه آزادی گسترده یا محدود شدن آزادی ۲۵
- ۲/۲. "گرسنگی" و نحوه مواجهه با آن؛ دومین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (آرمان دوم) .. ۲۵
- ۲/۲/۱. گسترش کشت محصولات تراریخته؛ راهکار غلط سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار برای رفع گرسنگی در جهان ۲۵
- ۲/۲/۲. تبدیل مشاغل کشاورزی، دامداری، باغداری و تجارت به چهار شغل اصلی دنیا؛ راهکار فقهی برای رفع گرسنگی در جهان ۲۶
- ۲/۲/۲/۱. گسترش مشاغل کشاورزی، دامداری و باغداری در دنیا؛ عامل تولید غذای گسترده و در نتیجه کاهش و رفع گرسنگی ۲۶
- ۲/۲/۲/۲. عمومی کردن تجارت در دنیا؛ عامل ایجاد سیستم توزیع عمومی غذا و در نتیجه ارزان شدن اجناس (غذا) و در نتیجه کاهش و رفع گرسنگی مردم ۲۶
- ۲/۲/۳. کمبود آب و وجود خشکسالی در جهان؛ یکی از اشکالات وارده بر گسترش کشاورزی طبیعی. ۲۷
- ۲/۲/۳/۱. گسترش کشت گندم در مزارع کشاورزی؛ یکی از راهکارهای فقهی (مبتنی بر اشراف و علم صحیح) جهت افزایش باران و رفع کمبود آب و خشکسالی ۲۷
- ۲/۳. تعریف "سلامت" و نحوه ایجاد آن؛ سومین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (آرمان سوم) ۲۹
- ۲/۳/۱. سیاستگذاری برای افزایش دسترسی افراد به "خدمات درمان"، نه "پیشگیری" از بیماری؛ یکی از مفاهیم غلط و ناقص آرمان سوم سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار ۲۹
- ۲/۳/۲. محوریت "سلول" در سلامت و مرض؛ یکی دیگر از مفاهیم غلط و ناقص در مبانی پزشکی و حوزه سلامت ۲۹
- ۲/۳/۲/۱. محوریت "قلب" و "مزاج (طبایع اربعه)" در سلامت و مرض، و در نتیجه تاثیرپذیری "سلول" (در سلامت و مرض) از این دو؛ مبنای فقهی مدیریت حوزه سلامت ۳۰
- ۲/۴. مفهوم نوآوری و زیرساخت؛ چهارمین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (آرمان نهم) ۳۲
- ۲/۴/۱. اصل دانستن نوآوری در صنعت؛ مفهومی غلط و ناقص در آرمان نهم از سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار ۳۲

- ۲/۵. مفهوم شهرهوشمند و جوامع پایدار؛ پنجمین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (آرمان یازدهم) ۳۲
- ۲/۵/۱. ایجاد مانیتورینگ و کنترل اراده انسان به نحو حداکثری توسط هوش مصنوعی؛ مفهوم و تعریف شهرهوشمند ۳۲
- ۱/۵/۲. تناقض مفهوم شهرهوشمند (آرمان یازدهم) با آزادی گسترده (آرمان اول)؛ یکی از تناقضات سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار ۳۳
- ۲/۶. مفهوم مدیریت آب و هوا؛ ششمین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (آرمان سیزدهم) .. ۳۳
- ۲/۶/۱. وابستگی مدیریت آب و هوا به اصلاح الگوی تولید؛ اولین و اساسی ترین اقدام برای اصلاح مفاهیم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار در حوزه مدیریت آب و هوا ۳۳
- ۲/۶/۲. ناکارآمدی راهکار "تقویت صنایع بازیافت زباله" برای مدیریت، مقابله و پیشگیری از افزایش آلودگی های زیست محیطی و زباله های انبوه در کره زمین: ۳۴
- ۲/۶/۲/۱. بالاتر بودن سرعت "تولید زباله" از سرعت "بازیافت زباله" در جهان!؛ علت ناکارآمدی راهکار "تقویت صنایع بازیافت زباله" برای مدیریت، مقابله و پیشگیری از افزایش آلودگی های زیست محیطی و زباله های انبوه در کره زمین ۳۴
۳. سرفصل سوم: الگوی حکمرانی سازمان ملل و سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار را چگونه اصلاح کنیم؟ ۳۶
- ۳/۱. رجوع به علوم اهل بیت علیهم السلام و گسترش گفتگوهای فقهی بین مردم و مسئولین کشور؛ تنها راه نجات اصلاح حکمرانی سازمان ملل و سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار. ۳۶
- ۳/۱/۱. گسترش علوم استنباطی دانش اهل بیت علیهم السلام؛ یکی از کارهای لازم برای گسترش علوم اهل بیت علیهم السلام ۳۷
- ۳/۱/۱/۱. قواعد فقهی احراز صدور، قواعد فقهی درایه و تدبر، قواعد فقهی الفاظ؛ قواعد سه گانه علوم استنباطی دانش اهل بیت علیهم السلام ۳۷
- ۳/۲. لزوم تدوین برنامه هفتم کشور مبتنی بر آیات و روایات و نه الگوهای توسعه غربی ۳۹
- پیوست ها: ۴۲

- پیوست شماره ۱: مصادیق وجوب زکات ۴۴
- پیوست شماره ۲: رفع فقر و محرومیت زدایی؛ یکی از علل اصلی وجوب زکات ۴۵
- پیوست شماره ۳: اهمیت و تاکید فراوان بر مشاغل کشاورزی، باغداری و دامداری در روایات ۴۹
- پیوست شماره ۴: مصادر و روایات معاضدِ «انا مدینه العلم و علیُّ بائِها» ۵۷
- پیوست شماره ۵: مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام ۶۱
- پیوست شماره ۶: تصویر عناوین و اهداف (مفاهیم غلط گسترش یافته) سند ۲۰۳ توسعه پایدار ۶۵
- پیوست شماره ۷: تاکید و ترغیب فراوان به "تجارت عمومی" در روایات ۶۸
- پیوست شماره ۸: تصاویری از زیاده‌های پلاستیکی انباشته شده در سطح زمین و دریاها ۷۳
- پیوست شماره ۹: عدم اجرایی بودن برنامه‌های توسعه ۷۷
- برنامه‌های توسعه؛ کتاب آرزوها ! ۷۷
- گزارش دیوان محاسبات از عملکرد قانون برنامه ششم توسعه کشور ۸۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَشَفِيعِنَا فِي يَوْمِ الْجَزَاءِ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ سَيِّمًا بِقِيَّةِ اللَّهِ فِي الْأَرْضِينَ أَرْوَاحُنَا لِأَمَالِهِ الْفِدَاءِ وَعَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفُ وَاللَّعْنُ الدَّائِمُ عَلَيَّ أَعْدَائِهِ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

۱. مقدمه: تبیین ضرورت بحث نقشه جامع تمدن اسلامی برای جلوگیری از کلی‌گویی و

ایجاد فهم جامع‌تر از اسلام

۱/۱. کلی‌گویی و عدم ارائه بحث تفصیلی راجع به اسلام و انقلاب؛ مشکل اصلی چهل سال اول

انقلاب و مانع اصلی تحقق تمدن اسلامی

همان‌طور که به استحضار برادران و خواهران گرامی رسیده است، در نشست تخصصی امروز، اجمالی از مباحث مرتبط با "نقشه جامع تمدن اسلامی" را طرح می‌کنیم و راجع به ابعاد مختلف آن، محضرتان مباحثه خواهیم کرد. این عنوان نقشه جامع تمدن اسلامی، نیاز به شرح دارد؛ البته اگر غرض مان این باشد که به سمت تحقق تمدن اسلامی حرکت کنیم.

اگر یک اراده جدی در ما وجود داشته باشد که بخواهیم تمدن اسلامی را محقق بکنیم، نیازمند این هستیم راجع به این اصطلاح مادر و این اصطلاح کلیدی بحث تفصیلی داشته باشیم. رهن اصلی در فرآیند تحقق تمدن اسلامی کلی‌گویی راجع به این مسئله است. همیشه اگر خواستید توجه داشته باشید که یک فکر در حال محقق شدن است یا فقط قرار است برای آن به صورت شعاری، نشست‌ها و همایش‌هایی برگزار شود؛ تمایز اصلی [بین این دو] آن است که: ببینید در مورد آن بحث تفصیلی مطرح می‌شود یا نه همه بحث‌ها، بحث‌های اجمالی و کلی است. من فکر می‌کنم، مشکل اصلی ما در چهل سال اول انقلاب اسلامی کلی‌گویی و عدم ارائه بحث‌های تفصیلی راجع به بحث‌های اسلام و انقلاب بوده است. بنابراین باید سعی کنیم با برگزاری نشست‌های تخصصی فراوان و تولید مکتوبات متکثر؛ با این رهن اصلی و چالش اصلی مقابله کنیم.

استحضار دارید که این کلمه جامع هم که ما بکار بردیم، نسبی است. یعنی پیشنهاد و فهم ما این است که این حرف‌هایی که امروز گزارش آن را عرض می‌کنم، نسبت به فهم‌های موجود جامع‌تر است. والا در مسائل فهم از آیات و روایات توقفی وجود ندارد. (حد یقفی وجود ندارد.) دریای بیکرانی از علم وجود دارد. هرکس ادعا کند که من برابر با وحی می‌فهمم و متوجه می‌شوم، علامت بزرگی برای جهل او محسوب می‌شود. اما اشکالی ندارد، وقتی می‌بینیم همه کلی‌گویی می‌کنند، ما اصطلاح "نقشه جامع" را بکار ببریم. به معنای اینکه به آنها تذکر دهیم که نباید اجمالی وارد بحث بشوند. در همین روزهای اخیر در یکی از دانشگاه‌های ایران، مجموعه‌ای از محصولات مرتبط با تمدن اسلامی به نمایش گذاشته شد؛ من وقتی اجمالاً این محصولات را بررسی کردم، دیدم اکثر اینها کلی‌گویی کردند و به صورت اجمالی وارد بحث شدند. نباید این فرآیند ادامه پیدا کند. بنابراین وقتی کسی ادعا می‌کند که من راجع به تمدن اسلامی وارد بحث می‌شوم، ما می‌توانیم با تکیه به مفهوم "جامعیت" او را به چالش بکشیم. غربگراها و کلی‌گوها دو لبه قیچی مقابله با انقلاب اسلامی هستند. وقتی کلی‌گوها بحث تفصیلی نمی‌کنند، غربگراها در عمل موفق می‌شوند با مردم تفاهم کنند و در انتخابات‌ها کرسی‌های مسئولیت را فتح کنند و برای جمهوری اسلامی چالش ایجاد کنند. پس با غرض مواجهه با این چالش، ما این عنوان نقشه جامع تمدن اسلامی را انتخاب کردیم.

۱/۲. اجمالی از سه پرسش مطرح در جلسه

۱/۲/۱. ارائه بحث تفصیلی و ارتقاء درک از مسئله تمدن اسلامی؛ خاصیت پرسش‌های مطرح در جلسه

در جلسه امروز سه پرسش را محضر شما طرح خواهم کرد، این سه پرسش کمک می‌کند که درک ما از مسئله تمدن اسلامی ارتقاء پیدا کند و خاصیت این پرسش‌ها این است که می‌توانیم به محوریت آنها، خانواده‌ای از آیات و روایات تشکیل دهیم و بحث تفصیلی برای تمدن اسلامی ارائه دهیم.

پرسش اول این است که: ماهیت تمدن اسلامی چیست؟ تمدن اسلامی دارای چه مفاهیمی است؟ شبکه اصطلاحات آن چیست؟ پرسش‌های پایه آن چیست؟ امروز من اندکی با توجه به بعضی از آیات و روایات راجع به آن بحث می‌کنم. یک جمله معروفی که در چهل سال اول انقلاب دائماً مطرح می‌شده است و در قانون اساسی هم متأسفانه این جمله آمده است که: «ما تجربیات بشر را امضاء می‌کنیم» و اینقدر این امضاء تجربیات بشر در برنامه‌های کشور، در قوانین توسعه کشور، در برنامه‌های توسعه کشور ادامه پیدا کرده که تقریباً جایی برای اسلام باقی نمانده است! گاهی اوقات که توفیق داشتم، اسناد برنامه‌های کشور را مطالعه کردم، می‌بینید که دو یا سه حکم در ابتدای برنامه‌های توسعه هست و اشاره‌ای به مسائل اسلامی دارد. یا در قوانین مادر کشور هم همین‌طور است. مثلاً شما قانون نظام مهندسی کشور را مطالعه کنید، قانون مقررات ملی ساختمان را مطالعه کنید، می‌بینید که در بندی اشاره دارد که مفاهیم اسلامی در ساختمان پیاده شود و دیگر هیچ شرحی نمی‌بینید که برای این مسئله وجود داشته باشد. پرسش اول خاصیتش این است که ما را از این اجمال‌گویی‌ها خارج می‌کند. وقتی شما می‌بینید در قوانین کشور عمدتاً تجربه‌های بشری استفاده می‌شود و مفاهیم اسلامی راجع به آن کلی‌گویی می‌شود؛ این احتمال را بدهید که قانون‌گذار و نماینده مجلس و همان فقیهی که در شورای نگهبان این قانون را امضاء کرده، درکش از اسلام راجع به آن مسئله، اجمالی بوده است و وقتی کسی درک اجمالی دارد، به صورت طبیعی در حوزه مسئولیتش هم به آن کلی‌گویی‌ها بسنده می‌کند. خب، این سوال اول است.

سوال دومی که باید پرسیم این است که: به صورت مصداقی باید مفاهیم غلطی که در برنامه‌ریزی کشور استفاده می‌شود را بحث کنیم. باز ما در نقد غرب و نقد مدرنیته و نقد توسعه غربی به بلای کلی‌گویی مبتلا شده‌ایم، مثلاً بعضی می‌گویند که ما با مدیریت

آمریکا بر جهان مخالف هستیم. بعد استدلال‌هایی هم مطرح می‌کنند، این استدلال‌ها یک پاراگراف است! من خدمت یکی از امام جمعه‌های مهم کشور بودم، ایشان سوال‌شان در آن جلسه پژوهشی که با هم داشتیم، این بود که غیر از مسائل جنسی که در سند ۲۰۳۰ ما به آن اشکال می‌کنیم، در سند ۲۰۳۰ چه مفاهیم غلطی وجود دارد؟ حالا این موضوع را چه زمانی از من در جلسه می‌پرسید؟ وقتی در کشور صدها جلسه راجع به سند ۲۰۳۰ برگزار شده است. در محور دوم من می‌خواهم بگویم که چون ما تمدن اسلامی را به نحو اجمالی فهمیده‌ایم، برنامه‌ریزی کشور از مفاهیم غلط پر شده است. لذا بنده در جلسه امروز می‌خواهم راجع به بخشی از این مفاهیم غلط به صورت مصداقی (و عمدتاً سند توسعه پایدار ۲۰۳۰) بایستم و وارد بحث بشوم.

چرا می‌خواهم امروز روی این موضوع مقداری صحبت کنم؟ چون خیلی‌ها فکر می‌کنند که سند ۲۰۳۰ لغو شده است. اساساً وقتی بحث اسناد بین‌المللی مطرح می‌شود، برخی فکر می‌کنند اسناد بین‌المللی یک ماهیت حقوقی دارد که حالا اگر رئیس جمهوری پذیرفت، اجرایی می‌شود و اگر یک رئیس جمهوری لغو کرد، آن سند لغو می‌شود. در حالی که مهم‌تر از ماهیت حقوقی اسناد بین‌المللی مفاهیمی است که ذیل اسناد بین‌المللی به پذیرش نخبگان می‌رسد و من فکر می‌کنم با اینکه به لحاظ حقوقی سند ۲۰۳۰ به دستور رئیس محترم جمهور لغو شد و این خودش یک کار ارزشمند بود؛ ولی مفاهیم سند ۲۰۳۰ در وزارتخانه‌ها و در همه نهادها در جریان است. خلاصه باید راجع به آن بحث کنیم. حالا من شش مورد را از سند ۲۰۳۰ انتخاب کرده‌ام که اجمالاً اشاره کنم، ببینید که اینها همه مفاهیم غلطی است که الان در فضای کشور راجع به آن گفتگو می‌شود و بحث می‌شود.

سرفصل سوم بحث این است که: اگر بخواهیم به نحو عمومی، درک جامعه را از تمدن اسلامی ارتقاء دهیم، نقطه شروع کدام است؟ و تکیه‌گاه اصلی کجاست؟ چه مفهومی را برجسته کنیم که نتیجه آن، توسعه درک از تمدن اسلامی شود و ایجاد چالش حداکثری برای مفاهیم مدرنیته از جمله سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ شود؟ مفهوم اصلی، مفهوم "حجیت" است. مفهوم اصلی، مفهوم "علم و حیانی" است. اگر ما ایستادیم و در ذهن‌ها این سوال را برجسته کردیم که: آیا فلان مفهوم و فلان حکم برنامه، دارای حجیت است یا خیر؟ مثلاً بند اول برنامه ششم کشور، مبتنی بر "علم انبیاء" نوشته شده است یا نه؛ براساس "علوم پوزتویستی" نوشته شده است؟ اگر این سوال را برجسته کنیم، آن وقت امکان توسعه درک تفصیلی از تمدن اسلامی برای افراد جامعه به وجود می‌آید. چرا؟ چون شما ذیل کلمه "حجیت"، افراد را به سرچشمه علم، توجه می‌دهید. اگر کسی از شما هیچ وقت راجع به "حجیت" کار نپرسید؛ یعنی: او قصد ندارد آبخور تحلیل‌های شما را اصلاح کند. در روایت هست که امام علیه السلام از مردم گله می‌کند؛ تعبیرشان این است که: «بعضی از مردم نم را می‌مکنند و این نهر عظیم را رها می‌کنند!»^۱ حضرت می‌فرماید: «ما نهر عظیم هستیم و دانش بقیه مردم،

۱. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ التُّعْمَانِ عَنْ بَعْضِ الصَّادِقِينَ يَرْفَعُهُ إِلَى جَعْفَرٍ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ: يُمْضُونَ التَّمَادَا وَيَدْعُونَ النَّهْرَ الْعَظِيمَ!! قِيلَ لَهُ: وَمَنْ النَّهْرُ الْعَظِيمُ؟ قَالَ: رَسُولُ اللَّهِ وَإِنَّهُ وَالْعِلْمُ الَّذِي آتَاهُ اللَّهُ. إِنَّ اللَّهَ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ ص سُنَنَ النَّبِيِّينَ مِنْ أَدَمَ هَلَمْ جَزَأَ إِلَى مُحَمَّدٍ. قِيلَ لَهُ: وَمَا تِلْكَ السُّنَنُ؟ قَالَ: عِلْمُ النَّبِيِّينَ بِأَسْرِهِ إِنَّ اللَّهَ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ ص عِلْمَ النَّبِيِّينَ بِأَسْرِهِ وَ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَبَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع. فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَأَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ أَعْلَمَ أَوْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع: اسْمَعُوا مَا نَقُولُ إِنَّ اللَّهَ يَفْتَحُ مَسَامِعَ مَنْ يَشَاءُ إِنَِّّي حَدَّثْتُ أَنَّ اللَّهَ جَمَعَ لِمُحَمَّدٍ ص عِلْمَ النَّبِيِّينَ وَ أَنَّهُ جَعَلَ ذَلِكَ كُلَّهُ عِنْدَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ هُوَ يَسْأَلُنِي هُوَ أَعْلَمُ أَمْ بَعْضُ النَّبِيِّينَ.

امام باقر (علیه السلام): قطره آب در حال خشک شدن را می‌مکند! و نهر عظیم و زرف را رها می‌کنند! عرض شد: نهر عظیم چیست؟ فرمود: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و علمی که خدا به او بخشیده است. خداوند متعال سنت‌های انبیاء از آدم تا محمد را برای محمد (صلی الله علیه و آله) جمع نموده است. عرض شد: آن سنت‌ها چیست؟ فرمود: علم تام پیامبران، خدا تمام علم پیامبران را برای او جمع کرد و پیامبر اکرم همه آن علوم را به امیرالمؤمنین (علیه السلام) سپرد.

آن مرد گفت: پس امیرالمؤمنین داناتر است یا بعضی از پیغمبران؟ حضرت فرمود: گوش بدهید این شخص چه می‌گوید! [یا ما چه می‌گوییم] خداوند گوش کسی را که بخواهد باز می‌کند؛ من میگویم خداوند برای حضرت محمد علم تمام پیغمبران را جمع نموده و او همه را در اختیار امیرالمؤمنین نهاده است؛ باز او سؤال می‌کند امیرالمؤمنین داناتر است یا بعضی از پیامبران!

بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۱۷ / الکافی، ج ۱، ص ۲۲۲

الوافی، ج ۳، ص ۵۵۱ / بحار الأنوار، ج ۱۷، ص ۱۳۱ و ج ۲۶، ص ۱۶۶

نسبت به دانش ما مثل یک نم محسوب می‌شود! یعنی: یک طراوت حداقلی، یک حیات حداقلی در دانش دیگران وجود دارد؛ برخلاف دانش ائمه هدی علیهم‌السلام که نهر عظیم محسوب می‌شود. لذا امام علیه السلام سوال‌شان این است که: چرا مردم نهر عظیم را رها می‌کنند و سراغ مکیدن نهم‌های دیگران (یعنی علوم ناقص دیگران) می‌روند؟! بنابراین در پرسش سوم چگونگی احیای مفهوم "حجیت" را در نظام برنامه‌ریزی کشور بحث خواهیم کرد.

ان‌شاءالله بعد از این جلسه، ذیل این سه پرسش؛ یک درک تفصیلی‌تری از مفهوم "تمدن اسلامی" برای همه ما ایجاد شود. البته من بعد از نماز صبح که بحث‌ها را جمع‌بندی می‌کردم، محورهای فراوان دیگری هم به ذهنم آمد که اگر اینها را مطرح کنیم، درک ما از تمدن اسلامی تفصیلی‌تر خواهد شد؛ ولی اجازه بدهید که آنها را در جلسات دیگری بحث کنم و راجع به آن گفتگو کنم.

مثلاً می‌شود راجع به "طبقه‌بندی دانش" هم بحث کرد. شما استحضار دارید: اگر دانش با الگوی "بیکن (Bacon)"^۲ باشد که براساس "طبقه‌بندی بیکنی" از علم، "تمدن اسلامی" را بسازیم، در نهایت یک "تمدن غربی" بر ما تحمیل خواهد شد؛ ولی تابلوی آن، تابلوی تمدن اسلامی است! مثلاً شما تابلوی مجلس شورای اسلامی را که می‌بینید، نوشته است: «مجلس شورای اسلامی»؛ ولی من به عنوان یک کارشناسی که قوانین کشور را سال‌هاست مطالعه می‌کنم، شهادت می‌دهم که بیش از ۹۰ درصد از قوانین مجلس، قوانین غربی است! یا مثلاً: شما تابلوی "دانشگاه آزاد اسلامی" را مشاهده می‌کنید؛ ولی تقریباً هیچ‌کس قائلی که انصاف داشته باشد، نمی‌گوید: الان در دانشگاه آزاد اسلامی، اسلامیت را جریان می‌دهیم. نه. اسم آن دانشگاه آزاد اسلامی است، در مجلس شورای اسلامی هم همین‌طور است. در مجلس شورای اسلامی هم قوانین مصوب، که تصویب می‌شود، (آن هم با همت شورای نگهبان) [فقط] مخالفت‌های قطعیه این قوانین با شرع و احکام اسلامی جلوگیری می‌شود. مثلاً: شما در جمهوری اسلامی، قانون به نفع "شراب" تصویب نکردید، چون شورای نگهبان بوده است. ولی صدها قانونی که مخالف قطعیه اسلام نیست، یعنی مخالفت قطعیه ندارد، ولی با تغییر الفاظ بالاخره قوانینی که در مجموع موافق اسلام نیست را تصویب کرده‌اید. استحضار دارید، فرق است بین اینکه ما موافق اسلام قانون‌گذاری بکنیم و بین اینکه بگوییم مجلس شورای اسلامی مخالفت صریح با اسلام نداشته است. دومی در چهل سال اول محقق شده است. مثلاً مجالس ما، مثل مجالس دوره مشروطه و پهلوی نیستند که مخالفت صریح با اسلام داشته باشند ولی ده‌ها مصوبه دارند که این مصوبات در واقع موافق شریعت هم نیستند.

حالا چطور می‌شود از این فضاها عبور کرد را ان‌شاءالله بعداً باید بحث کرد. پاسخ آن [به صورت اجمال] این است که مشاوران مجلس، مرکز پژوهش‌های مجلس باید براساس یک طبقه‌بندی جدیدی از علم، به نمایندگان مجلس مشورت بدهند. علت اینکه مجلس شورای اسلامی نتوانسته موافق اسلام، قانون‌گذاری کند، این است که مرکز پژوهش‌های مجلس و مشاوران مجلس دائماً براساس یک کارشناسی غلط به نمایندگان مجلس مشورت می‌دهند. پس بعداً می‌توانیم روی مفهوم طبقه‌بندی علم و اثر آن در تمدن‌سازی هم بحث کنیم. ولی امروز موضوع بحث من نیست. امروز همین سه سوال را من مطرح کنم.

۲. ارجاع پرورشی: Bacon and Descartes, the founders of modern empiricism and rationalism, respectively, both subscribed to two pervasive tenets of the Renaissance: an enormous enthusiasm for physical science and the belief that knowledge means power- that the ultimate purpose of theoretical science is to serve the practical needs of human beings. بیکن و دکارت، بنیانگذاران تجربه‌گرایی مدرن و خردگرایی، به ترتیب، هر دو مشترک دو اصل فراگیر دوره رنسانس بودند: یک شور و شوق عظیم برای علم فیزیک و این اعتقاد که دانش به معنای قدرت است - که هدف نهایی علم نظری خدمت به عملی است.

آدرس مطلب: سایت رسمی دانشنامه بریتانیکا - <https://b2n.ir/402524>

محور طبقه‌بندی بیکنی، تصرف در طبیعت است و دانش را به قدرت تعریف کرده است: "Knowledge is Power" (دانش، قدرت است).

۱. سوال اول: تمدن اسلامی چیست؟

سراغ سوال اول برویم: سوال اول این است که تمدن اسلامی چیست که ما می‌خواهیم آن را بسازیم؟ این سوال خیلی سوال مهمی است و به آن باید توجه کنیم.

۱/۱. تبیین چهار رکن اصلی تمدن اسلامی در آیه ۴۱ سوره حج

۱/۱/۱. اقامه صلاه، ایتاء زکات، امر به معروف و نهی از منکر؛ چهار رکن اصلی تمدن اسلامی در آیه ۴۱

سوره حج

یکی از آیاتی که بنده می‌خواهم از آن استفاده کنم و تمدن اسلامی را بحث کنم، آیه ۴۱ از سوره حج است. آیه را خدمت‌تان تلاوت می‌کنم و بعد شرح می‌دهم و نحوه استفاده از آیه را برای ساخت تمدن اسلامی بحث خواهم کرد. آیه اینطور می‌فرماید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ؛ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» ابتدای آیه این است که می‌فرماید: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ» می‌فرماید: کسانی که "تمکن در ارض" پیدا می‌کنند یعنی: اختیارات داشتن. می‌فرماید: کسانی که در روی زمین، خداوند به آنها اختیارات و "تمکن در ارض" بدهد؛ [این چهار کار را انجام می‌دهند].

الان اگر براساس توسعه بخواهیم بگوئیم، چه می‌گوئیم؟ می‌گوئیم باید "شاخص‌های WDI"^۳ را محقق کنیم. مثلاً الان کسانی که اختیارات در زمین دارند، چه کار می‌کنند؟ می‌گویند: "توسعه فناوری" بدهیم. می‌گویند: حالا که ما دولتی در دست‌مان است، کشور را "صنعتی" کنیم.

آیه قرآن می‌فرماید: اینها این کارها را نمی‌کنند؛ بلکه اولین کاری که انجام می‌دهند، "اقامه صلاه" است «أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ»، "زکات" را هم پرداخت می‌کنند، «وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ» "امر به معروف" هم انجام می‌دهند، «وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» و "نهی از منکر" هم می‌کنند، «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» پایان همه کارها هم دست خداست. حالا من توضیح می‌دهم که فقره «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» چرا اینجا آمده است. آیه توضیح می‌دهد که بعضی‌ها، (که حالا توضیح می‌دهم که این بعضی‌ها چه کسانی هستند.) وقتی خداوند متعال به آنها حکومت و اختیارات می‌دهد، این چهار کار را انجام می‌دهند: "اقامه صلاه"، "اعطای زکات"، "امر به معروف" و "نهی از منکر". چهار رکن نظام‌سازی را در این آیه بحث کرده است.

دقت می‌فرمایید که سوال و نقطه شروع آیه این نیست که چه کار کنید که آخرت‌تان آباد شود. بلکه می‌گوید: اگر اختیارات داشتید، چه کار انجام بدهید. بعضی وقتی‌ها ما وقتی راجع به "صلاه" بحث می‌کنیم، سوال آیه یا روایت این است که "صلاه" بخوانید تا ترکیه بشوید و پاک بشوید، مثلاً در ابتدای سوره مومنون اینطور است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» موضوع [آیه]، فلاح و رستگاری است. بعد

۳. ارجاع پردازشی: WDI: World Development Indicators (شاخص‌های توسعه جهانی)

The World Development Indicators is the primary World Bank collection of development indicators, compiled from officially-recognized international sources. It presents the most current and accurate global development data available, and includes national, regional and global estimates شاخص‌های توسعه جهانی مجموعه اولیه شاخص‌های توسعه بانک جهانی است که از منابع بین‌المللی به رسمیت شناخته شده گردآوری شده است. این جدیدترین و دقیق‌ترین داده های توسعه جهانی موجود را ارائه می‌دهد و شامل برآوردهای ملی، منطقه ای و جهانی است.

آدرس مطلب: World Bank (پایگاه بین‌المللی اطلاعات آماری شاخص‌های توسعه جهانی / بانک جهانی)

<http://world-development-indicators>

جهت مشاهده شاخص‌های کامل WDI (شاخص‌های توسعه جهانی) به لینک زیر مراجعه کنید:

<http://data.worldbank.org/indicator>

ادامه آیه به این سمت می‌رود که "صلاة" جزو ابزارهای "تزکیه" و "فلاح" است.^۴ اما الان سوال آیه این است که می‌گوید: بعضی وقتی حاکم می‌شوند، اختیارات دارند؛ باز به سمت "صلاة" می‌روند. یعنی: "صلاة" ذو وجهین است؛ هم به شما "سعادت و فلاح اخروی" می‌دهد، هم موضوع "حکومت‌داری و اداره جامعه" است. من می‌خواهم دوری فکری خودمان را نسبت به تفکر انبیاء بحث کنم. شب‌ها گاهی اوقات که قرآن می‌خوانم، می‌گویم: خدایا ما چقدر [از معارف قرآن] فاصله داریم! جمعیت‌هایی که (در ادامه بحث عرض خواهم کرد که چه کسانی هستند)، وقتی اختیارات پیدا می‌کنند (یعنی وقتی حاکم می‌شوند)، این چهار کار را انجام می‌دهند. چرا ما وقتی حاکم می‌شویم، این چهار کار را انجام نمی‌دهیم؟ چرا این اتفاق برای ما نمی‌افتد؟ امروز می‌خواهم این موضوع را مطرح کنم. پس این معنای ظاهری آیه شد.

۱/۱/۱/۱. تبیین اجمالی آیه ۴۱ سوره حج در روایتی از امام کاظم علیه السلام

من روایتی بخوانم [که بیان می‌کند] این آیه در چه شرایطی نازل شده است؟ خواهش می‌کنم این تعبیر را دقت کنید، در بعضی از منابع روایی ما این‌طور آمده است که جناب "عیسی بن داود" که یکی از روایان ماست از "الإمام أبي الحسن موسى بن جعفر" نقل می‌کند که امام کاظم علیه السلام فرمودند: «قَالَ كُنْتُ عِنْدَ أَبِي يَوْمًا فِي الْمَسْجِدِ»: من یک روز نزد پدرم در مسجد بودم. (تعبیر را دقت کنید! راوی امام کاظم علیه السلام است که در زمان امام صادق علیه السلام در مسجد بحث برنامه‌ریزی برای اداره کشور مطرح می‌شود) «إِذْ أَتَاهُ رَجُلٌ فَوَقَفَ أَمَامَهُ» مردی نزد پدرم آمد و ایستاد جلوی پدرم (یعنی نشسته هم نبودند، ایستاده بودند) کلمه "وقوف امامه" نشان از حالت مضطرب این مرد دارد. با امام تنشست، در همان حالت ایستاده به امام گفت: «وَقَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أَعَيْتَ عَلَيَّ آيَةَ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» می‌گوید: من درباره یک آیه از آیات خدا متحیرم! و این آیه من را درمانده کرده است! «أَعَيْتَ عَلَيَّ» یعنی: این آیه را نمی‌فهمم؛ در مورد این آیه به مشکل برخوردده‌ام. این مرد می‌گوید: برای حل مشکلم، «سَأَلْتُ عَنْهَا جَابِرَ بْنَ يَزِيدَ»^۵ رفتم نزد جابر بن یزید، این سوال را پرسیدم که: این آیه را (همین آیه را که من خواندم) من را درمانده کرده. «فَأَرْشَدَنِي إِلَيْكَ» جناب "جابر بن یزید" می‌گوید: برو نزد امام صادق علیه السلام. چرا پیش من آمده‌ای؟! خیلی مسئله مهمی است. جناب "جابر بن یزید" که خودش فقیه است و خودش روایت نقل می‌کند، می‌گوید: که نزد امام صادق علیه السلام برو.^۶

روایت می‌گوید: "جابر بن یزید" گفت: جواب این سوال نزد امام صادق علیه السلام است، چرا پیش من آمده‌ای؟! این حدیث خیلی برای امروز ما پر نکته است. می‌گوید امام فرمود: «فَقَالَ: وَمَا هِيَ؟» مشکلت را بگو. «قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي

۴. ارجاع پژوهشی: قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ (سوره مبارکه مومن، آیه ۱ و ۲) بی‌تردید مؤمنان رستگار شدند. * آنان که در نمازشان [به ظاهر] فروتن [و به باطن با حضور قلب] اند.

۵. آنهایی که رجال خواندند می‌دانند که جناب "جابر بن یزید" مرد ملا و موثق است و ما به او در اسناد روایات اعتماد داریم.

انتقال از متن

۶. الان ما این اخلاق‌ها را نداریم. مثلاً اگر سوالی برای نماینده مجلسی پیدا شود و بعد با سازمان برنامه و بودجه مشورت کند، به او بگویند: به قم برو؛ نزد فلان فقیه برو. الان که دست‌مان به امام نمی‌رسد، نزد فلان فقیه برو. الان این اخلاق‌ها نیست؛ می‌گوید: برو کمبریج، ماساچوست، جواب آنجاست! می‌گوید: من خودم جوابش را می‌دانم. من آن وقتی که زمان برنامه ششم به مجلس رفتم، آن آقای که شنیدم که به فضل الهی برکنار هم شد؛ خودش به من می‌گفت؛ می‌گفت: من برای برخی از سوالات به بانک جهانی می‌روم. با افتخار هم می‌گفت. یک بار بانک جهانی پول سفر من را داد، یکبار هم من با پول خودم به بانک جهانی رفتم. یک طوری افتخار می‌کرد که انگار به قم رفته و سوال پرسیده است. الان در چنین دوره‌ای هستیم.

انتقال از متن

الأرض^۷ من در فهم این آیه مانده‌ام، بعد تا آخر آیه را خواند. سپس امام فرمود: «نَعَمْ؛ فَيُنَا نَزَلَتْ» اولین حرفی که امام فرمود، این است که بدان که این آیه در مورد ما نازل شده است. ما هستیم که حکمرانی مان از اینجا شروع می‌شود. غیر از ما از همین توسعه فناوری شروع می‌کند.

یک عده‌ای هستند که حکمرانی خوب را با شاخص‌های غلط معرفی می‌کنند؛ مثلاً من دیدم که یک کارشناس در صداوسیما اینطور می‌گفت: امروز "قهرمانی در ورزش جهانی" خصوصاً "فوتبال" جزء شاخص‌های حکمرانی خوب است. یا مثلاً می‌گویند: کشور هرچه صنعتی‌تر شود، پیشرفته‌تر است، هرچه GDP^۸ افزایش پیدا کند، پیشرفته‌تر است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: این آیه راجع به حکومت ماست. حکومت دیگران که از اینجا شروع نمی‌شود! این بحث مهم است. بعد می‌فرماید: «وَذَلِكَ أَنَّ فُلَانًا وَ فُلَانًا وَ طَائِفَةً مَعَهُمْ وَ سَمَاهُمْ» می‌گوید: روزی که این آیه نازل شد، فلانی و فلانی و یک جمعی با آنها (امام با تقیه حرف می‌زنند و معلوم است که فلانی و فلانی چه کسانی هستند) رفتند تا جلوی تحقق این آیه را بگیرند. خودشان دیدند که اگر دو نفری به رسول الله صلی الله علیه و آله راجع به این آیه اعتراض کنند، کار جلو نمی‌رود. لذا رفتند سازماندهی اجتماعی کردند و جمعیتی را سازماندهی نمودند، به آنها پول دادند و آوردند. بعد امام کاظم علیه السلام می‌فرماید: «وَسَمَاهُمْ» یعنی: امام صادق علیه السلام اسم‌های آنها را برای آن مرد ذکر کرد. سپس می‌فرماید: «اجْتَمَعُوا إِلَى النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله)! إِيَّيْ مَنْ يَصِيرُ هَذَا الْأَمْرُ بَعْدَكَ؟» رفتند نزد پیامبر و گفتند: ما نگران هستیم! حکومت بعد از تو با چه کسی می‌افتد؟ بعد از تو قرار است چه کسی این امر را اداره کند؟ «فَوَاللَّهِ لَئِنْ صَارَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ إِنَّا لَنَخَافُهُمْ عَلَى أَنْفُسِنَا» سپس گفتند:

۷. ارجاع پژوهشی: و قَالَ [أى: مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَجَمَهُ اللَّهُ] أَيْضاً حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ هَمَّامٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْعُلَوِيِّ عَنْ عَيْسَى بْنِ دَاوُدَ عَنِ الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي يَوْمًا فِي الْمَسْجِدِ إِذْ آتَاهُ رَجُلٌ فَوَقَفَ أَمَامَهُ وَ قَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! أُعِثَّ عَلَيَّ آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَأَلْتُ عَنْهَا جَابِرَ بْنَ زَيْدٍ فَأَرَادَ نِيَّكَ. فَقَالَ: وَ مَا هِيَ؟ قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ» الآية. فَقَالَ: نَعَمْ فَيُنَا نَزَلَتْ وَ ذَلِكَ أَنَّ فُلَانًا وَ فُلَانًا وَ طَائِفَةً مَعَهُمْ وَ سَمَاهُمْ اجْتَمَعُوا إِلَى النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله)! إِيَّيْ مَنْ يَصِيرُ هَذَا الْأَمْرُ بَعْدَكَ؟ فَوَاللَّهِ لَئِنْ صَارَ إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ إِنَّا لَنَخَافُهُمْ عَلَى أَنْفُسِنَا وَ لَوْ صَارَ إِلَى غَيْرِهِمْ لَعَلَّ غَيْرَهُمْ أَقْرَبُ وَ أَرْحَمُ بِنَا مِنْهُمْ. فَقَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله) مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ أَمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ مَا أَبْغَضْتُمُوهُمْ لِأَنَّ بَعْضَهُمْ بَغَضِي وَ بَعْضُهُمْ بَغَضِي هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ ثُمَّ تَمَيَّزْتُمْ إِلَى نَفْسِي فَوَاللَّهِ لَئِنْ مَكَّنَّاهُمْ اللَّهُ فِي الْأَرْضِ لَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ لَوْ قُتِلَتْهَا وَ لَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ لِمَحَلِّهَا وَ لَيَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ لَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ بَيْتِي وَ دَرِّئِي فَاتَّزَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ إِلَى قَوْلِهِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ فَلَمْ يَقْبَلِ الْقَوْمُ ذَلِكَ فَانزَلَ اللَّهُ شِبْحَانَهُ وَ إِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ ثَمُودُ* وَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ* وَ أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ.

امام کاظم (عیسی بن داود از امام کاظم) نقل کرده که حضرت فرمود: «روزی در مسجد نزد پدرم (امام صادق) بودم که مردی نزد او آمد و در مقابل ایشان ایستاد و عرض کرد: «ای فرزند رسول خدا ای‌ای در قرآن مرا در مانده کرده است، تفسیر آن را از جابر بن زید پرسیدم، او مرا به محضر شما راهنمایی کرد». پدرم فرمود: «آن آیه کدام است؟» آن مرد گفت: آیه‌ی «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ...». پدرم فرمود: «آری! این آیه درباره ما (اهل بیت) نازل شده است و جریانش چنین است: فلانی و فلانی و گروهی که با آن دو بودند که پدرم نام آن‌ها را ذکر کرد خدمت پیامبر آمده و پرسیدند: «خلافت بعد از شما به چه کسی خواهد رسید؟ به خدا سوگند! اگر به یکی از خویشاوندان شما برسد ما از خویشان تو بر جان خویش بی‌مناکم؛ و اگر به کسی غیر از آن‌ها برسد، چه بسا کسی غیر از آن‌ها نسبت به ما نزدیک‌تر و مهربان‌تر باشد!» رسول خدا از شنیدن این سخن بسیار ناراحت شد و فرمود: «به خدا سوگند! اگر به خدا و فرستاده‌اش ایمان داشتید، هرگز آنان را دشمن نمی‌پنداشتید؛ زیرا که دشمنی با آن‌ها دشمنی با من و دشمنی با من، کفر و ریزیدن به خداوند است. شما [با این سختنان] از مرگم به من خبر دادید! به خدا سوگند! اگر خداوند به آن‌ها در زمین قدرت دهد، نماز را در وقتش به پای خواهند داشت و زکات را در جای خودش به مصرف رسانده و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود؛ خداوند کسانی که با من و اهل بیتم دشمنی نمایند را خوار و ذلیل خواهد کرد». در این هنگام خداوند عزوجل این آیه را نازل فرمود: الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ آمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ؛ با این حال، آن گروه فرمایش پیامبر را نپذیرفتند؛ خداوند سبحان نیز این آیات را نازل فرمود: وَ إِنْ يَكْذِبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَ عَادٌ وَ ثَمُودُ وَ قَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَ قَوْمُ لُوطٍ وَ أَصْحَابُ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى فَأَمْلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ.

تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة (استرآبادی، علی، ۹۴۰ ق)، ص ۳۳۸

بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۶۵۱ و ج ۲۴، ص ۱۶۵ / تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب (قمی مشهدی، محمد بن محمد رضا، ۱۱۲۵ ق)، ص ۹، ص ۱۱۱ / البرهان فی تفسیر القرآن (بحرانی،

سید هاشم بن سلیمان، ۱۱۰۷ ق)، ج ۳، ص ۸۹۲

۸. ارجاع پژوهشی: در سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در تعریف GDP (Gross Domestic Product) چنین آمده است:

کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولیدشده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) را تولید ناخالص داخلی می‌نامند.

آدرس مطلب در سایت رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: yon.ir/HRXCN

یا رسول الله! قسم به خدا! اگر این امر را تو به مردی از اهل بیت علیهم السلام خودت تفویض کنی، ما می‌ترسیم، خیلی می‌ترسیم! «وَلَوْ صَارَ إِلَىٰ غَيْرِهِمْ لَعَلَّ غَيْرَهُمْ أَقْرَبُ وَأَرْحَمُ بِنَا مِنْهُمْ» اما اگر این امر را به غیر از آن رجل بدهی (آن رجل، مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام است) اگر به غیر از امیرالمومنین علیه السلام بدهی، امیدواریم که او بیشتر به ما برسد و به ما رحم کند. یعنی با یک ادبیات مظلوم‌نمایی نزد پیغمبر رفتند! بعد ببینید عکس‌العمل پیغمبر چگونه بود؟ پیغمبر می‌دیدند که اگر "الگوی حکمرانی" از "شاخص‌های غلط" شروع شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ لذا «فَعَضِبَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)» حضرت غضبناک شدند. «مِنْ ذَلِكَ غَضَبًا شَدِيدًا» غضب ایشان عادی هم نبود. علت آن این است که عوارض "حکمرانی غلط" را می‌دانست؛ برای همین عصبانی شدند و با یک حالت شدیدی به اینها فرمودند: اگر این آیه و مردی که می‌تواند این آیه را اجرایی کند، روی کار نیاید، زندگی میلیون‌ها نفر به چالش کشیده خواهد شد. پیامبر صلی الله علیه و آله امروز ما را می‌دیدند؛ امروز جهان را می‌دیدند. (جنبش ضد نهاد کثیف وال استریت، جنبش جلیقه زردها را در پاریس، شورش‌های حاشیه لندن، حوادث مختلفی دارید که در همه دنیا به دلیل حکمرانی غلط در حال اتفاق افتادن است. مردم در حال از بین رفتن هستند!) حضرت خیلی ناراحت شدند. سپس می‌فرمایند: «ثُمَّ قَالَ: أَمَا وَاللَّهِ لَوْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا أَبْغَضْتُمُوهُمْ» قسم به خدا! اگر شما ایمان به خدا و رسول داشتید، بغض ایشان در دل‌تان نبود. پیامبر صلی الله علیه و آله هم به ریشه زدند و فرمودند: شما مظلوم‌نمایی می‌کنید که می‌گویید: ما به دنبال یک آدمی هستیم که بیشتر به ما رحم کند. شما از اساس ایمان به خدا و رسول ندارید که این حرف را می‌زنید! تعبیر روایت را ببینید. می‌فرماید: «لَوْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مَا أَبْغَضْتُمُوهُمْ لِأَنَّ بُغْضَهُمْ بُغْضِي وَبُغْضِي هُوَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ» مردم! این را بدانید که بغض خانواده و اهل بیت من، بغض من است؛ عصبانیت من هم به معنی کفر به خداست. اگر کسی من را عصبانی کند، کافر به خدا شده است. من که به خاطر مسائل بی‌ارزش و پیش پا افتاده غضبناک نمی‌شوم؛ بلکه به خاطر کفر، غضبناک می‌شوم. رسول الله صلی الله علیه و آله توضیح می‌دهند: «ثُمَّ نَعَيْتُمْ إِلَيَّ» این حالتی هم که شما در نزد من اجتماع کردید، از علائم رفتن من است! من از این حادثه متوجه شدم که رفتن من از این دنیا نزدیک است! بعد به این بحث در مورد این آیه می‌رسند و می‌فرمایند: «لَئِنْ مَكَّنْتُمُ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ»: اگر اختیارات حکومتی را به خانواده من دادید، «لَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ لَوْ قُنْتُمْهَا وَ لَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ لِمَحَلِّهَا وَ لَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۹ و الی آخر روایت که توضیح نمی‌دهم. حضرت می‌فرمایند: اصرار من برای اینکه امیرالمومنین علیه السلام (آن رجل از اهل بیت من) جانشین من شود، به خاطر "الگوی حکمرانی" است. ایشان یک مدلی از "حکمرانی" و "نظام‌سازی" دارند که پایه‌اش چهار مطلب است؛ اگر شما امیرالمومنین علیه السلام را کنار زدید به "الگوی غلط حکمرانی" مبتلا می‌شوید. این استظهار از آیه است. تعبیر را دقت کنید من نمی‌خواهم استحسان کرده باشم، می‌فرمایند: «لَئِنْ مَكَّنْتُمُ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ» یعنی: اگر خداوند به اینها اختیارات داد، از اختیاراتشان برای تحقق شاخص‌های غلط استفاده نمی‌کنند، بلکه این چهار امر را محقق می‌کنند. من این روایت را هم خواندم ولی فقط این روایت نیست، بلکه چندین روایت است که همین معنا را می‌دهند.^{۱۰} پس وقتی راجع به "تمدن اسلامی" بحث

۹. ارجاع پرورشی: ترجمه: همانا نماز را در وقتش اقامه خواهند کرد و زکات را در محلش پرداخت خواهند نمود و حتما امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود.

۱۰. ارجاع پژوهشی: قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ رَجَمَهُ اللَّهُ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ سَعِيدِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُخَارِقٍ عَنِ الْإِمَامِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ ع قَالَ: قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ «إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» قَالَ: نَحْنُ هُمْ. موسى بن جعفر از پدرش از پدرانش (علیهم السلام): منظور از این آیه ما هستیم.

تأويل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۳۲۷

بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۴ / البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۸۹۱ / تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۱۱۰

و قَالَ [مُحَمَّدُ بْنُ الْعَبَّاسِ] أَيْضاً حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ حُصَيْنِ بْنِ مُخَارِقٍ عَنْ عَمْرِو بْنِ ثَابِتٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ عَنْ أُمِّهِ عَنِ أَبِيهَا [عَنْ أَبِيهِ] ع فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ الَّذِينَ «إِنْ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ» قَالَ: هَذِهِ زَكَاةٌ فِيْنَا أَهْلَ الْبَيْتِ.

می‌کنیم، کلمه "اسلام" برای من مهم است. الگوی اسلامیت و جریان اسلامیت در حکمرانی، چهار پایه دارد و اگر امیرالمومنین علیه السلام زمام امور را به عهده می‌گرفتند و "فتنه سقیفه" ایجاد نمی‌شد، الان "الگوی حکمرانی الگوی توسعه غربی" نبود! بلکه یک الگوی دیگری حاکم بود.

۱/۱/۱/۲. تبیین اجمالی نقش "اقامه صلاه" در تمدن اسلامی

خب؛ حالا یک سوالی پیش می‌آید، حالا دیگر وقت درایه در روایت است؛ نباید مثل اخباریون روایت را توضیح دهیم. چه ویژگی‌ای در این چهار موضوع است که پایه‌های اصلی نظام‌سازی و تمدن اسلامی در اسلام شده‌اند؟ خب، من به دلیل وقت جلسه "اقامه الصلاه" را توضیح نمی‌دهم؛ در روایت است که: «صلاه»، چهار هزار حد دارد.»^{۱۱} یعنی به تعبیر ساده‌تر، "صلاه" حاوی چهار هزار مفهوم است و خیلی از این مفاهیمی که در "صلاه" اخذ شده (که من وقتی اسرار "صلاه" به نحو فقهی بگویم، اینها را بحث می‌کنم) اینها با اداره جامعه ارتباط دارد. عرض کردم "صلاه" لا اقل دو دسته بحث راجع به آن وجود دارد: گاهی شما "صلاه"

امام حسین (علیه السلام) از مادرش حضرت زهرا (سلام الله علیها) از پدرش (رسول خدا (صلی الله علیه و آله)) و یا از امیرالمومنین (علیه السلام): این آیه در مورد ما اهل بیت نازل شده است.

تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص: ۳۳۸

البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص: ۸۹۲ / تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص: ۱۱۱

قَالَ حَدَّثَنَا فَرَاتٌ [قَالَ حَدَّثَنِي الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ ثَوَابٍ الْهَبَارِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ خِدَاشٍ عَنْ أَبَانَ بْنِ تَعْلَبٍ] عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع فِي قَوْلِهِ تَعَالَى «الَّذِينَ إِذْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» الْآيَةَ قَالَ: «فِيهَا وَاللَّهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ».

امام جواد (علیه السلام): به خدا قسم! این آیه در مورد ما نازل شده است.

تفسير فرات الكوفي، ص ۲۷۴

شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، ج ۱، ص ۵۲۲ / بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۶ (كلاهما عن تفسير الفرات)

وَ قَالَ أَيْضاً حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ كَبِيرِ بْنِ عِيَّاشٍ عَنْ أَبِي الْجَازِدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَ جَلَّ «الَّذِينَ إِذْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَنُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» قَالَ: «هَذِهِ لِأَنَّ مُحَمَّدًا وَ الْمَهْدِيَّ وَ أَصْحَابَهُ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ الدِّينَ وَ يُبَيِّتُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ الْبِدْعَ وَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ».

امام باقر (علیه السلام): این آیه، برای خاندان محمد و مهدی و یارانش است. خداوند، مشرق و مغرب زمین را به تسلط آنها در می‌آورد و دین را چیره می‌کند و خداوند عز و جل به دست او و یارانش، بدعت‌گذاران و باطل‌پویان را می‌میراند، همان گونه که نابخردان، حق را می‌رانده‌اند تا آن جا که اثری از ستم، دیده نشود و به نیکی فرمان می‌دهند و از زشتی باز می‌دارند؛ و فرجام همه کارها از آن خداوند است.

تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة، ص ۳۳۹

بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵ / إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات (شيخ حر عاملی، ۱۱۰۴ ق)، ج ۵، ص ۱۸۹ / البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۸۹۲ / تفسير كنز الدقائق و بحر

الغرائب، ج ۹، ص ۱۱۲

وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي الْجَازِدِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي قَوْلِهِ: «الَّذِينَ إِذْ مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ» وَ هَذِهِ الْآيَةُ لِأَنَّ مُحَمَّدًا ع إِلَى آخِرِ الْآيَةِ وَ الْمَهْدِيَّ وَ أَصْحَابَهُ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ تَعَالَى مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا وَ يُظْهِرُ الدِّينَ وَ يُبَيِّتُ اللَّهُ بِهِ وَ أَصْحَابَهُ الْبِدْعَ الْبَاطِلَ كَمَا أَمَاتَ السَّفَهَةَ الْحَقَّ حَتَّى لَا يُرَى أَثَرٌ لِلظُّلْمِ».

امام باقر (علیه السلام): این آیه، برای خاندان محمد و مهدی و یارانش است. خداوند، مشرق و مغرب زمین را به تسلط آنها در می‌آورد و دین را چیره می‌کند و خداوند عز و جل به دست او و یارانش، بدعت‌گذاران و باطل‌پویان را می‌میراند، همان گونه که نابخردان، حق را می‌رانده‌اند تا آن جا که اثری از ستم، دیده نشود.

تفسير القمي، ج ۲، ص ۸۷

بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۴۷ / البرهان في تفسير القرآن، ج ۳، ص ۸۹۳ / تفسير نور الثقلين، ج ۳، ص ۵۰۶ / تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۹، ص ۱۱۰

۱۱. ارجاع پژوهشی: علي بن إبراهيم عن أبيه عن حماد بن عيسى عن أبي عبد الله ع قال: «للصلاة أربعة آلاف حد». و في رواية أخرى للصلاة أربعة آلاف باب.

امام صادق علیه السلام: نماز، چهار هزار حد دارد. و در روایتی دیگر: چهار هزار باب.

الكافي، ج ۳، ص ۲۷۲

تهذيب الأحكام، ج ۲، ص ۲۴۲ / مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۲۴۹ / الوافي، ج ۸، ص ۸۲۷

و "تزکیه" و "آخرت" را بحث می‌کنید، و گاهی "صلاة" و "حکمرانی" و "اداره جامعه" را بحث می‌کنید. حالا از آن چهار هزار حدّ را که ما طلبه‌های کوچک می‌فهمیم، خیلی هایش به اداره جامعه ربط دارد.

۱/۱/۱/۲/۱. تقسیم‌بندی و مرزبندی‌های اجتماعی بر اساس اهالی "صراط مستقیم"، "ضالین (گمراهان)" و "مغضوب‌علیهم (مورد غضب خداوند)؛ نمونه‌ای از نقش اقامه صلاة در ساخت تمدن اسلامی (شاخصه اصلی سوره حمد در دسته‌بندی مردم جهان)

مثلاً یکی از آنها این است که شما آخر سوره حمد، مردم را به سه دسته تقسیم می‌کنید: (۱) اهالی صراط مستقیم، (۲) مردمی که ضالّ (گمراه) هستند، (۳) مردمی که مغضوب (مورد غضب خداوند) هستند. قرآن اصرار دارد که به شما گزارش دهد که مردم به لحاظ فکری و عملی، یک دسته نیستند؛ بلکه بعضی "اهل صراط مستقیم" هستند، بعضی "ضالّ و گمراه" هستند، بعضی‌ها هم "مغضوب خداوند متعال" هستند. لذا اگر کسی نماز را با معنایش بخواند، به یک مرزبندی اجتماعی می‌رسد.

۱/۱/۱/۲/۲/۱. تقسیم‌بندی و مرزبندی‌های اجتماعی بر اساس "توسعه‌یافتگی"، "تحصیلات"، "مهارت" و "قانون"؛ مثال‌هایی از شاخصه‌های جهانی در دسته‌بندی مردم جهان

الان مرزبندی‌ها این‌گونه است می‌گویند: "کشورهای توسعه‌یافته"، "کشورهای در حال توسعه"، "کشورهای جهان سوم". تقسیمات این‌گونه است. یا مثلاً می‌گویند کسانی که "دارای تحصیلات تکمیلی" هستند، کسانی که "مهارت" دارند و "بی‌سوادها". تقسیم‌بندی‌ها یک چیزهای دیگری است. الان هم تقسیم‌بندی هست و حالا شما آدم‌ها را با یک معیارهای دیگری تقسیم‌بندی می‌کنید. مثلاً اگر تئوری‌های "جامعه مدنی" را خوانده باشید، می‌گویند: آدم‌هایی که "قانون‌مدار" اند و آدم‌هایی که قانون را رعایت نمی‌کنند.

قرآن می‌فرماید: تقسیم‌بندی‌های تان نباید غلط باشد. این یکی از مفاهیم درون نماز است. می‌گوید: با محوریت گمراه بودن یا عدم گمراه بودن آدم‌ها را تقسیم کنید تا دچار مشکل نشوید. حالا بعداً شرح می‌دهیم که "صراط مستقیم"، "ضالّ" و "مغضوب" به چه معنا هستند. الان نمی‌خواهم اینها را بحث کنم.

۱/۱/۲. تبیین جایگاه "زکات" در تمدن اسلامی و اداره جامعه:

بحث امر به معروف و نهی از منکر را هم امروز بحث نمی‌کنم، امروز می‌خواهم یک شرحی راجع به «وَأَتُوا الزُّكَاةَ» بدهم؛ چرا قرآن می‌فرماید: یکی از شاخصه‌های حکمرانی صحیح و تمدن اسلامی، ادای "زکات" است؟ چرا روی "زکات" ایستاده است؟ چون قرار است ما یک تمدنی بسازیم. برای اینکه تمدن بسازیم، باید از نماینده مجلس شهرتان بپرسد که مثلاً شما برای زکات (با نگاه تمدن اسلامی) چه کار کرده‌اید؟ این طور باید بپرسید و مطالبه می‌کنید! یا یک قدم قبل‌تر، در حال ارزیابی هستیم که مثلاً آیا انقلاب اسلامی در مسیر صحیح خودش حرکت می‌کند؟ یعنی همان اجرای اسلام؟ یا خیر؛ خدای نکرده جمهوری اسلامی در مسیر تمدن غرب حرکت می‌کند؟ با چه شاخصی ارزیابی می‌کنیم؟ یکی از شاخصه‌ها "زکات" است. خوب؛ حالا چرا زکات، شاخص حکمرانی خوب و شاخص‌الگوی صحیح اداره است؟ من می‌خواهم این را قدری توضیح دهم.

۱/۱/۲/۱. توجه به مصادیق نه‌گانه و خوب زکات؛ اولین نکته در فهم جایگاه زکات در تمدن اسلامی و اداره جامعه
دو سه مسئله بگویم که جایگاه زکات در اداره جامعه مشخص شود. اولاً اینکه همه آقایان فقهاء گفته‌اند که: زکات بر ۹ چیز واجب می‌شود.^{۱۲}

۱۲. ارجاع پرورشی: تجب الزکاة فی الأنعام الثلاث الإبل و البقر و الغنم و فی الذهب و الفضة و الغلات الأربع الحنطة و الشعیر و التمر و الزییب و لا تجب فیما عدا ذلك.

۱/۱/۲/۱/۳. غلات اربعه (گندم، جو، خرما و کشمش)؛ چهار نمونه دیگر از مصادیق وجوب زکات (مدیریت اقلام

اصلی حوزه کشاورزی و باغداری)

چهار مورد آن هم "غلات اربعه" است: که دو مورد "گندم" و "جو" است؛ یعنی: "اقلام اصلی حوزه کشاورزی" است. دو مورد دیگر هم "خرما" و "کشمش" است؛ یعنی: "اقلام اصلی حوزه باغداری" است. پس مجموعاً "انعام ثلاثه" و "غلات اربعه"، در حوزه "مدیریت مشاغل" هستند؛ به شرحی که عرض خواهیم کرد. این یک نکته شد.

حتماً شما روایات این مباحث را دیده‌اید که فقهاء از روایات استنباط کرده‌اند. بنده بعضی از این روایات را اشاره کنم. یکی از این روایات؛ روایتی است که در فروع کافی از امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقل شده است که می‌فرمایند: «فَرَضَ اللَّهُ الزَّكَاةَ مَعَ الصَّلَاةِ فِي الْأَمْوَالِ وَ سَنَّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي تِسْعَةِ أَشْيَاءَ وَ عَفَا رَسُولُ اللَّهِ عَمَّا سِوَاهُنَّ»^{۱۴} سپس این ۹ مورد را برمی‌شمارند: «فی الذهب و الفضة» (در مورد طلا و نقره) «و الابل و البقر و الغنم» (در مورد شتر، گاو و گوسفند) «و الحنطة و الشعير» (در مورد گندم و جو) و «التمر و الزبيب» (در مورد خرما و کشمش) در اینجا روایات موثق فراوان است.^{۱۵} البته تعبیر روایت دقیق است. می‌فرماید: «وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ» حضرت می‌فرماید: خداوند متعال زکات را در بقیه مال‌ها واجب نکرده است. در بقیه اقلام (مثل نخود و بعضی موارد دیگر) مستحب است و جزو واجبات زکات هستند. پس این هم یک نکته شد.

۱۴. ارجاع پژوهشی: علی بن ابراهیم عن ابيه عن حماد عن حريز عن زوزارة و محمد بن مسلم و أبي بصير و يزيد بن معاوية العجلي و فضيل [فضيل خ ل] بن يسار عن ابي جعفر و ابي عبد الله عليهما السلام قالوا: فرض الله الزكاة مع الصلاة في الأموال و سنّها رسول الله صلى الله عليه و آله في تسعة أشياء و عفا رسول الله عَمَّا سِوَاهُنَّ فِي الْكُدْهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْغَنَمِ وَ الْحَنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الزَّبِيبِ وَ عَفَا عَمَّا سِوَى ذَلِكَ .

زراره، محمد بن مسلم، ابو بصير، برید عجللی و فضیل بن یسار گویند: امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فرمودند: خداوند زکات اموال را در کنار نماز، فرض و واجب کرد و رسول خدا صلی الله علیه و اله زکات را در نه ماده سنت نهاد و از سایر مواد صرف نظر کرد. از این رو، زکات فریضه به طلا و نقره، شتر، گاو و گوسفند، گندم، جو، خرما و کشمش اختصاص یافت و سایر اموال از پرداخت زکات معاف گردید.

الکافی، ج ۳، ص ۵۰۹ / الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۲، ص ۳ / تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۳ و سائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۵ / الوافی، ج ۱۰، ص ۵۳

۱۵. ارجاع پژوهشی: برای نمونه: محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عيسى عن العباس بن معروف عن علي بن مهزيار قال: قرأت في كتاب عبد الله بن محمد إلى أبي الحسن ع جعلت فذاك زوي عن أبي عبد الله ع أنه قال: وضع رسول الله ص الزكاة على تسعة أشياء الحنطة و الشعير و التمر و الزبيب و الذهب و الفضة و البقر و الإبل و عفا رسول الله ص عَمَّا سِوَى ذَلِكَ .

امام صادق (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و اله) زکات را بر نه چیز وضع نمود: گندم و جو و خرما و کشمش و طلا و نقره و گوسفند و گاو و شتر. و از غیر از اینها در گذشت.

الکافی، ج ۳، ص ۵۱۰

الإستبصار فیما اختلف من الأخبار، ج ۲، ص ۳ / تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۳

و سائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۵ / الوافی، ج ۱۰، ص ۵۶

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «مصادیق وجوب زکات»: به پیوست شماره ۱ مراجعه کنید.

۱/۱/۲/۲. توجه به علت و فلسفه وضع زکات بر مصادیق نه گانه؛ دومین نکته در فهم جایگاه زکات در تمدن اسلامی

و اداره جامعه

من می‌خواهم جایگاه زکات را توضیح دهم؛ نکته دوم این است که: زکات چرا در این ۹ مورد وضع [و واجب] شده است؟ نکته اول این بود که زکات بر ۹ مورد وضع و واجب شده است. بحث دوم این است که زکات را به چه علت در این ۹ مسئله [نه در موارد دیگر] وضع [و واجب] کرده‌اند؟

۱/۱/۲/۲/۱. مدیریت محرومیت‌زدایی و رفع فقر؛ علت و فلسفه وضع زکات

امام کاظم علیه السلام در یک روایتی توضیح می‌دهند که: «إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ قُوْتاً لِلْفُقَرَاءِ»^{۱۶} می‌گویند: مسئله زکات، "مدیریت محرومیت‌زدایی" در یک جامعه است. مباحثی که تاکنون مطرح شد را در ذهن‌تان دوره کنید: در بحث اول: آیه قرآن فرمود: «زکات یک شاخصه‌های حکمرانی صحیح است». سپس امام علیه السلام در اینجا می‌فرمایند: زکات، "قُوْتاً لِلْفُقَرَاءِ" [بخاطر تامین غذای فقراء وضع شده] است. یعنی: یکی از چهار کار "حکمرانی صحیح"، "مدیریت محرومیت و رفع فقر" است. از جمع بین ادله این استفاده می‌شود. این هم نکته دوم شد.

۱/۱/۲/۳. مدیریت نظام مشاغل جامعه و رفع محرومیت به وسیله مدیریت زکات؛ سومین نکته (نتیجه و ثمره دو

نکته اول) در فهم جایگاه و اهمیت زکات در تمدن اسلامی و اداره جامعه

۱/۱/۲/۳/۱. طبقه‌بندی نظام مشاغل جامعه به محوریت مشاغل اصلی در اسلام (کشاورزی، دامداری و باغداری) و در

نتیجه مدیریت ثروت‌های اصلی مردم با دریافت زکات از آنان؛ تبیین چگونگی مدیریت نظام مشاغل جامعه و رفع محرومیت

به وسیله مدیریت زکات

حال نکته سوم و حرف نهایی بنده: اگر مردم اکثرشان به این مشاغلی که بنده عرض کردم مشغول نباشند، پولی در کشور برای محرومیت‌زدایی جمع نمی‌شود. فرض بفرمایید: مثل الان کشور ما که اکثر مردم در "مشاغل صنعتی" مشغول باشند؛ یا مثلاً دکتر و مهندس یا در شغل‌های دیگری باشند، اصلاً مردم مشغول تولید در این مشاغل نیستند تا شما بتوانید از طریق زکات، قوت فقرا را تامین کنید. یعنی درآمدی که الان از زکات جمع می‌شود، با آن نمی‌شود کار خاصی انجام داد. الان ستاد زکات که حاج آقای قرائتی ایجاد کردند، همین‌طور است. یعنی الان مردم زکات می‌دهند؛ ولی فقط چند نفر کشاورز در روستا زکات می‌دهند. پولی که جمع می‌شود با آن نمی‌شود محرومیت‌زدایی کرد. از سیاق این روایت این‌طور استفاده می‌شود که "نظام مشاغل اصلی اسلام" در سه حوزه "کشاورزی"، "دامداری" و "باغداری" است؛ یعنی [در تمدن اسلامی] اکثر مردم به این مشاغل مشغول‌اند. آن وقت خدای متعال می‌گوید: چون اکثر مردم به این مشاغل مشغول هستند، زکات مال آنها را برای فقرا بگیرد. یعنی روایت (به تعبیر امروزی) می‌گوید: زکات، مدیریت ثروت‌های اصلی آدم‌هاست. پس پیداست که آدم‌ها ثروت‌های اصلی را از این مشاغل به دست می‌آورند. این یک دلیل.

۱۶. ارجاع پژوهشی: عَنْهُ (احمد بن محمد بن خالد) عَنْ أَبِيهِ عَنْ يُونُسَ عَنْ مُبَارَكِ الْعَقْرُقُوفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ ع يَقُولُ: إِنَّمَا وُضِعَتِ الزَّكَاةُ قُوْتاً لِلْفُقَرَاءِ وَ تَوْفِيراً لِأَمْوَالِهِمْ.

موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده است که فرمود: همانا که زکات به عنوان روزی فقراء و افزایش اموال اغنیا وضع شده است.

المحاسن، ج ۲، ص ۳۱۹ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۴ (رَوَى مُبَارَكُ الْعَقْرُقُوفِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ)

علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۸ (و فیهِ "لِأَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ" بدل "لِأَمْوَالِهِمْ")

سند علل: أَبِي زَحْمَةَ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُبَارَكِ الْعَقْرُقُوفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۱۸ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۱۰

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «رفع فقر و محرومیت‌زدایی؛ یکی از علل اصلی وجوب زکات»؛ به پیوست شماره ۲ مراجعه کنید.

دلیل دیگری که بنده عرض می‌کنم این است که: از حکم زکات، طبقه‌بندی مشاغل استفاده می‌شود، حضرات اهل بیت علیهم‌السلام در مجموعه‌ای از روایات به صورت مجزا فواید کشاورزی، باغداری و دامداری را بحث کرده‌اند.^{۱۷} باید از آن هم استفاده شود. یک وقتی فقیه فقط معذّر و منجز و احکام را استنباط می‌کند و دیگر به این نکاتی که بنده عرض می‌کنم، نمی‌رسد. شما در کلمات فقهاء دیده‌اید؛ فقهای که خیلی حداکثری نگاه می‌کنند، می‌گویند: «هیچ واقعه‌ای نیست که خالی از حکم باشد.» مرحوم شهید صدر (ره) در حلقات در یک بحث مقدماتی که انجام می‌دهند، تعبیرشان این است که: «و خلاصتها أنّ الواقعة لا تخلو من حکم»^{۱۸} و وقتی می‌خواهند بگویند: دین حداکثری است، فقط حوزه حکم را حداکثری بحث می‌کنند. فقیهی که فقط غرضش

۱۷. ارجاع پژوهشی: علی بن ابی‌طالب عن ابيه عن التوفلي عن السكوني عن ابي عبد الله ع قال: «سئل النبي ص: أي المال خير؟ قال: الزرع زرع صاحبه وأصلحه وأصلحه و أدى حقه يوم حصاده. قال: فأني المال بعد الزرع خير؟ قال: رجل في غنم له قد تبع بها مواضع الفطر يقيم الصلاة و يؤتي الزكاة. قال: فأني المال بعد الغنم خير؟ قال: البقر تغذو بخير و تروح بخير. قال: فأني المال بعد البقر خير؟ قال: الراسيات في الوحل و المطعمات في الملح نعم الشيء التخل من باعه فإكما نمته بمنزلة زماذ على رأس ساهي أشدت به الريح في يوم عاصف إلا أن يخلت مكانها. قيل: يا رسول الله؛ فأني المال بعد التخل خير؟ قال: فسكت. قال: فقام إليه رجل فقال له: يا رسول الله؛ فأني الإبل؟ قال: فيه السقاء و الجفأ و العناء و بعد الدار، تغذو مذبرة و تروح مذبرة، لا يأتي خيروها إلا من جانبها الأمام. أما إنهما لا تعدم الأشقياء الفجرة.»

«از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) سؤال شد: کدام مال بهتر است؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را کشت نموده و پرورش داده و هنگام درو حق آن را پرداخته باشد. پرسیدند: ای رسول خدا؛ پس کدام مال بعد از زراعت کردن بهتر است؟ فرمود: مردی که گوسفند دارد و [برای سیراب کردنشان] در بی آنها راهی محل‌ها و گودالهایی که در آنها آب باران جمع شده، می‌گردد و نماز می‌خواند و زکات می‌دهد. پرسیدند: ای رسول خدا! کدام مال پس از گوسفند بهتر است؟ فرمود، گاو، که بامداد به خوبی [شیر می‌دهد]، و شامگاه هم به خوبی [شیر می‌دهد]. پرسیدند: ای رسول خدا! پس از گاو، چه چیزی بهتر است؟ فرمود: آن درختهای بلندی که در گل و لای ریشه دارند، و خوراک روزهای قحط را فراهم می‌سازند. چه خوب چیزی است درخت خرما! هر کس آن را بفروشد بهایش چون خاکستر سر قلّه کوه است که در روز طوفانی، باد سختی بر آن بوزد و آن را پراکنده سازد، مگر آنکه به بهای آن، نخلستان دیگری بخرد. پرسیدند: ای رسول خدا! کدام مال پس از نخل بهتر است؟ حضرت سکوت کرد [و جوابی نداد]. مردی گفت: پس شتر چگونه [منزلی دارد]؟ فرمود: بدبختی و دل سختی و رنج، در شتر داری است؛ در بامداد و شامگاه از خانه دور می‌شود [و در بیابان بسر می‌برد]، خیری نمی‌دهد مگر از آن سویی که خطرناک است [راه دوشیدن و سوارشدن از طرف چپ اوست]، ولی مردمان بدبخت نابکار، آن را از دست ندهند.»

الکافي، ج ۵، ص ۲۶۱ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۲۹۱ / الأمالي (للصديق)، ص ۳۵۰

سند امالي: حَدَّثَنَا أَبِي رَضَوْنَا لِلَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ تَوْفَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سئل رسول الله

الخصال، ج ۱، ص ۲۴۶

سند خصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَا جِئُوا بِهِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ تَوْفَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سئل رسول الله ...

معاني الأخبار، ص ۱۹۷

سند معاني الاخبار: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ تَوْفَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سئل رسول الله

الأربعون حديثاً (للشهيد الأول)، ص ۶۰

(سند الأربعون حديثاً: أَخْبَرَنِي الشَّيْخُ الْإِمَامُ فَخْرُ الدِّينِ أَبُو طَالِبٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ الْمُطَهَّرِ تَبَاتًا وَالِدِي وَعَمِّي رَضِيَ الدِّينُ عَلَيَّ أَحْبَبْتُهَا وَالِدَاتَا: أَبْنَاتَا الْفَقِيهَةِ أَحْمَدُ بْنُ مَشْعُودٍ أَبْنَاتَا الْفَقِيهَةِ مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ أَبْنَاتَا عَرَبِيٍّ بَيْنَ مُسَافِرِي، أَبْنَاتَا الْبَاشِ بْنِ هَاشِمٍ: أَبْنَاتَا أَبِي عَلِيٍّ الْحَسَنِ تَبَاتًا وَالِدِي، أَحْبَبْتُهَا شَيْخُنَا الْمُفِيدُ: أَبْنَاتَا أَبُو جَعْفَرِ بْنِ بَابُوئِيهِ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبِي، حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدِ بْنِ تَوْفَلِيٍّ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زَيْدٍ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: سئل رسول الله

الصادق عليه السلام جعفر بن محمد عن أبيه، عن أبيه عليه السلام قال: سئل رسول الله

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۳۷ [باب استخبات الخزاز الزرع ثم الغنم ثم البقر ثم التخل و اختيار الجميع على الإبل و كل منها على لاجه]

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۳۱ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۷۵ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۲۱ و ج ۱۰۰، ص ۶۴ / جامع أحاديث الشيعة، ج ۲۳، ص ۹۵۶

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «اهمیت و تاکید فراوان بر مشاغل کشاورزی، باغداری و دامداری در روایات»؛ به پیوست شماره ۳ مراجعه کنید.

۱۸. ارجاع پرورشی: شمول الحکم الشرعی لجمیع وقائع الحیاة: و لما كان الله تعالى عالما بجميع المصالح و المفساد التي ترتبط بحياة الإنسان في مختلف مجالاته الحياتية، فمن اللطف اللائق برحمته أن يشرع للإنسان التشريع الأفضل وفقا لتلك المصالح و المفساد في شتى جوانب الحیاة، و قد أكدت ذلك نصوص كثيرة وردت عن أئمة أهل البيت عليهم السلام، و خلاصتها أنّ الواقعة لا تخلو من حکم.

شمول حکم شرعی برای جمیع وقائع (اتفاقات) زندگی؛ و چون خداوند متعال، عالم به جمیع مصالح و مفسداتی که مرتبط با زندگی انسان در جوانب مختلف است می‌باشد؛ پس از لطفی سزاوار رحمت خداوند است که برای انسان بهترین و بالاترین احکام که موافق این مصالح و مفساد است را در جوانب مختلف زندگی تشریع کند، و این مطلب در نصوص و روایات فراوانی که از اهل بیت (علیهم السلام) وارد شده است تاکید شده است، و خلاصه این مطلب و نصوص آن است که: واقعه (و اتفاقات مختلف زندگی بشر) خالی از حکم (از طرف شارع) نیست.

دروس في علم الأصول (طبع انتشارات اسلامی) (صدر، محمد باقر)، ج ۱، ص ۱۶۵

نقشه جامع تمدن اسلامی

کشف مُعَدَّر و مُنَجَّر است، اصلاً روایاتی که من می‌گویم، به چشمش نمی‌آید. کدام دسته از روایات؟ آن دسته روایاتی که توصیف می‌کنند؛ مثلاً وقتی حضرت می‌فرماید که: «برکت در گوشت گوسفند است»^{۱۹}، «شفا در شیر گاو است»^{۲۰} یا می‌گوید: «وقتی شما با یهود و نصارا درگیر هستید، گوشت شتر مصرف کنید»^{۲۱} یا می‌گوید: «اگر می‌خواهید جلوی غلبه صفر را بگیرید یا جلوی غلبه مَرّه را بگیرید، کشمش مصرف کنید»^{۲۲} یا «جلوی آلزایمر را بگیرید کشمش مصرف کنید»^{۲۳} در واقع همه این روایات توصیفی در حال تشویق کردن است که شما شغل‌تان را در این مسائل قرار دهید.

۱۹. **ارجاع پژوهشی:** قال رسول الله صلى الله عليه وآله: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْمَعْبِشَةَ جَعَلَ الْبَرَكَاتِ فِي الْخَرْثِ وَالْعَتَمِ.

رسول گرامی اسلام فرمودند: چون خداوند، وسایل زندگی مردم را آفرید، برکت‌ها را در کشاورزی و گوسفندداری قرار داد.

کنز العمال، ج ۹۳۵۴

عَنْ أَبِي نَضْرٍ بْنِ مِرْاحِمٍ قَالَ حَدَّثَنِي حُمَيْدُ الْأَبِيِّ عَنْ أُمِّ زَيْنَبٍ مَوْلَاةِ أُمِّ هَانِي: «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع دَخَلَ عَلَى أُمِّ هَانِي، فَقَالَتْ أُمُّ هَانِي: قَدِمِي لِأَبِي الْحَسَنِ طَعَامًا. فَقَدِمْتُ مَا كَانَ فِي الْبَيْتِ فَقَالَ: مَا لِي لَا أَرَى عِنْدَكُمْ الْبُرْكََةَ؟ فَقَالَتْ أُمُّ هَانِي: أَوْ لَيْسَ هَذَا بُرْكََةً؟ فَقَالَ: لَسْتُ أَغْنِي هَذَا، إِنَّمَا أَغْنِي الشَّاةَ. فَقَالَتْ: فَمَا لَنَا مِنْ شَاةٍ فَأَكُلُ وَ اسْتَسْقَى.»

کنیز ام هانی نقل می‌کند: «روزی امیرالمؤمنین (علیه السلام) داخل منزل ام هانی شد. ام هانی (به من) گفت: برای ابوالحسن (علیه السلام) غذایی بیاور. من هم غذایی که در خانه بود را نزد حضرت آوردم. سپس حضرت فرمود: مرا چه شده که در نزد شما برکت نمی‌بینم؟! ام هانی گفت: آیا این غذا برکت نیست؟! حضرت فرمود: مقصودم این نیست؛ بلکه مقصودم گوسفند است. ام هانی گفت: نزد ما گوسفندی که بخورد و بیاشامد نیست.»

المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۱

وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۱۳ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۳۱

۲۰. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْبَنَاءُ الْبَقْرِ دَوَاءٌ وَ سُمُومُهَا شِفَاءٌ وَ لُحُومُهَا دَاءٌ.

امام صادق (علیه السلام): شیر گاو دواء، روغنش شفاء و گوشتش بیماری است.

الكافي، ج ۶، ص ۳۱۱

الوافي، ج ۱۹، ص ۲۹۱ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۶۷ / وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۴۵

عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ الْيَقِينِي عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِي بصيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع: ... لُحُومُ الْبَقْرِ دَاءٌ وَ أَلْبَانُهَا دَوَاءٌ وَ أَسْمَانُهَا شِفَاءٌ.

امیرالمؤمنین (علیه السلام): گوشت گاو مریضی است، شیرش دواء و روغنش شفاء است.

الخصال، ج ۲، ص ۶۱۱

وسائل الشيعة، ج ۲۵، ص ۲۹ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۵۶

عن النبي صلى الله عليه وآله: لَحْمُ الْبَقْرِ دَاءٌ وَ لَبَنُهَا دَوَاءٌ، وَ لَحْمُ الْعَتَمِ دَوَاءٌ وَ لَبَنُهَا دَاءٌ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گوشت گاو، درد است و شیرش، درمان؛ اما گوشت گوسفند، درمان است و شیرش، درد.

طب النبي صلى الله عليه وآله وسلم، ص ۲۷

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۶

۲۱. **ارجاع پژوهشی:** مِنَ الْفِرْدَوْسِ عَنْ مُعَاذِ بْنِ مَعَاذٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص قَالَ: عَلَيْكُمْ بِأَكْلِ لُحُومِ الْإِبِلِ فَإِنَّهُ لَا يَأْكُلُ لُحُومَهَا إِلَّا كُلُّ مُؤْمِنٍ مُخَالِفٍ لِلْيَهُودِ أَعْدَاءِ اللَّهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد خوردن گوشت شتر؛ زیرا این گوشت را تنها مؤمنان مخالف یهود (که دشمنان خداوند) می‌خورند.

مكارم الأخلاق، ص ۱۶۰

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۴

۲۲. **ارجاع پژوهشی:** حَدَّثَنَا أَبُو مَنْصُورٍ أَحْمَدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ بَكْرِ الْخُوزِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا زَيْدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ الطَّائِي قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله: عَلَيْكُمْ بِالزُّبَيْبِ فَإِنَّهُ يَكْشِفُ الْمَرَّةَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَشُدُّ الْعَصَبَ وَ يَذْهَبُ بِالْإِغْيَاءِ وَ يُحَسِّنُ الْخَلْقَ وَ يَطَيِّبُ النَّفْسَ وَ يَذْهَبُ بِالْعَتَمِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): بر شما باد مویز؛ چرا که مرارت (صفر و سودا) را از بین می‌برد و بلغم را می‌برد و بی (عصب) را سخت می‌کند و رفع خستگی می‌کند و خلق را نیکو می‌کند و دل را پاک می‌کند و اندوه را می‌برد.

الخصال، ج ۲، ص ۳۴۳

بنده خاطره‌ای را برای شما بیان کنم: به مجلس شورای اسلامی رفته بودم، بحث احکام برنامه راجع به مسائل احکام حوزه باغداری بود. به بنده گفتند پیشنهاد شما چیست؟ گفتم: مسئله "کشمش" را در "احکام برنامه توسعه" بگذارید و راجع به آن بحث کنید. گفتند: حاج آقا! الان "پفک" جریان دارد. و برخی از کسانی هستند که روایات را تطبیق می‌دهند؛ گفتند: آن زمان کشمش جریان داشته و آن مثل چیپس و پفک مصرف می‌کردند. ولی الان پفک و چیپس را موضوع قرار دهیم، و باید برای اینها حکم بنویسیم! بنده گفتم: بله؛ الان به دلیل اینکه شما و تفکرات توسعه غربی حاکم هستید، اینطور است. ولی اگر الان برای "کشمش" برنامه‌ریزی نکنید، بعدها باید برای مبارزه با "آلزامیر" برنامه‌ریزی کنید! میل خودتان است، می‌توانید تدبیری بیندیشید کشمش (شبهه چیپس و پفک) جزء اقلام مصرفی مردم بشود و خروجی‌اش آن می‌شود که مردم مشکل حافظه پیدا نخواهند کرد (البته یکی از خروجی‌هایش). یا نه؛ بگویید: الان که دوره پیامبر که نیست، [که ما کشمش مصرف کنیم] در این دوره باید چیپس و پفک مصرف کرد! [که در اینصورت] بعداً باید برای مبارزه با بیماری آلزامیر، کلی رشته‌های تخصصی درست کنید. بعد هم می‌دانید این رشته‌های تخصصی علاج نمی‌کنند، فقط پول دریافت می‌کنند، و مسئله را هم حل نمی‌کنند. تقصیر کیست که در مجلس این اتفاق می‌افتد؟ تقصیر حوزه‌های علمیه است که نمی‌آیند روایات توصیفی را برای مردم بخوانند. لذا بنده خدمت بعضی از برادران طلبه همیشه عرض می‌کنم که: وقتی می‌خواهید بگویید: شارع راجع به همه چیز حرف زده، ابتدا تعیین تکلیف کنید که اظهار نظر شارع فقط "اظهار نظر حکمی" است یا اینکه شارع "اظهار نظر توصیفی" هم دارد؟ به نظر ما شارع اظهار نظر توصیفی هم دارد. پس دلیل دومی که بنده می‌گویم مدیریت زکات، مدیریت مشاغل در جامعه است، [این است که] شارع یک مجموعه (شاید بیش از سیصد یا چهارصد) آیه و روایت دارد که مزیت شغل کشاورزی، باغداری، دامداری را توصیف می‌کند.

بنابراین از روی این دو دلیل استدلال تمام می‌شود و فایده زکات [در تمدن اسلامی و اداره جامعه] معلوم می‌شود. [خلاصه بحث تا به اینجا این شد که:] چرا زکات پایه حکمرانی است؟ چون در واقع، "نظام مشاغل" جامعه شما، بر مبنای "کشاورزی"، "دامداری" و "باغداری" است. و شما [با محوریت یافتن این مشاغل اصلی] در جامعه، از صاحبان این مشاغل، برای رفع محرومیت‌ها، اخذ زکات می‌کنید. این موضوع را خواستم توضیح دهم که چرا خداوند در قرآن کریم فرموده است: «آتُوا الزَّكَاةَ». اگر امیر مؤمنان علی علیه السلام باشند و بخواهند حکمرانی کنند، روی زکات می‌ایستند و زکات را محقق می‌کنند. وقتی زکات محقق شود، یعنی نظام مشاغل جامعه عوض می‌شود. تحقق زکات به این است. اما اگر طلبه‌هایی مثل ما باشیم، فقط می‌گوییم: «زکات واجب است.»

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۱۵۱ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۱۵۴

قال رسول الله صلى الله عليه وآله: عَلَيْكُمْ بِالزَّيْبِ؛ فَإِنَّهُ يُطْفِئُ الْمِرَّةَ، وَيُسْكِنُ الْبَلْعَمَ...

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بر شما باد مویز؛ چرا که تلخه را خاموش می‌کند، بلغم را فرو می‌نشاند...

طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۲۸

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۹۸

۲۳. ارجاع پژوهشی: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: مَنْ أَدَمَّنْ أَكَلَ الزَّيْبَ عَلَى الرَّيْقِ، زُرِقَ الْقَهْمَ وَالْحِفْظَ وَالذَّهْنَ، وَتَقَصَّ مِنَ الْبَلْعَمِ.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله): هر کس ناشتا به خوردن مویز مداومت کند، فهم و حافظه و ذهن، روزی او می‌شود و از بلغم وی، کاسته می‌شود.

المصباح للکفعمی (جنة الأمان الواقية)، ص ۲۰۰

بحار الأنوار، ج ۵۹، ص ۲۷۲

الإمام الرضا عليه السلام: مَنْ أَرَادَ أَنْ يَزِيدَ فِي حِفْظِهِ فَلْيَأْكُلْ سَبْعَ مَثاقِيلَ زَبِيْبَا بِالْقَدَاةِ عَلَى الرَّيْقِ.

امام رضا علیه السلام: هر کس که می‌خواهد به حافظه‌اش افزوده شود، صبحگاهان در حالت ناشتا، هفت مثقال مویز بخورد.

طب الإمام الرضا عليه السلام (الرسالة الذهبية)، النص، ص: ۳۶

بحار الأنوار (ط - بيروت)، ج ۵۹، ص: ۳۲۴

مکاتیب الأئمة عليهم السلام، ج ۵، ص: ۲۰۷

بله؛ زکات واجب است، ولی الان با گفتن «زکات واجب است»، زکات محقق نمی‌شود. برای اینکه زکات محقق شود، باید زیرساخت توسعه زکات که تغییر طبقه‌بندی مشاغل [بر مبنای آن] است را توسعه دهید. این معنای فهم دقیق از این بحث می‌شود.

۱/۱/۲/۳/۲. پول رائج نبودن نقدین (طلا و نقره مسکوک) در کشور و در نتیجه بلاموضوع شدن پرداخت زکات از آن؛ یکی از علل تضعیف زکات و عدم قدرت محرومیت‌زدایی به وسیله زکات

یک مورد دیگر از زکات در حوزه نقدین است. الان می‌دانید نقدین هم بلاموضوع است، بخاطر استنباط‌های محدودی که ما می‌کنیم. الان «طلا و نقره مسکوک»، پول ما نیست. پول ما «اسکناس» و «اعتبار بانکی» و «بیت‌کوین» و «رمز ارزها» و... هستند. وقتی پول اینها شد، دیگر شما نمی‌توانید از این نوع پول زکات بگیرید. چون آقایان می‌گویند: نقدین شارع، به عنوان نقدین عرف آن روز مطرح است. (نه اینکه شارع بر روی خود درهم و دینار تاکید داشته باشد) می‌گویند: شارع خصوصیت خاصی را در طلا و نقره ندیده است. چون آقایان این‌گونه بحث می‌کنند، الان زکات در مورد طلا و نقره مسکوک هم جریان ندارد. بنابراین شما اصلاً محرومیت‌زدایی ندارید؛ یا همه بودجه آن، دولتی است. در حالی که حضرت می‌فرماید: «در بودجه‌ریزی حکومتی، باید بودجه محرومیت‌زدایی از پایگاه زکات تامین شود.»^{۲۴} دقت می‌کنید که الان چه اتفاقی افتاده؟ الان چون نقدین، پول رایج نیست؛ لذا ما زکات نقدین نداریم. و چون طبقه‌بندی اصلی مشاغل هم کشاورزی و دامداری و باغداری نیست؛ لذا منابع تجمع شده از اینها هم خیلی کم است. بنابراین الان اصلاً بودجه محرومیت‌زدایی نداریم. پس نمی‌توانیم محرومیت‌زدایی پایدار داشته باشیم. حالا اگر یک وقتی پول نفت‌مان زیاد شد، نفت‌مان فروش رفت، می‌توانیم از پول آن مثلاً برای محرومین چیزی کنار بگذاریم. اما اگر دولتی فقیر شد، دیگر نمی‌تواند برای محرومین کار خاصی انجام بدهد. اما اسلام می‌گوید: بیایید نظام مشاغل را تغییر بدهید تا بودجه پایدار برای محرومیت‌زدایی داشته باشید. بالاخره بعضی‌ها فلج‌اند، بعضی‌ها علیل‌اند، زن سرپرست خانوار هستند، یتیم‌اند، در راه مانده‌اند؛ شما باید برای اینها یک بودجه دائمی داشته باشید.

بنده «زکات» را توضیح دادم. اگر می‌شد و وقت داشتیم «صلاة» را هم توضیح می‌دادم که چگونه منجر به «بهبود حکمرانی» می‌شود. بحث در مورد زکات تمام شد؛ خلاصه بحث این شد که: تاکید بر «زکات»، هم بودجه «محرومیت‌زدایی پایدار» برای شما ایجاد می‌کند، و هم «طبقه‌بندی مشاغل» شما را بهینه می‌کند و به سمت «مشاغل تولیدی» می‌برد. و چون مشاغل مردم تغییر می‌کند، تولید ثروت فراوان هم برای آنها ایجاد می‌شود؛ لذا دولت‌ها وابسته به مردم می‌شوند. این یک نکته شد.

بنده به اصل بحث برگردم: امام کاظم علیه السلام فرمودند: «فَبَيْنَا نَزَلَتْ»؛ یعنی: این آیه (آیه ۴۱ سوره حج) در مورد ما و الگوی حکمرانی ما نازل شده است. این یک روایت شد.

۲۴. ارجاع پژوهشی: عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: أُمِرْتُ أَنْ أَخَذَ الصَّدَقَةَ مِنْ أَعْيُنَائِكُمْ فَأَرْكُمَا فِي فِقْرَائِكُمْ.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله): من دستور داده شده‌ام که صدقه (و زکات) را از فروتمندانان بگیرم و به فقراي تان بدهم.

علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۱۷

بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۱ / مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۱۰۵ (نقلاً عن إِبْنِ أَبِي جُهَيْبٍ فِي دُرَرِ الْأَلَكَلِيِّ)

۱/۲ تبیین تمدن‌سازی اسلامی در روایت «أنا مدينة العلم وعليّ بابها»:

۱/۲/۱ گسترش تحلیل‌های صحیح در جامعه از سرچشمه اصلی علم و انسداد بقیه مسیره؛ لازمه ورود به

شهر علم پیامبر ﷺ از مسیر اهل بیت علیهم السلام طبق مفاد روایت «أنا مدينة العلم وعليّ بابها»

یک روایت دیگری هم هست در مورد این که اگر اهل بیت علیهم السلام حاکم شدند، چه اتفاقی می‌افتد؟ هم در منابع اهل سنت و هم منابع شیعه به صورت مفصل نقل شده است که حضرت رسول ﷺ فرمودند: «أنا مدينة العلم وعليّ بابها، فمن أراد المدينة فليأتها» (الباب) ۲۵ اگر امیرالمومنین علیهم السلام حاکم شود، شما دسترسی به علم پیغمبر ﷺ پیدا خواهید کرد. این هم یک بحثی است. اگر امیرالمومنین علیهم السلام حاکم نبودند، در باغ‌های مدینه در حاشیه بودند. ولی اگر امیرالمومنین علیهم السلام در منزلت اجتماعی قرار گیرند، دسترسی به علم ایشان گسترده می‌شود. این را خوب است برادران اهل تسنن توجه کنند که رسول الله ﷺ فرمودند که: «عليّ بابها» مسیر دسترسی به علم پیغمبر، حضرت امیرالمومنین علیهم السلام است؛ صحابه نیستند. خیلی تاکید داشتند که نباید از طریق صحابه به علم نبی اکرم ﷺ دسترسی پیدا کرد. [این راه] مُنْسَد^{۲۶} است؛ یعنی: باب صحابه به شهر علم پیامبر اصلاً بن بست و بسته است. نه اینکه چهار روایت از پیغمبر نقل نکرده باشند، در منابع اهل تسنن بنده دیده‌ام، حتی ما در بعضی استظهارها از صحابه چیزهایی را نقل می‌کنیم، اما داستان این است که "باب علم نبی" (یعنی آنکه اگر شما سراغش بروید، به شهر علم نبی وارد شوید) کیست؟ اینجا می‌فرماید: «فمن أراد المدينة فليأتها» می‌گوید اگر کسی می‌خواهد وارد شهر تحلیل‌ها و علم پیامبر شود، «فليات الباب» از طریق خلفا و صحابه نرود، بلکه از طریق امیرالمومنین علیهم السلام وارد شود. چون دوباره از بعد از "سقیفه" این آیه ۴۱ سوره حج اجرایی نشد و عده‌ای مخالفت می‌کردند، حتماً ادامه آیات ۴۲ و ۴۳ را دیده‌اید^{۲۷} که توضیح می‌دهد که عده‌ای قبول نکردند، بالاخره آنهایی که جلوی خانه پیامبر تحصن نمودند و اعتراض کردند که: بعد از شما یک حکمرانی می‌آید که می‌خواهد "اقامه صلاة"، "اتناء زکات"، "امر به معروف" و "نهی از منکر" کند. و شروع به ترساندن مردم کردند! آنها بالاخره کار خودشان را کردند. برای همین آخر آیه می‌گوید: «و لله عاقبة الامور» می‌گوید: بله، شما قبول نکردید، ولی عاقبت امور در دست خداوند متعال است. یعنی بالاخره یک روزی (برادران اهل سنت ما بدانند که) خدای متعال با اراده قاهره خودش اهل بیت علیهم السلام را حاکم

۲۵. ارجاع پژوهشی: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ الْمَدِينَةَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): من شهر علم هستم و علیّ درب آن است؛ پس هر کس اراده این شهر را دارد پس باید از درب آن وارد شود.

الفصول المختارة (شیخ مفید)، ص ۲۲۰ / الفضائل (لابن شاذان القمي)، ص ۹۶ / عمدة عيون صحاح الأخبار في مناقب إمام الأبرار (ابن بطريق، ۶۰۰ ق)، ص ۳۰۱ / شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد، ج ۷، ص ۲۶۹ / الطراف (ابن طاووس، ۶۶۴ ق)، ص ۱۹۲ / الصراط المستقيم إلى مستحقي التقديم (عاملی بناطيف ۸۷۷ ق)، ج ۲، ص ۱۹ / إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات (شیخ حرّ عاملی)، ج ۱، ص ۸۳ / بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۸۷

جهت مشاهده مصادر و روایات مُعَاَضِدِ «انا مدينة العلم و عليّ بابها»: به پیوست شماره ۴ مراجعه کنید.

۲۶. مسدود بودن، بسته بودن، عدم امکان ورود.

۲۷. ارجاع پژوهشی: ... وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ * الَّذِينَ إِذَا مَنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا الزَّكَاةَ وَ آمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِيَدْخُلَهُ الْعِقَابَةُ الْأُولَى * وَ إِن يَكْفُرُوا فَسَيَكُونُ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ * وَ قَوْمِ إِبْرَاهِيمَ إِذْ قَامُوا لِلْجَبْرِ وَ قَوْمِ لُوطٍ * وَ أَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ كَذَّبَ مُوسَى فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ (سوره مبارکه حج، آیات ۴۰ تا ۴۴)

... قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می‌دهند یاری می‌رساند مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است. * همانان که اگر آنان را در زمین قدرت و تمکن دهیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌پردازند، و مردم را به کارهای پسندیده و از کارهای زشت باز می‌دارند و عاقبت همه کارها فقط در اختیار خداست. * و اگر تو را تکذیب می‌کنند [کار جدیدی نیست] پیش از اینان قوم نوح و قوم عاد و قوم ثمود * و قوم ابراهیم و قوم لوط، * [نیز] قوم ابراهیم و قوم لوط، * و [هم چنین] اهل مدین و موسی هم تکذیب شد. پس کافران را مهلت دادم، سپس آنان را [به عذابی سخت] گرفتم، پس [بنگر که] کیفر و انتقام من [نسبت به آنان] چگونه بود؟

خواهد کرد و اصلاح سیستم حکمرانی جهان را مدیریت خواهد نمود. ولی آنها این کار را نکردند. یکی دیگر از عوارض این شد که ما الان دسترسی محدودی به علم امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ داریم.

شما تصور کنید که امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ در باغستان‌های خرمای شهر مدینه هستند و قنات می‌کنند،^{۲۸} و در وسط شهر مدینه هم بعضی از صحابه که تسلطی به علم نبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ندارند حضور دارند؛^{۲۹} [در اینصورت] چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر کسی بخواهد سراغ علم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برود، باید خود را به حاشیه شهر برساند، مسافتی را راه برود تا سواالی از امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ بپرسد. یعنی [دسترسی به علم نبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ] سخت شده است، نه اینکه بطور کامل بسته شده باشد. [نه؛ بلکه] تریبون اصلی شهر را به دست امیرالمومنین عَلَيْهِ السَّلَامُ ندادند، بلکه به دست صحابه دادند. صحابه هم که به مدل حکمرانی مسلط نیستند و یک مسیرهای غلطی را جلو می‌برند. لذا چون "سرچشمه علم اصلی"^{۳۰} حاشیه‌نشین شد، "علم غلط" در دنیا گسترش پیدا کرد. حرف بنده این است. بنده از روایت «أَنَا

۲۸. **ارجاع پژوهشی:** مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْحَلَبِيِّ عَنْ أُيُوبَ بْنِ عَطِيَّةَ الْحَدَّاءِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: قَسَمَ نَبِيُّ اللَّهِ ص الْفِيءَ فَأَصَابَ عَلِيًّا ع أَرْضًا فَأَخْتَفَرَتْ فِيهَا عَيْنًا فَخَرَجَ مَاءٌ يَنْبُعُ فِي السَّمَاءِ كَهَيْئَةِ عُنُقِ الْبَعِيرِ فَسَمَّاهَا يَنْبُعُ فَجَاءَ الْبَشِيرُ يُبَشِّرُ فَقَالَ ع بَشِّرِ الْوَارِثَ هِيَ صَدَقَةٌ بَيِّنَةٌ بَيِّنًا فِي حَجِيجِ بَيْتِ اللَّهِ وَ عَابِرِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُبَاعُ وَ لَا تُوهَبُ وَ لَا تُورَثُ فَمَنْ بَاعَهَا أَوْ وَهَبَهَا فَقَلْبِهِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ النَّاسِ أَجْمَعِينَ * لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنْهُ حَرْفًا وَ لَا عَدْلًا.

امام صادق علیه السلام: رسول خدا صلی الله علیه و آله غنایم را تقسیم کرد و یک قطعه زمین به علی (علیه السلام) رسید. علی (علیه السلام) در آن زمین چشمه‌ای حفر کرد و چشمه به آب رسید و مانند گردن شتر از آن آب به آسمان فوران کرد، لذا حضرت آن را «عین بنبع (چشمه جوشان)» نامید. کسی آمد که به آن حضرت مژده دهد. حضرت فرمود: وارث را بشارت ده! این صدقه‌ای است قطعی و مسلم برای حاجیان خانه خدا و مسافران راه آن. نه فروختنی است نه بخشیدنی و نه ارث بردنی. پس هر که آن را بفروشد یا ببخشد لعنت خدا و فرشتگان و مردم همه بر او باد و خداوند از او هیچ توبه و فدیهای نپذیرد.

الکافی، ج ۷، ص ۵۵ / تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۱۴۸

سند تهذیب: الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ يَحْيَى الْحَلَبِيِّ عَنْ أُيُوبَ بْنِ عَطِيَّةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع

دعائم الإسلام، ج ۲، ص ۳۴۱

الوافی، ج ۱۰، ص ۵۶۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۱۸۶ / بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۷۱

۲۹. **ارجاع پژوهشی:** در اشاره به این واقعیت؛ به برخی از نقل‌های تاریخی از کتب اهل سنت اشاره می‌شود: الاستیعاب: وَقَالَ [عُمَرُ] فِي الْمَجْنُونَةِ الَّتِي أَمَرَ بِرَجْمِهَا، وَفِي النَّبِيِّ وَصَعَتْ لِسَانَهُ أَشْهُرًا، فَأَرَادَ عُمَرُ رَجْمَهَا، فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ: «وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ فَلَا تُؤْوَى سَهْرًا»... وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ: إِنَّ اللَّهَ رَفَعَ الْقَلَمَ عَنِ الْمَجْنُونِ، الْحَدِيثِ، فَكَانَ عُمَرُ يَقُولُ: لَوْلَا عَلِيٌّ لَهَلَكَ عُمَرُ.

الاستیعاب: درباره زن دیوانه‌ای که [عمر] دستور به رجم وی داده بود و درباره زنی که شش ماهه زاییده بود و عمر می‌خواست او را رجم کند و علی علیه السلام به وی فرمود که خداوند متعال می‌فرماید: «او بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است...» و به وی فرمود: «خداوند، از دیوانه، قلم [محاسبه] را برداشته است...». عمر می‌گفت: اگر علی نبود، عمر هلاک می‌شد.

الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۰۶، الرقم ۱۸۷۵

فضائل الصحابة لابن حنبل: عن سعيد بن المسيب: كَانَ عُمَرُ يَتَمَوَّذُ بِاللَّهِ مِنْ مَعْضَلَةٍ لَيْسَ لَهَا أَبُو حَسَنِ.

فضائل الصحابة، ابن حنبل به نقل از سعید بن مسیب: عمر، همواره از این که مشکلی پیش آید و ابو الحسن برای حل آن حاضر نباشد، به خدا پناه می‌برد.

فضائل الصحابة لابن حنبل، ج ۲، ص ۶۴۷، ح ۱۱۰۰ / الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۳۳۹ / تاریخ دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۶ / اسد الغابة، ج ۴، ص ۹۶، الرقم ۳۷۸۹ / الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۰۶، الرقم ۱۸۷۵ / الإصابة، ج ۴، ص ۴۶۷، الرقم ۵۷۰۴ /

الصواعق المحرقة، ص ۱۲۷ / کنز العمال، ج ۱۰، ص ۳۰۰، ح ۲۹۵

کنز العمال: عن عمر بن الخطاب: يَا بَنِي أَبِي طَالِبٍ! فَمَا زِلْتَ كَاشِفَ كُلِّ شُبْهَةٍ، وَمَوْضِعَ كُلِّ حُكْمٍ.

کنز العمال به نقل از عمر بن خطاب: ای پسر ابو طالب! همواره تو برطرف کننده هر شبهه و روشن کننده هر حکمی هستی.

کنز العمال، ج ۵، ص ۸۳۴، ح ۱۴۵۰۹ (نقلاً عن أبي طالب علي بن أحمد)

تاریخ دمشق: عن عمر بن الخطاب: اللَّهُمَّ لَا تُرَلِّكْ شَدِيدَةً إِلَّا وَأَبُو الْحَسَنِ إِلَى جَنبِي.

تاریخ دمشق به نقل از عمر بن خطاب: خداوند! هیچ گرفتاری و سختی‌ای نازل مکن، جز آن که ابو الحسن، کنار من باشد.

تاریخ دمشق، ج ۵۳، ص ۳۵ / فراند السمتین، ج ۱، ص ۳۴۳، ح ۲۶۴ / ذخائر العقبی، ص ۱۴۹ / الرياض النضرة، ج ۳، ص ۱۶۲

۳۰. **ارجاع پژوهشی:** أَبَا عَنْ سَلِيمٍ بْنِ قَيْسٍ قَالَ صَعِدَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع الْمِنْبَرِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَشَى عَلَيْهِ... ثُمَّ قَالَ ع سَلُونِي [عَمَّا شِئْتُمْ] قَبْلَ أَنْ تَفْقِدُونِي فَوَاللَّهِ إِنِّي يَطْرُقُ السَّمَاءَ أَعْلَمُ مِنِّي يَطْرُقُ الْأَرْضَ...

ابان از سلیم بن قیس چنین نقل می‌کند: امیرالمؤمنین (علیه السلام) بر فراز منبر قرار گرفت و حمد و ثنای الهی بجا آورد... سپس فرمود: درباره هر چه می‌خواهید از من بپرسید قبل از آنکه مرا نیابید. بخدا قسم من به راههای آسمان از راههای زمین آگاهترم.

مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا»، این را می‌فهمم که علت گسترش طبقه‌بندی بیکنی علم در دنیا، حاشیه‌نشین کردن آقا امیرالمؤمنین علیه السلام است. چرا؟ چون ایشان باب علم نبی صلی الله علیه و آله بود. به جای اینکه ایشان را در وسط مدینه بگذارند و احادیش را نشر دهند تا علم غلط گسترش پیدا نکند، او را حاشیه‌نشین کردند.^{۳۱} عده‌ای از خواص نزد علی علیه السلام رفتند و با مرارت‌های مختلف، سوال پرسیدند و مکتوب کردند و به دست ما رساندند. ولی اگر ایشان وسط مدینه بود، تحلیل‌های صحیح در همه نقاط دنیا گسترش پیدا می‌کرد.

کتاب سلیم بن قیس الهلالي، ج ۲، ص ۷۱۲
بحار الأنوار، ج ۳۴، ص ۲۵۹

امیرالمؤمنین ع: أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَقْفُدُونِي فَلَا تَكُنَّا بِطُرُقِ السَّمَاءِ أَعْلَمَ مِنِّي بِطُرُقِ الْأَرْضِ قَبْلَ أَنْ تَشْعَرَ بِرَجْلَيْهَا فَتَنْتَهَ تَطَأُ فِي خِطَامِهَا وَ تَذْهَبُ بِأَخْلَامِ قَوْمِهَا.
امیرالمؤمنین (علیه السلام): ای مردم، پیش از آنکه مرا نیابید از من بپرسید، که من به راه‌های آسمان داناتر از راه‌های زمینم، بپرسید پیش از آنکه فتنه‌ای به شما روی آورد که چون شتر بی صاحب گام بردارد و مهار خود را لگد کوب کند، و عقول صاحب عقول را زایل نماید.

نهج البلاغه، خطبه ۱۹۰، ص ۲۸۰
بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۲۸

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ عَنْ مُتَّى عَنْ زُرَّازَةَ قَالَ: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ يَسْأَلُهُ عَنْ قَوْلِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «سَلُونِي عَمَّا شِئْتُمْ، فَلَا تَسْأَلُونِي عَنْ شَيْءٍ إِلَّا إِنِّي أَتَانِيكُمْ بِهِ». قَالَ: إِنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ عِنْدَهُ عِلْمٌ شَيْءٍ إِلَّا خَرَجَ مِنْ عِنْدِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَلْيَذْهَبِ النَّاسُ حَيْثُ شَاءُوا، قَوْلَهُ لَيْسَ الْأَمْرُ إِلَّا مِنَ هَاهُنَا - وَأَشَارَ يَدَهُ إِلَى بَيْتِهِ -.

زراره نقل می‌کند که: نزد امام باقر (علیه السلام) بودم. مردی از اهل کوفه از ایشان در باره این سخن امیر مؤمنان علیه السلام که: «در باره هر چه می‌خواهید، از من بپرسید. شما در باره نکته‌ای از من نخواهید پرسید، مگر آن که شما را از آن آگاه می‌کنم» پرسش کرد. فرمود: «هیچ کس به علمی دست نیافته است، مگر این که آن علم از سوی امیر مؤمنان علیه السلام صادر شده باشد. مردم هر کجا می‌خواهند بروند. به خدا سوگند، امر نیست، مگر از این جا» و با دست به خانه‌اش اشاره کرد.

الکافی، ج ۱، ص ۳۹۹ / بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲
وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۶۹ / الوافی، ج ۳، ص ۶۱۰ / بحار الأنوار، ج ۲، ص ۹۴

جهت مشاهده روایات بیشتر در مورد «مرجعیت علمی اهل بیت (علیهم السلام)»: به پیوست شماره ۵ مراجعه کنید.

۳۱. **ارجاع پژوهشی:** برای نمونه به یک روایت اشاره می‌شود: مُحَمَّدٌ بْنُ مُسْعُودٍ، قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْخُسَيْنِيُّ بْنُ إِشْكِيْبٍ، قَالَ أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ بْنُ خُرَزَادَةَ الْقُمِّيُّ، قَالَ أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ حَمَّادٍ السَّاسِيُّ، عَنْ صَالِحِ بْنِ فَرَجٍ، عَنْ زَيْدِ بْنِ الْمُعَدَّلِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ حَطَبَ سَلْمَانَ فَقَالَ: حَطَبَ النَّاسُ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ بَعْدَ أَنْ دُفِنَ النَّبِيُّ ص بِبَلَدَةِ أَيَّامٍ فَقَالَ فِيهَا أَلَا أَيُّهَا النَّاسُ اسْمَعُوا عَنِّي حَدِيثِي ثُمَّ اغْلُوهُ عَنِّي أَلَا وَ إِنِّي أَوْثَيْتُ عِلْمًا كَثِيرًا - فَلَوْ حَدَّثْتُمْ بِكُلِّ مَا أَعْلَمُ مِنْ فَصَائِلِ امِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع لَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ هُوَ مَجْنُونٌ وَقَالَتْ طَائِفَةٌ أُخْرَى اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِقَاتِلِ سَلْمَانَ. أَلَا إِنَّ لَكُمْ مَنَاتَا تَبْعُهَا بَلَايَا، فَإِنَّ عِنْدَ عَلِيٍّ (ع) عِلْمَ الْمَنَاتَا وَ عِلْمَ الْوَصَايَا وَ فَضْلَ الْخِطَابِ عَلَيَّ مِنْهَا جُزْءٌ هَارُونَ بْنُ عَمْرَانَ، قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَنْتَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فِي أَهْلِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، وَ لِكُنُوكُمْ أَصْبَحْتُمْ سُنَّةَ الْأَوَّلِينَ وَ أَحْطَأْتُمْ سَبِيلَكُمْ، وَ الَّذِي نَفْسُ سَلْمَانَ بِيَدِهِ لَتُرَكَّبَنَّ طَبْعًا عَنْ طَبْعِ سُنَّةِ بَنِي إِسْرَائِيلَ الْمُدَّةَ بِالْقُدَّةِ. أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ وَ لَيْتُمْوهَا عَلَيَّا لَأَكَلْتُمْ مِنْ قَوْقُمٍ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلَيْكُمْ، فَأَبْشُرُوا بِالْبَلَاءِ وَ اقْتَضُوا مِنَ الرَّجَاءِ وَ تَابَذْنَكُمْ عَلَى سَوَاءٍ وَ انْقَطَعَتِ الْعِصْمَةُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ مِنَ الْوَلَاءِ.

أَمَا وَ الَّذِي نَفْسُ سَلْمَانَ بِيَدِهِ لَوْ وَ لَيْتُمْوهَا عَلَيَّا لَأَكَلْتُمْ مِنْ قَوْقُمٍ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلَيْكُمْ وَ لَوْ دَعَوْتُمْ الطَّيْرَ لَأَجَابَتْكُمْ فِي جَوْ السَّمَاءِ وَ لَوْ دَعَوْتُمْ الْحَيَاتَانَ مِنَ الْبَحَارِ لَأَكَلَتْكُمْ وَ لَمَّا عَلَّ وَلِيَّ اللَّهِ وَ لَا طَاشَ لَكُمْ سَهْمٌ مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ وَ لَا اخْتَلَفَ اثْنَانِ فِي حُكْمِ اللَّهِ. وَ لَكِنْ أَيْبَتُمْ قَوْلَيْتُمْوهَا غَيْرَهُ فَأَبْشُرُوا بِالْبَلَايَا وَ اقْتَضُوا مِنَ الرَّجَاءِ وَ قَدْ تَابَذْنَكُمْ عَلَى سَوَاءٍ فَانْقَطَعَتِ الْعِصْمَةُ فِيمَا بَيْنِي وَ بَيْنَكُمْ مِنَ الْوَلَاءِ عَلَيْنَكُمْ بِأَلِ مُحَمَّدٍ ص فَإِنَّهُمْ الْقَادَةَ إِلَى الْجَنَّةِ وَ الدُّعَاءَ إِلَيْهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَيْنَكُمْ بِامِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ ع ...

امام صادق (علیه السلام): سلیمان سه روز بعد از دفن پیامبر (صلی الله علیه و آله) خطبه‌ای خواند و در آن فرمود: ای مردم! این حدیث و گفتار مرا گوش دهید، سپس در آن تعقل کنید که من آگاهی و اطلاعات زیادی دارم. اگر تمام فضائل امیرالمؤمنین (علیه السلام) را برای شما بازگو کنم، حتما گروهی از شما خواهید گفت که: سلیمان دیوانه شده است! و گروهی دیگر می‌گویند: (کشتن سلیمان واجب است!) و خدا قاتل سلیمان را بیمارزد! آگاه باشید که برای شما رخدادهایی است که بلایایی در پی آن است. در نزد علی، دانش رخدادهای، دانش وصایا و داوری به روش هارون بن عمران است. پیامبر خدا به او فرمود: (تو وصی من و جانشین من در بین کسانم، چون هارون نسبت به موسی علیه السلام هستی!)؛ اما شما سنت پیشینیان (مردمان جاهلیت) را گرفتید و در راهتان اشتباه کردید. سوگند به آن که جان سلیمان به دست اوست، شما دقیقا و عینا سنت بنی اسرائیل را جزء به جزء، اجرا خواهید کرد. آگاه باشید! اگر علی را به حکومت می‌رسانید، از زمین و آسمان برایتان نعمت می‌بارد. پس به گرفتاری‌ها بشارت یابید و از امید، دل بکنید. همه شما را می‌کنم و حرمت اصل (ولاء) را بین خودم و شما پایان یافته می‌دانم.

آگاه باشید به جان آن خدایی که جان سلیمان در دست اوست؛ اگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به عنوان ولی خود می‌پذیرفتید، به راستی (آقدر نعمت بر شما فراوان می‌شد) که از زمین و آسمان روزی می‌خوردید. و اگر پرنده‌ای را در آسمان می‌خواندید، شما را پاسخ می‌داد. و اگر ماهیان دریا را می‌خواندید، به نزد شما می‌آمدند. (ولی) خدا چیز زیادی از شما نخواست و زیاده‌روی در سهم خدا از شما نداشت) و هیچ دو نفری با هم در حکم خدا اختلاف نمی‌کردند. و لکن شما از این کار اباہ کردید پس غیر از امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به

عنوان سرپرست و ولی خود برگزیدید؛ پس شما را بشارت باد به بلايا! و از گشایش نا امید باشید! همه شما را انذار می‌دهم ... بر شما باد به (پیروی از) آل محمد (صلی الله علیه و آله)؛ چرا که آنان جلوداران و دعوت کنندگان به سمت بهشت در روز قیامت‌اند. بر شما باد به امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) ...

الإحتجاج علی أهل اللجاج (للطبرسي)، ج ۱، ص ۱۱۱ / رجال الکشي، ص ۲۱ (با تفاوت)
بحار الأنوار، ج ۲۹، ص ۷۹ و ج ۲۲، ص ۳۸۷ (با تفاوت) / إلزام الناصب، ج ۲، ص ۱۲۷

أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُظَفَّرُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَلْخِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي التَّلْحِجِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَيْسَى بْنُ مِهْرَانَ، قَالَ: حَدَّثَنَا حَفْصُ بْنُ عَمَرَ الْفَرَّاءِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاذٍ الْخَزَّازِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنِي يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الْوَارِثِ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: بَيْنَا ابْنُ عَبَّاسٍ يَخْطُبُ عِنْدَنَا عَلَى مَنبَرِ الْبَصْرَةِ، إِذْ أَقْبَلَ عَلَيَّ النَّاسُ بِوَجْهِهِ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا الْأُمَّةُ الْمُتَخَيَّرَةُ فِي دِينِهَا! أَمَا وَاللَّهِ لَوْ قَدَّمْتُمْ مَن قَدَّمَ اللَّهُ، وَأَعْرَضْتُمْ مَن أَعْرَضَ اللَّهُ، وَجَعَلْتُمْ الْوَرَاةَ وَالْوَالِيَةَ حَيْثُ جَعَلَهَا اللَّهُ، مَا عَالَ سَهْمٌ مِنْ قَرَائِصِ اللَّهِ، وَلَا عَالَ وَلِيَهُ اللَّهُ، وَلَا اخْتَلَفَ اثْنَانِ فِي حُكْمِ اللَّهِ، فَذُوقُوا وَيَالَ مَا فَزَّطْتُمْ فِيهِ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ «وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»
الأمالي، طوسی به نقل از عبد الوارث: هنگامی که ابن عباس بر منبر بصره برای ما سخنرانی می‌کرد، رو به مردم کرد و گفت: ای امتی که در دین خود، سرگردان است! به خدا سوگند، اگر آن کسی را که خدا پیش داشته، پیش می‌داشتید و آن کسی را که خدا پس داشته، پس می‌داشتید، و وراثت و ولایت را در جایی می‌نهادید که خداوند نهاده است، نه چیزی از واجبات الهی از مسیر خود خارج می‌شد، و نه ولی خدا گرفتار می‌شد، و نه هیچ دو نفری در حکم خدا اختلاف می‌کردند. حال، پیامد تخلفاتی را که با دست خود انجام دادید، بچشید: «و کسانی که ستم کرده‌اند، به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه بر خواهند گشت».

الأمالي (للطوسي)، ص ۶۴ / الأمالي (للمفيد)، ص ۲۸۶ / بشارة المصطفى لشيعة المرتضى، ج ۲، ص ۲۵۴
بحار الأنوار، ج ۱۰۱، ص ۳۳۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۱۵۶

۲. سرفصل دوم: مفاهیم و تحلیل‌های غلط گسترش یافته در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (به عنوان یکی از موانع اصلی تحقق تمدن اسلامی) کدام است؟

حالا بنده می‌خواهم وارد سرفصل دوم بحثم بشوم: گسترش علم غلط در دنیا، ناشی از حوادث "سقیفه"^{۳۳} است. نمونه‌هایی از این علم غلط را می‌خواهم در محضر شما بحث کنم. تقریباً در همه نشست‌های تخصصی الگوی پیشرفت ما از آن مجموعه آیات و روایاتی که با هزاران زحمت به دست ما رسیده، استفاده می‌کنیم و بعضی از تحلیل‌های غلط تمدن مدرنیته را نقد می‌کنیم و [روایات را با] اینها مقایسه می‌کنیم. نمونه‌های فراوانی را مطرح کردیم. امروز در جلسه می‌خواهم شش مورد از سند ۲۰۳۰ (شش دسته تحلیل غلط که ناشی از "فتنه و حجاب سقیفه" است) را مثال بزنم:

۲/۱. تعریف "فقر" و نحوه مواجهه با آن؛ اولین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (آرمان اول)

اولین مفهوم غلطی که الان در سند ۲۰۳۰^{۳۳} هست، مفاهیم غلط مرتبط با مواجهه با فقر و رفع فقر (No Poverty) است. چون آقا امیرالمومنین علیه السلام در مرکز حکمرانی نیستند و دیگران حکمران شدند؛ اولاً فقر را گسترش دادند. من ۴۰۰ سال بعد از "تمدن

۳۲. ارجاع پرورشی / پژوهشی: سقیفه بنی ساعده: بالمدينة، وهي ظلة كانوا يجلسون تحتها، فيها بويع أبو بكر.

سقیفه بنی ساعده، ساییانی در مدینه بوده است که زیر آن می‌نشستند. در این مکان با ابو بکر، بیعت شد.

معجم البلدان، ج ۳، ص ۲۲۸

حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ بْنُ مُوسَى، أَخْبَرَنَا هِشَامٌ، عَنْ مَعْمَرٍ، عَنِ الزُّهْرِيِّ، أَخْبَرَنِي أَنَّهُ سَمِعَ خُطْبَةَ عُمَرَ الْاَخِرَةَ، حِينَ جَلَسَ عَلَى الْمِنْبَرِ، وَ ذَلِكَ الْقَدِّ مِنْ يَوْمِ نُوفِي النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَتَشَهَّدَ وَأَبُو بَكْرٍ صَامِتٌ، لَا يَتَكَلَّمُ. قَالَ: كُنْتُ أُرْجُو أَنْ يَعِيشَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حَتَّى يَدْبُرْنَا يُرِيدُ بِذَلِكَ أَنْ يَكُونَ آخِرُهُمْ، فَإِنَّكَ يَا مُحَمَّدُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَدْ مَاتَ. فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قَدْ جَعَلَ بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ نُورًا تَهْتَدُونَ بِهِ هَدَى اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، وَإِنَّ أَبَا بَكْرٍ صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، ثَابِي الثَّيْنِ، فَإِنَّهُ أَوْلَى الْمُسْلِمِينَ بِأَمْرِكُمْ، فَقومُوا قَبَائِعُوهُ، وَ كَانَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ قَدْ بَايَعُوهُ، قَبْلَ ذَلِكَ فِي سَقِيْفَةِ بَنِي سَاعِدَةَ، وَ كَانَتْ بَيْعَةَ الْعَامَّةِ عَلَى الْمِنْبَرِ

صحیح البخاری به نقل از انس بن مالک: شنیدم عمر در خطبه دوم خویش، در فدای وفات پیامبر صلی الله علیه و آله بر منبر نشست و به یگانگی خداوند و رسالت محمد صلی الله علیه و آله گواهی داد، در حالی که ابو بکر ساکت بود و سخنی بر زبان نمی‌آورد. [عمر] گفت: امید داشتم که پیامبر خدا زندگی کند، آن قدر که پس از همه ما از دنیا برود! حال اگر محمد در گذشته است، خدای تعالی، نوری در میان شما قرار داده که با آن به سوی همان چیزهایی که خدا محمد را هدایت کرد، هدایت می‌یابید. ابو بکر، همراه پیامبر و دومی از دو تن [اهل غار] است و او به امور شما از همه مسلمانان اولی است. پس برخیزید و با او بیعت کنید. گروهی از مسلمانان، پیش از آن، در سقیفه بنی ساعده با ابو بکر بیعت کرده بودند و بیعت عمومی، بر فراز منبر صورت گرفت.

صحیح البخاری، ج ۱۱، ص ۶۹

صحیح ابن حبان، ج ۱۵، ص ۲۹۷

۳۳. ارجاع پردازشی: The Sustainable Development Goals are a universal call to action to end poverty, protect the planet and improve the lives and prospects of everyone, everywhere. The Agenda for ۲۰۳۰, as part of the September ۲۰۱۵ (۲۵) Goals were adopted by all UN Member States in ۱۷-year plan to achieve the Goals Sustainable Development which set out a

THE ۱۷ GOALS (۱) No Poverty, (۲) Zero Hunger, (۳) Good Health and Well-being, (۴) Quality Education, (۵) Gender Equality, (۶) Clean Water and Sanitation, (۷) Affordable and Clean Energy, (۸) Decent Work and Economic Growth, (۹) Industry, Innovation and Infrastructure, (۱۰) Reducing Inequality, (۱۱) Sustainable Cities and Communities, (۱۲) Responsible Consumption and Production, (۱۳) Climate Action, (۱۴) Life Below Water, (۱۵) Life On Land, (۱۶) Peace, Justice, and Strong Institutions, (۱۷) Partnerships for the Goals.

اهداف توسعه پایدار یک فراخوان جهانی برای اقدام برای پایان دادن به فقر، محافظت از کره زمین و بهبود زندگی و چشم انداز همه، در هر مکان است. این ۱۷ هدف توسط کلیه کشورهای عضو سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۵ (۲۵ سپتامبر) [مصادف با ۳ مهر ۱۳۹۴ شمسی] به عنوان بخشی از برنامه ۲۰۳۰ توسعه پایدار که برنامه ای ۱۵ ساله برای دستیابی به هدف تعیین کرده بود، تصویب شد.

مدرنیته" این حرف را می‌زنم. روزهای اول نیست. مثل انقلاب اسلامی نیست که شما بعد از ۴۰ سال از انقلاب اسلامی حرف بزنید، بعد بگویند که ۴۰ سال است که شما حاکم هستید، چرا مشکلات را حل نکردید؟! من عرض می‌کنم که حاکمان جمهوری اسلامی البته باید پاسخگوی این ۴۰ سال فعالیت خودشان باشند. این حرف درستی است. ولی توجه کنید که سند ۲۰۳۰ بعد از ۴۰ سال بعد از دوران رنسانس و دوران نوزایی؛ هدف اول خودش را رفع فقر قرار داده است. یعنی: خروجی تمدن مدرنیته الان "گسترش فقر جهانی" است. اولاً این خودش اشکال است. نباید وقتی شما ۴۰۰ سال تمدن دارید، مسئله اصلی دنیا، "فقر" باشد. هدف اول سند ۲۰۳۰ "رفع فقر" است. یعنی ۴۰۰ سال حکمرانی مدرنیته نتوانسته رفع فقر کند. خود اینکه هدف اول است، علامت ناکارآمدی تمدن مدرنیته است.

۲/۱/۱. اختلال در روابط انسانی سیزده‌گانه؛ تعریف فقهی از فقر

حالا می‌خواهد رفع فقر کند، مفهوم را چه قرار داده است؟ شما حتماً کتاب "توانمندسازی و کاهش فقر" را خوانده‌اید که در واقع کتاب مرجع بخش اول سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است. آنجا آقایان گفته‌اند که: "فقر" یعنی: "نبود آزادی گسترده" یا در تعبیر دیگری گفتند: "عدم قدرت انتخاب گسترده".^{۳۴} می‌گویند: هرکس امکان انتخاب گسترده ندارد، فقیر است. یعنی فقر را ذیل "لیبرالیسم" معنا کرده‌اند. حالا آیا این درست است؟ آیا می‌توانیم بگوییم که فقیر کسی است که آزادی‌های انتخاب گسترده ندارد؟ می‌توانیم اینطور معنا کنیم؟ یا نه، آنچنان که ما در "نظریه تعریف"^{۳۵} بحث کرده‌ایم، گفته‌ایم: "فقر" یعنی: "عدم قدرت تنظیم صحیح روابط

۱۷ اهداف: (۱) عدم فقر، (۲) گرسنگی صفر (۳) سلامتی و رفاه، (۴) آموزش با کیفیت، (۵) برابری جنسیتی، (۶) آب تمیز و بهداشتی، (۷) انرژی مناسب و تمیز، (۸) مناسب کار و رشد اقتصادی، (۹) صنعت، نوآوری و زیرساخت‌ها، (۱۰) کاهش نابرابری، (۱۱) شهرها و جوامع پایدار، (۱۲) مصرف و تولید مسئولانه (۱۳)، اقدامات اقلیمی، (۱۴) زندگی در زیر آب (۱۵)، زندگی در خشکی، (۱۶) صلح، عدالت، و نهادهای قوی، (۱۷) مشارکت برای هدف.

آدرس مطلب: سایت سازمان ملل متحد
<https://b2n.ir/lu66395>

محمدجواد ظریف، وزیر وقت امور خارجه ایران، در سازمان ملل متحد در تاریخ ۲۴ فروردین ۱۳۹۵ گفت که: «جمهوری اسلامی ایران به طور کامل در بالاترین سطح به اجرای موثر دستور کار سال ۲۰۳۰ در کل متعهد است». همچنین آقای ظریف می‌گوید: «ما مطمئن هستیم که با روحیه مشارکت واقعی، هم‌کاری و اتحاد، می‌توانیم تعهدات خود را به عمل تبدیل کنیم.»

آدرس مطلب: سایت رسمی یونیدو در ایران (سازمان توسعه صنعتی ملل متحد) - yon.ir/PBrZS

جهت مشاهده «تصویر عناوین و اهداف (مفاهیم غلط گسترش‌یافته) سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار»: به پیوست شماره ۶ مراجعه کنید.

۳۴. **ارجاع پژوهشی: مفهوم توانمندسازی:** مفهوم توانمندسازی: توانمندسازی به مفهوم گسترش و بسط آزادی انتخاب افراد و اقدام برای شکل دادن زندگی افراد است. این مفهوم به معنای کنترل بر منابع و تصمیمات است. آزادی فقرا، به شدت از طریق عدم امکان ابراز نظر و بی‌قدرتی، به ویژه از سوی دولت‌ها و بازارها تهدید می‌شود. در حال حاضر، نابرابری‌های جنسیتی شدیدی به ویژه در سطح خانوار وجود دارد. از آنجایی که بی‌قدرتی، ریشه در فرهنگ روابط نابرابر و غیرعادلانه نهادی دارد.

کتاب توانمندسازی و کاهش فقر (کتاب مرجع) بانک جهانی؛ مترجمان: فرزام پوراصغر سنگاچین، جواد رضوانی، ص ۲۵ [ترجمه و ویراستاری و انتشار با تأمین مالی پروژه مشترک دولت جمهوری اسلامی ایران (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی) با برنامه توسعه ملل متحد]

۳۵. **ارجاع پژوهشی: نظریه تعریف** با غرض محرومیت‌زدایی از هرم ۱۹ گانه رزق طراحی و تدوین شده است و در مقایسه با نظریه توانمندسازی و رفع فقر سازمان ملل (undp) و نظریه فرانتس هیلگری (توصیه سازمان ژاپنی جایکا) تبیین شده است. لازم به ذکر است در نظریه توانمندسازی و رفع فقر؛ خانواده و هنجارهای مذهبی عامل اصلی ایجاد فقر در جامعه است. مهم‌ترین ثمره تحقق این نظریه و محرومیت‌زدایی مبتنی بر نظریه تعریف، تنظیم روابط انسانی در ۱۳ حوزه مثل تنظیم رابطه انسان با امام، تنظیم رابطه انسان با معلم، تنظیم رابطه انسان با خانواده، تنظیم رابطه انسان با ایتم و ۹ حوزه دیگر خواهد بود که موجب تغییر در سبک زندگی و الگوی اداره جامعه خواهد شد. در قرارگاه تعریف ذیل این نظریه ۵۰ اقدام کوتاه مدت یا اضطراری، میان مدت یا ارتباطی و بلند مدت یا زیرساختی مورد بحث و بررسی قرار گرفت که برخی از آن اقدامات عبارتند از طرح قری، طرح احیای معطرات، طرح سبق و رمایه و ۴۷ اقدام و طرح دیگر.

انسانی" ما خیلی روایت داریم که: «اگر شما نمی‌توانید روابط انسانی صحیح داشته باشید، شما فقیر و محروم هستید.» مثلاً روایت دارد که «اگر کسی نمی‌تواند دوست خوب داشته باشد، مشکلی دارد. از او بدتر کسی است که دوست خویش را از دست می‌دهد و نمی‌تواند دوستش را نگه دارد»^{۳۶} یا مثلاً «اگر کسی همسر ندارد، فقیر است. از او بدتر کسی است که همسر دارد ولی نمی‌تواند با او خوش رفتاری کند.» اینها در روایات ما زیاد است. ما اینها را جمع‌بندی کرده‌ایم و گفته‌ایم: «فقیر یعنی کسی که قدرت تنظیم صحیح روابط انسانی ندارد.» یا مثلاً: «فقیرترین آدم‌ها کسی است که امامش جاهل است.» امامش علم غلط در ذهنش است. اگر کسی امامش به علم غلط مبتلا بود، مثلاً "حکمرانی توسعه" را پیشنهاد می‌کند و نتیجه آن فقر مالی می‌شود. یعنی منشاء فقر انتخاب غلط امام است. باید یک جاهای دیگری بحث کرد. بنده حدود ۸۰ ساعت در "نظریه تعریف" توضیح دادم.

۲/۱/۱/۱. رابطه انسان با امام، معلم، همسایه، خانواده، دوست، دشمن، فقیر، یتیم، ابن سبیل، مهمان، همسفر،

طرف کسب و شریک شغلی؛ مصادیق روابط انسانی سیزده‌گانه

منشاء همه انواع فقر اختلال در روابط انسانی سیزده‌گانه است: ارتباط انسان با "امام"، ارتباط انسان با "معلم"، ارتباط انسان با "همسایه"، ارتباط انسان با "خانواده"، ارتباط انسان با "دوست"، ارتباط انسان با "دشمن"، ارتباط انسان با "فقیر"، ارتباط انسان با "یتیم"، ارتباط انسان با "ابن سبیل"،^{۳۷} ارتباط انسان با "مهمان"، ارتباط انسان با "همسفر"، ارتباط انسان با "طرف کسب"، ارتباط انسان با "شریک شغلی"؛ این سیزده رابطه را اگر شما نتوانید درست تنظیم کنید، نمی‌توانید بگویید که از فقر عبور کرده‌اید. آن وقت این مفهوم "فقر" یک معنای کامل پیدا می‌کند. هم "فقر اقتصادی" را، هم "فقر علمی" را، هم "فقر عاطفی" را شامل می‌شود. مثلاً کسی که خانواده ندارد، ولو اینکه حقوق زیادی دارد ولیکن دچار "فقر عاطفی" است. برعکس هم هست؛ کسی که خانواده خوبی دارد ولی شغل خوبی ندارد؛ فقر عاطفی ندارد ولی فقر مالی دارد. شما می‌توانید "تعریف بانک جهانی از فقر" را با "تعریف فقهی از فقر" مقایسه کنید. علت اینکه در جمهوری اسلامی ما نمی‌توانیم فقر را برطرف کنیم این است که از این تعریف ناقص استفاده کردیم. بنیاد علوی سفارش داده که یک کتاب بین‌المللی برای رفع فقر برایش ترجمه شده است و از تئوری‌های آن کتاب برای رفع فقر استفاده می‌کند. وقتی از علم پیامبر ﷺ استفاده نمی‌کنید و وارد شهر علم پیامبر ﷺ نمی‌شوید، مثلاً به تعریف غلط از فقر مبتلا می‌شوید.

۳۶. ارجاع پژوهشی: عن أمير المؤمنين ع: أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ عَنِ الْإِخْوَانِ وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ صَيَّحَ مَنْ ظَلَمَ بِهِ مِنْهُمْ.

امام علی علیه السلام: عاجزترین مردم کسی است که از بدست آوردن دوست عاجز بماند و از او عاجزتر کسی است که دوستان بدست آورده را از دست بدهد.

نهج البلاغه، ص ۴۷۰ (حکمت ۱۲)

عبون الحکم و الموعظ، ص ۱۲۶

وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۸ / بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۷۸

عن علی علیه السلام فی الحکم المنسوبة إلیه: أَعْجَزُ النَّاسِ مَنْ قَصَرَ فِي طَلَبِ الصَّادِقِ، وَأَعْجَزُ مِنْهُ مَنْ وَجَدَهُ فَصَيَّعَهُ.

امام علی علیه السلام در حکمت‌های منسوب به ایشان: ناتوان‌ترین مردم، کسی است که در دوستیابی کوتاهی کند، و ناتوان‌تر از او کسی است که دوستی به دست آورد و سپس او را از دست بدهد.

شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۹۷

۳۷. ارجاع پرورشی: به مسافر در راه مانده و نیازمند، ابن سبیل گفته می‌شود؛ هر چند در شهر خود دارای مال و سرمایه باشد. ابن السبیل به این معنا در قرآن و روایات نیز به کار رفته و در باب‌های زکات و خمس از آن بحث شده است.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۱، ص ۲۲۱

۲/۱/۱/۲. بهبود و یا اختلال در روابط انسانی؛ ریشه آزادی گسترده یا محدود شدن آزادی

دقتی در بحث من هست. من مماشات کردم، می گویم حرف بانک جهانی درست است. من هم در ابتدای بحث با آنها همراهی می کنم. بله، فقیر کسی است که انتخاب گسترده ندارد؛ آزادی او محدود شده است. ولی می گویم: منشاء محدود شدن آزادی آدمها و اختیار آدمها، روابط انسانی آنها است. مثلاً اگر شما دوست خوب داشته باشید، تصمیمات جدی تری می توانید بگیرید. دوست و رفیق آزادی شما را گسترده تر می کند. دشمن آزادی شما را محدود می کند. لذا ریشه آزادی گسترده یا محدود شدن آزادی، اختلال در روابط انسانی می شود. مثلاً اگر کسی همسر خوب داشته باشد، همسر خوب کمک می کند که به آرمانها و اهدافش برسد. ولی اگر شما یک همسر بد داشتید، همین همسر بد مانع تحقق آزادی شما می شود. نتوانستند درست تحلیل بکنند. حتی اگر می خواهید بایستید بگویند: فقیر کسی است که آزادی گسترده ندارد و آن طرف، غنی کسی است که آزادی گسترده دارد، منشاء اختلال در آزادی، روابط انسانی است. هرکس که روابط انسانی بهتری دارد، او آزادی بیشتری دارد، اختیار قوی تری دارد. پس بهتر است بگوئیم که منشاء تعریف فقر به اختلال یا عدم اختلال در روابط انسانی برگردانیم. چون منشاءیت نسبت به تعریف بانک جهانی دارد. پس این یک تعریف شد.

۲/۲. "گرسنگی" و نحوه مواجهه با آن؛ دومین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه

پایدار (آرمان دوم)

۲/۲/۱. گسترش کشت محصولات تراریخته؛ راهکار غلط سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار برای رفع گرسنگی در

جهان

تعریف دوم، مفهوم غلطی است که سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ برای مواجهه با گرسنگی داده است. هدف دوم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ این است که باید دنیای بدون گرسنه (Zero Hunger) داشته باشیم. باز این اشکال به تمدن مدرنیته وارد است که شما در ۴۰۰ سال گذشته چه کار کردید که این همه گرسنه در دنیا وجود دارد؟ این سوال اول است. سوال دوم این است که: حالا که می خواهید گرسنگی را برطرف کنید چرا می گویند: [تتها با] کشت "محصولات تراریخته" [می توان گرسنگی را برطرف کرد]؟^{۳۸} مگر ما بارها استدلال نکردیم که محصولات تراریخته "غذا" نیستند، "سلاح بیولوژیک" محسوب می شوند. محصولات تراریخته خاصیت غذایی پائین تری دارند. چرا شما از مفهوم غلط تراریخته کردن برای رفع گرسنگی استفاده می کنید؟ بیاید از مفاهیم درست استفاده کنید.

۳۸. ارجاع برداشتی: سازمان بهداشت جهانی: **غذاهای اصلاح شده ژنتیکی (تراریخته)** می تواند به بهبود امنیت غذایی از طریق حفاظت بهتر از آفات و خشکسالی، تولید واکسن و افزایش میزان مواد مغذی در مواد غذایی کمک کند.

۲/۲/۲. تبدیل مشاغل کشاورزی، دامداری، باغداری و تجارت به چهار شغل اصلی دنیا؛ راهکار فقهی

برای رفع گرسنگی در جهان

۲/۲/۲/۱. گسترش مشاغل کشاورزی، دامداری و باغداری در دنیا؛ عامل تولید غذای گسترده و در نتیجه کاهش

و رفع گرسنگی

مفاهیم درست این است که شغل "کشاورزی"، "دامداری"، "باغداری" و "تجارت"، چهار شغل اصلی دنیا شوند؛ آن وقت غذا بهتر تولید می‌شود و بهتر گردش پیدا می‌کند. چون الان مشاغل اصلی در دنیا، "مشاغل صنعتی" و... هستند؛ بنابراین غذای کمتری تولید می‌شود. شما بپایید مشاغل اصلی را کشاورزی، باغداری و دامداری کنید، غذا بیشتر تولید خواهد شد.

۲/۲/۲/۲. عمومی کردن تجارت در دنیا؛ عامل ایجاد سیستم توزیع عمومی غذا و در نتیجه ارزان شدن

اجناس (غذا) و در نتیجه کاهش و رفع گرسنگی مردم

مسئله دوم، تجارت را هم عمومی کنید. الان تجارت دست امثال بیل‌گیتس‌ها، راکفلرها و امثال این‌هاست؛ لذا قیمت‌ها بالا می‌رود. اصطلاحی در علم اقتصاد وجود دارد که می‌گوید: «تولید، برده توزیع است.» یعنی: اگر یک سیستم توزیع قوی وجود نداشته باشد، تولیدکننده فلج است. لذا شما می‌توانید تولید غذا کنید. سوال اصلی ذهن [تولیدکننده] این است که می‌گوید: این گندم، به، انار، سیب و هر چه که تولید کردم را چگونه بفروشم؟ سیستم توزیع است که یک تولیدکننده را فلج می‌کند یا یک تولیدکننده را تقویت می‌کند. اسلام به طور مفصل در روایت فرموده: «تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ»^{۳۹} یعنی: همگی شما ولو به نحو پاره‌وقت، تجارت انجام دهید. روایت را دیده‌اید که می‌گوید: «تجارت، شغل دوم هر مؤمنی است.» هر کاره‌ای هستید، عالم هستید، فقیه هستید، هر کاره‌ای هستید، باید به نحو پاره‌وقت تجارت انجام بدهید. می‌گویید: حکمت این حکم چیست؟ خیلی حکمت دارد؛ یکی از حکمت‌ها این است که سیستم توزیع، دست عده‌ای از افراد خاص نمی‌افتد، که قیمت‌ها را بالا ببرند. بلکه یک "سیستم توزیع عمومی" دارید، بنابراین تولیدکننده‌ها می‌توانند [به راحتی محصولات خودشان را به دست مصرف‌کننده برسانند]. فرض کنید از جمعیت ۸۰ میلیونی ایران، فقط ۱۰ میلیون نفر تجارت کنند؛ این ۱۰ میلیون باعث می‌شوند که فروشگاه‌های زنجیره‌ای مثل افق کوروش در کشور شکل نگیرد و قیمت‌ها ارزان‌تر شود و اتفاقاً تولیدکننده هم سود بیشتری برد. اما الان چون خریدارها محدود

۳۹. ارجاع پژوهشی: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَةِ فَإِنَّ فِيهَا غَنًى لَكُمْ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.

امیرالمومنین (علیه السلام): معروض تجارت شوید؛ چرا که [به وسیله آن] از آنچه در دست مردم است بی‌نیاز می‌شوید.

الکافی، ج ۵، ص ۱۴۹ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۳

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۲ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۶، ص ۱۱ / الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۴ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۲۷۴

في حديث الأئمة: حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُبَيْدِ بْنِ الْمُظَنَّبِيِّ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ يَحْيَى عَنِ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ زَائِدٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ أَبِيهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع عَلَّمَ أَصْحَابَهُ فِي مَجْلِسٍ وَاحِدٍ أَرْبَعَةَ تَابٍ مِمَّا يُضْلِحُ لِلْمُسْلِمِ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ قَالَ: ... تَعَرَّضُوا لِلتَّجَارَاتِ فَإِنَّ لَكُمْ فِيهَا غَنًى عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ. وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ الْمُخْتَرِفَ الْأَمِينِ. الْمُعْتَبُونَ غَيْرَ مَحْمُودٍ وَ لَا مَأْجُورٍ.

امیرالمومنین (علیه السلام): معروض انواع تجارت شوید؛ چرا که [به وسیله آن] از آنچه در دست مردم است بی‌نیاز می‌شوید. و خداوند بزرگ، صاحب حرفه درستکار را دوست می‌دارد. مغبون (کسی که در زندگی فریب خورده و برای خود تلاشی نکرده است)، نکوهیده و بی‌پاداش است.

الخصال، ج ۲، ص ۶۲۱

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۱۱ / بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۱۰۰

جهت مشاهده «تاکید و ترغیب به تجارت عمومی در روایات»: به پیوست شماره ۷ مراجعه کنید.

هستند، سیستم توزیع کشور، سیستم لاغری است، با قیمت ارزان از تولیدکننده خریداری می‌کنند، و با قیمت گران به مصرف‌کننده می‌فروشند. لذا راه‌حل رفع گرسنگی در مرحله دوم این است که تجارت را عمومی کنند؛ در اینصورت اجناس ارزان می‌شوند. الان در قضیه طب اسلامی و تولید طبیبات در قم این اتفاق افتاده است، مثلاً ما می‌خواهیم شکر یا روغن زیتون تهیه کنیم، می‌بینیم که ۲۰ نفر از اطرافیانمان این اقلام را عرضه می‌کنند. ما در یک محیط محدودی که هستیم، ۲۰ نفر این اقلام را عرضه می‌کنند. ما سراغ کسی می‌رویم که ارزان‌تر و با کیفیت‌تر می‌فروشد. حالا اگر شما تجارت را عمومی کنید، برای همه مردم این اتفاق می‌افتد. پس راه رفع گرسنگی تراریخته کردن محصولات نیست. بلکه راه رفع گرسنگی این است که کشاورزی، باغداری و دامداری گسترش پیدا کند و تجارت هم گسترش پیدا کند. آن وقت همین دو تدبیر (یعنی تدبیر تغییر طبقه‌بندی مشاغل و تدبیر تجارت عمومی) کمک می‌کند که اجناس ارزان شود.

۲/۲/۳. کمبود آب و وجود خشکسالی در جهان؛ یکی از اشکالات وارده بر گسترش کشاورزی طبیعی

۲/۲/۳/۱. گسترش کشت گندم در مزارع کشاورزی؛ یکی از راهکارهای فقهی (مبتنی بر اشراف و علم صحیح)

جهت افزایش باران و رفع کمبود آب و خشکسالی

اینجا یک اشکالی کرده‌اند و گفته‌اند: [برای کشاورزی] مشکل آب وجود دارد، مشکل آب را چه کار کنیم؟ من ان‌شاء‌الله در یک جلسه اختصاصی مسئله "مدیریت آب از نظر آیات و روایات" را بحث می‌کنم ولی اینجا یک روایت برای شما بخوانم که ببینید از نظر آن کسی که "اشراف" و "علم صحیح" دارد، مدیریت آب اینطور است: در روایت هست که: «اگر می‌خواهید بارش زیاد شود، گندم بکارید»؛ روایت این است که «خداوند متعال به زمین گفته برکتش را در گندم قرار دهد»^{۴۰}، به مدیریت آبی که در عالم جریان

۴۰. ارجاع پژوهشی: عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن أبيه عن بعض الكوفيين رفعه قال قال رسول الله ص: اكرموا الخبز فإنه لله تبارك وتعالى أنزل له بركات من السماء وأخرج بركات الأرض من كرامته أن لا يقطع ولا يوطأ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): نان را گرامی و تعظیم بدارید؛ چرا که خداوند تبارک و تعالی بركات را بخاطر آن از آسمان فرو می‌فرستد و بركات زمین را بخاطر بزرگداشت آن از زمین خارج می‌کند...

المحاسن، ج ۲، ص ۵۸۵
بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۰

عنه (احمد بن محمد بن خالد) عن هارون بن مسلم عن مسعدة عن جعفر عن أبيه عن أبيه عن علي ع قال: اكرموا الخبز فإنه قد عمل فيه ما بين العرش إلى الأرض وما بينهما. أميرالمؤمنين (عليه السلام): نان را گرامی شمارید؛ چرا که برای آن ما بین عرش تا زمین و آنچه در میان آنهاست به کار گرفته شده اند.

المحاسن، ج ۲، ص ۵۸۵
وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۸۵ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۰

عليه بن إبراهيم عن أبيه عن هارون بن مسلم عن مسعدة بن صدقة عن أبي عبد الله ع قال قال النبي ص: اكرموا الخبز فإنه قد عمل فيه ما بين العرش إلى الأرض وما فيها من كثير من خلقه.

امام صادق (عليه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): نان را گرامی شمارید؛ چرا که برای آن ما بین عرش تا زمین و آنچه در آنهاست از خلق خداوند به کار گرفته شده اند.
الكافي، ج ۶، ص ۳۰۲
وسائل الشیعة، ج ۲۴، ص ۳۸۴ / بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۴ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۸، ص ۱۲۸

عن أمير المؤمنين ع أنه قال: اكرموا الخبز فإنه لله عز وجل أنزله من بركات السماء وأخرج من بركات الأرض قبل وما إكرامه قال لا يقطع ولا يوطأ. أميرالمؤمنين (عليه السلام): نان را گرامی شمارید زیرا خداوند آن را از بركات آسمان فرو فرستاده و از بركات زمین بیرون آورده است.

مكارم الاخلاق، ص ۱۵۴
بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۲۷۱ / نهج الفصاحة، ص ۲۳۹ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۰۳

دارد، گفته آب را به منطقه‌ای که گندم در آن کاشته می‌شود، بیشتر بدهد؛ بالاخره ما قبول داریم که در عالم مدیریتی در مسئله آب (مثل سایر مسائل) وجود دارد. قرآن می‌فرماید: «فَالْمُدْبِرَاتِ أُمْرًا»^{۴۱} همه امور توسط ملائکه مدیریت می‌شود، حالا فرمان خداوند متعال به مدیر آب عالم این است که: منطقه‌ای که گندم‌زار است، بیشتر بارش داشته باشد و سهم آب بیشتری داشته باشد. من وقتی این روایت را در جمعی از کشاورزان می‌خواندم، یکی از کشاورزها اینطور گفت: من تجربه خودم هم این است؛ از وقتی که ما گندم را از اقلام اصلی حذف کرده‌ایم، بارش زمین‌های ما کمتر شده است. حالا آقایان می‌توانند این را هم تجربه کنند، تجربه‌پذیر هم است. حالا در مسئله "مدیریت آب" خیلی بحث است. یکی از تدبیرها این است که ما نباید به کشاورزها و دامداران بگوییم که "تک‌محصولی" بکارند، باید کنار همه کشت‌هایشان "گندم" هم بکارند؛ آن وقت این به مسئله آب کمک می‌کند؛ حالا ان‌شاء‌الله بعداً تدبیر آب را بیشتر بحث می‌کنیم.

أَحْمَدُ بْنُ أَبِي عُبَيْدٍ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ فِي الْمَحَاسِنِ عَنِ النَّهْيكِيِّ وَ يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنِ الْعَبْدِيِّ عَنِ أَبِي وَكَيْعٍ عَنِ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: عَلَيْكُمْ بِالْعَنَمِ وَ الْحَزْبِ فَإِنَّهُمَا يَغْدُونَ بِخَيْرٍ وَ يَرُوحَانِ بِخَيْرٍ.

امیرالمومنین (علیه السلام) فرمودند که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: بر شما باد به گوسفندداری و کشاورزی که خیر و برکت شبانه روز به همراه آنهاست. المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۳ وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۳۹ / هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة علیهم السلام، ج ۵، ص ۱۲۱ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۳

۴۱. **ارجاع پژوهشی:** وَ النَّازِعَاتِ غَرْقًا * وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا * وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا * فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا * فَالْمُدْبِرَاتِ أُمْرًا (سوره مبارکه نازعات، آیات ۶ تا ۵) سوگند به فرشتگانی که [روح بدکاران را به شدت از بدن‌هایشان] بر می‌کنند، * و سوگند به فرشتگانی که [روح نیکوکاران را به نرمی و ملایمت از بدن‌هایشان] بیرون می‌آورند * و سوگند به فرشتگانی که [برای اجرای فرمان‌های حق] به سرعت نازل می‌شوند، * و سوگند به فرشتگانی که [در ایمان، عبادت، پرستش و اطاعت] بر یکدیگر [به صورتی ویژه] سبقت می‌گیرند، * و سوگند به فرشتگانی که [به اذن خدا امور آفرینش را] تدبیر می‌کنند. (ترجمه انصاریان)

«فَالْمُدْبِرَاتِ أُمْرًا»: أنها الملائكة تدبر أمر العباد من السنة إلى السنة عن علي (ع).

در مورد «فَالْمُدْبِرَاتِ أُمْرًا»: علی (علیه السلام) فرمود: آنها فرشتگانی هستند که از این سال تا سال آینده تدبیر امور بنده‌گان خدا میکنند.

مجمع البيان في تفسير القرآن، ج ۱۰، ص: ۶۵۳

و أخرج سعيد بن منصور و ابن المنذر عن علي ع في قوله: «وَ النَّازِعَاتِ غَرْقًا» قال: هي الملائكة تنزع أرواح الكفار. «وَ النَّاشِطَاتِ نَشْطًا» هي الملائكة تشط أرواح الكفار ما بين الاظفار و الجلد حتى تخرجها. «وَ السَّابِحَاتِ سَبْحًا» هي الملائكة تسبح بأرواح المؤمنين بين السماء و الأرض. «فَالسَّابِقَاتِ سَبْقًا» هي الملائكة يسبق بعضها بعضاً بأرواح المؤمنين إلى الله. «فَالْمُدْبِرَاتِ أُمْرًا» قال: هي الملائكة تدبر أمر العباد من السنة إلى السنة.

علی (علیه السلام) در مورد قول خداوند متعال ... «فَالْمُدْبِرَاتِ أُمْرًا» فرمود: آنان ملائکه ای هستند که امور بندگان را سال به سال تدبیر می‌کنند.

الدر المنثور في تفسير المأثور، ج ۶، ص ۳۱۰

حَدَّثَنَا بِهِ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ الْمُفَسَّرِ الْجُرْجَانِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْحُسَيْنِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ [عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ الرِّضَا عَنِ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ ع قَالَ: كَانَ قَوْمٌ مِنْ خَوَاصِّ الصَّادِقِ ع جُلُوسًا بِحَضْرَتِهِ فِي لَيْلَةٍ مُقْتَرَمَةٍ مُضْجِعَةٍ فَقَالُوا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَحْسَنَ أَدِيمَ هَذِهِ السَّمَاءِ وَ أَنْوَرَ هَذِهِ التُّجُومِ وَ الْكُوكِبِ فَقَالَ الصَّادِقُ ع إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ هَذَا وَإِنَّ الْمُدْبِرَاتِ الْأَرْبَعَةَ جَبْرَائِيلَ وَ ميكَائِيلَ وَ إِسْرَافِيلَ وَ مَلَكَ الْمَوْتِ ع يَنْظُرُونَ إِلَى الْأَرْضِ فَيَرُونَكُمْ وَ إِخْوَانَكُمْ فِي أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَ نُورُكُمْ إِلَى السَّمَاوَاتِ وَ إِلَيْهِمْ أَحْسَنُ مِنْ نُورِ هَذِهِ الْكُوكِبِ وَ إِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ كَمَا تَقُولُونَ مَا أَحْسَنَ أَنْوَارَ هَؤُلَاءِ وَ الْمُؤْمِنِينَ.

امام حسن عسکری از پدرانش از موسی بن جعفر علیهما السلام روایت می‌کند که فرمود: گروهی از خواص امام صادق علیه السلام در خدمت آن جناب نشسته بودند، شبی ماهتاب و هوا و فضا را روشنایی فرا گرفته بود، گفتند یا ابن رسول الله چه اندازه صفحه آسمان و ستارگان زیبا هستند. امام صادق علیه السلام فرمود: شما این چنین می‌گوئید در حالی که گرداندگان چهارگانه (مدبریات اربعه) جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و ملک الموت به زمین نگاه می‌کنند و برادران شما را در اطراف آن مشاهده می‌نمایند و نور شما بطرف آسمان‌ها و آنان روشن‌تر از نور این ستارگان می‌باشد، و آنها هم مانند شما می‌گویند چه اندازه نور این‌ها درخشندگی دارد.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص: ۳

بحار الأنوار، ج ۶۵، ص ۱۸ / البرهان في تفسير القرآن، ج ۵، ص ۵۷۵ / تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۱۴، ص ۱۱۳ / تفسير نور الثقلين، ج ۵، ص ۴۹۸

من به این مفهوم غلط در حوزه گرسنگی هم اشاره کردم. حالا اختیار با خود شما است؛ اگر اجازه دهید "حکمرانی توسعه" ادامه پیدا کند؛ الان اگر ۴۰ درصد اقلام مصرفی ما تراریخته است، در آینده نزدیک ۱۰۰ درصد به ما غذای تراریخته می‌دهند. آن وقت مشکلات عدیده‌ای در سلامت ما به وجود خواهد آمد.

۲/۳. تعریف "سلامت" و نحوه ایجاد آن؛ سومین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه

پایدار (آرمان سوم)

سرفصل سوم در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تحقق سلامت براساس مفاهیم غلط است. هدف سوم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ تحقق سلامت (Good Health and Well-being) است. ولی اصل هدف آن سوال اول ما را تکرار می‌کند؛ چرا شما ۴۰۰ سال مدل حکمرانی‌تان نتوانسته سلامت را تامین کند؟ این سوال را هم مانند بحث‌های قبلی می‌توانیم پرسیم. تمدنی که ۴۰۰ سال سابقه دارد و ادعای پیشرفت دارد، باید تا الان می‌توانست مسئله سلامت را حل کند؛ ولی نتوانسته است. حال از این می‌گذریم.

۲/۳/۱. سیاستگذاری برای افزایش دسترسی افراد به "خدمات درمان"، نه "پیشگیری" از بیماری؛ یکی از

مفاهیم غلط و ناقص آرمان سوم سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار

حال هم که سلامت را می‌خواهید بحث کنید چرا براساس مفاهیم غلط بحث می‌کنید لااقل دو مفهوم غلط در حوزه سلامت دارید: یکی: (که در هدف سوم از سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ بیان شده است این است که) دسترسی افراد به خدمات "درمان" افزایش یابد و این را به عنوان هدف اصلی قرار داده است. من سوالم این است: سیاست‌گذاران حوزه سلامت باید دسترسی افراد به "خدمات درمان" را اصل قرار بدهند؟ یا "پیشگیری از بیماری" را؟ همیشه این را گفته‌ایم این از لطیفه‌های تلخ دوران ما است. وزیری در جمهوری اسلامی در قاب تلویزیون ظاهر شد، و در همان لحظه‌ای که روبان افتتاحیه بیمارستانی را می‌بُرد، گفت: ما برنامه‌هایی برای پیشگیری هم داریم. اینطور است. شما در ۴۰ سال اخیر وقتی گزارش‌های وزارت بهداشت جمهوری اسلامی را مطالعه می‌کنید، دائماً می‌گویند: "بیمارستان جدید" ساختیم، "داروخانه جدید" تاسیس کردیم، "تخت بیمارستانی جدید" اضافه کردیم. معنای این موضوع، "پسرفت" است، "پیشرفت" نیست. چون پس‌زمینه بحث این است که: مردم در حال بیمارتر شدن هستند که شما خدمات درمان را افزایش می‌دهید. هر وقت دیدید که وزارت بهداشت براساس شاخص‌های پیشگیری گزارش می‌داد، شما باید احساس پیشرفت کنید. این یک بحث است.

۲/۳/۲. محوریت "سلول" در سلامت و مرض؛ یکی دیگر از مفاهیم غلط و ناقص در مبانی پزشکی و حوزه

سلامت

یک بحث هم در مبانی نظری داریم. من سوالم این است که: منشأ "سلامت" و "مرض"، "سلول" است؟ یا منشأ آن "قلب" و "مزاج" است؟ یعنی اگر خواستیم بگوییم که بیماران را درمان می‌کنیم؛ "قلب" و "مزاج" افراد را در حالت تعادل قرار دهیم؟ یا نه؛ بر روی "اختلال سلولی" متمرکز شویم و اجازه ندهیم که اختلال در سلول ایجاد شود؟

پدر پاتولوژی میکروسکوپی از حدود ۱۰۰ سال پیش گفته است: «پزشکان دنیا! شما روی سلول تمرکز کنید. منشاء سلامت، "سلول" است، منشاء مَرَض هم "سلول" است.»^{۴۲}

۲/۳/۲/۱. محوریت "قلب" و "مزاج (طبايع اربعة)" در سلامت و مرض، و در نتیجه تاثیرپذیری "سلول" (در

سلامت و مرض) از این دو؛ مبنای فقهی مدیریت حوزه سلامت

ولی ما در طب اسلامی می‌گوییم که: "سلول" تحت تاثیر "مزاج" و "قلب" است. بنابراین کسی که "قلب" و "مزاج" را مدیریت می‌کند، می‌تواند "سلامت سلولی" را تامین کند. کسی که مفهوم "طبايع اربعة"^{۴۳} را نمی‌فهمد و مفهوم "قلب" را به عنوان

۴۲. **ارجاع پرورشی:** — Rudolf Virchow, in full Rudolf Carl Virchow, (born October 13, 1821, Schivelbein, Pomerania, Prussia [now Świdwin, Poland] died September 5, 1902, Berlin, Germany), German pathologist and statesman, one of the most prominent physicians of the 19th century. He pioneered the modern concept of pathological processes by his application of the cell theory to explain the effects of disease in the organs and tissues of the body. He emphasized that diseases arose, not in organs or tissues in general, but primarily in their individual cells. Moreover, he campaigned vigorously for social reforms and contributed to the development of anthropology as a modern science

رودولف ویرچوو، به طور کامل رودولف کارل ویرچوو، (متولد ۱۳ اکتبر ۱۸۲۱، شیولین، پومرانیا، پروس [در حال حاضر Świdwin، لهستان] - درگذشت ۵ سپتامبر ۱۹۰۲، برلین، آلمان)، آسیب شناس و دولتمرد آلمانی، یکی از برجسته ترین پزشکان قرن نوزدهم وی با استفاده از تئوری سلول برای توضیح تأثیرات بیماری در اندام ها و بافت های بدن، ایده مدرن فرآیندهای آسیب شناختی را ایجاد کرد. وی تأکید کرد که: بیماری‌ها نه به طور کلی در اندام‌ها یا بافت‌ها، بلکه در درجه اول در سلول‌های فردی آنها بوجود می‌آیند. علاوه بر این، وی به شدت برای اصلاحات اجتماعی فعالیت می‌کرد و به توسعه انسان شناسی به عنوان یک علم مدرن کمک می‌کرد.

آدرس مطلب در سایت بریتانیکا: <https://b2n.ir/019699>

۴۳. **ارجاع پژوهشی / پرورشی:** أَمَّا أَفْضَلُ الْعَلَمَةِ الْكَامِلِ فِي فُنُونِ الْعُلُومِ وَالْأَدَبِ مُرَوِّجِ الْمِلَّةِ وَالِدَيْنِ وَالْمَذَهَبِ نُورِ الدِّينِ عَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَالِي الْكُرْكِيِّ بِحِزَاهُ اللَّهِ شُبْحَانَهُ عَنِ الْإِيمَانِ وَعَنْ أَهْلِ الْجَزَاءِ السَّنِيِّ مَا هَذَا لَفْظُهُ الرِّسَالَةُ الدَّهَبِيَّةُ فِي الطَّبِّ الَّتِي بَعَثَ بِهَا الْإِمَامُ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْمَأْمُونِ الْعَبَّاسِيِّ فِي حِفْظِ صِحَّةِ الْمَزَاجِ وَتَدْوِيرِهِ بِالْأَعْيُنِ وَالْأَشْرَبَةِ وَالْأَدْوِيَةِ. قَالَ إِمَامُ الْأَثَمِ غُرَّةُ وَجْهِ الْإِسْلَامِ... أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْأَجْسَامَ عَلَى أَرْبَعِ طَبَائِعٍ وَهِيَ الْحَرِّ وَالرَّطْبِ وَالْبَلْغَمِ وَالْجَمَلَةِ حَارَّانٍ وَبَارِدَانٍ فَدَوَّلَتْهُمَا فَبَعَثَ الْحَارَّانِ لَيْثًا وَبِاسِئًا وَكَذَلِكَ الْبَارِدَيْنِ رَطْبًا وَبِاسِئًا.

در رساله مذهبه که بذهبه معروف است گویم من بخط علامه کامل در فنون علم و ادب علی بن عبد العالی کرکی رساله را باین لفظ دیدم: رساله ذهبه در طب که امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) برای مأمون عباسی فرستاده برای بهداشت و پیشگیری با غذاها و نوشابه‌ها و داروها... چون خدا تعالی تن را بر چهار طبع ساخته صفراء، سوداء، خون و بلغم و خلاصه دو گرم و دو سرد که میان هر دو نشان تفاوتی نهاده یکی گرم و تر و دیگری گرم خشک، یکی سردتر و دیگری سرد خشک.

الرساله الذهبیه ج ۱ ص ۳ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۳۰۶

مُحَمَّدُ بْنُ بَكْرِ قَالَ: حَدَّثَنَا صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى الْبَيْهَقِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا الْمُؤَدَّبُ بْنُ هَامَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَسَعْدِ الْمُؤَلَّى قَالَا قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ عَائِمَةَ هَذِهِ الْأَرْوَاحِ مِنَ الْمَرْءِ الْعَالِيَةِ أَوْ دَمٍ مُخْتَرِقٍ أَوْ بَلْغَمٍ غَالِبٍ فَلْيَسْتَعِزَّ الرَّجُلُ بِمُرَاعَاةِ نَفْسِهِ قَبْلَ أَنْ تَغْلِبَ عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ هَذِهِ الطَّبَائِعِ فَهَيْلِكُهُ.

امام صادق (علیه السلام): همه این ارواح از مره غالبه یعنی صفرا و سوداست و یا از خون یا بلغم. پس انسان باید سلامت خود را رعایت و مراعات کند پیش از آنکه یکی از این طبع‌ها غالب شود و موجب هلاکتش گردد.

طب الأئمة ج ۱ ص ۱۱۰ / بحار الأنوار ج ۵۹ ص ۲۶۴

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَخْبُوبٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا يَرْفَعُهُ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: عِرْفَانُ الْمَرْءِ نَفْسُهُ أَنْ يَعْرِفَهَا بِأَرْبَعِ طَبَائِعٍ وَأَرْبَعِ دَعَائِمٍ وَأَرْبَعَةِ أَرْكَانٍ. وَطَبَائِعُهُ: الدَّمُ وَالْمَرْءُ وَالرَّيْحُ وَالْبَلْغَمُ.

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: شناختن انسان نفسش را به این است که: الف: بدانند نفسش چهار طبیعت دارد. ب: بدانند که نفسش چهار ستون داشته. ج: بدانند که نفسش دارای چهار پایه می‌باشد. چهار طبیعت (طبايع اربعة) عبارتند از: خون، صفراء، باد (سوداء) و بلغم. (ترجمه ذهنی تهرانی)

علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۰۹ / تحف العقول، ص ۳۵۴ (با اندکی تفاوت)

بحار الأنوار، ج ۵۸، ص ۳۰۲ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۲۴۳ / طب الأئمة عليهم السلام (للشبر)، ص ۴۷

در کتاب قانونچه در طب چنین آمده:

«خلط در اصطلاح جسم تر و روانی را گویند که غذا نخست بار بدان تبدیل می‌یابد. اخلاط چهارند: خون که گرم است و تر، صفرا که گرم است و خشک، بلغم که سرد است و تر، و سودا که سرد و خشک است.»

قانونچه در طب (چغمینی)، ص ۴

حکیم جرجانی نیز در تعریف "خلط (اخلاط و طبايع اربعة)" اینچنین آورده که:

"امیرالبدن"^{۴۴} نمی‌شناسد، سلول‌هایش دچار مَرَض خواهند شد. این هم یک مفهوم است که به نظر ما غلط است. اگر می‌خواهید سلامت سلولی داشته باشید روی سلول نایستید، بلکه روی قلب آدم‌ها بایستید.

در نشست تخصصی "قلب و عروق" توضیح دادم که قلب به چه نحو، سلول و اعضاء بدن را مدیریت می‌کند.^{۴۵} این هم یک اشکال مفهومی است. ما فکر می‌کنیم مادامی که پزشکان روی "سلول" مطالعه می‌کنند، "سلامت" به دست نمی‌آید؛ چون سلول تحت تاثیر دو ابرمتغیر است: (یکی قلب و یکی طبایع) و آنها تاثیر خودشان را بر روی سلول خواهند گذاشت. شما باید آن را مدیریت کنید. این هم یک بحث است.

«خلط رطوبتی است اندر تن مردم روان، و جایگاه طبیعی مر آن را رگهاست، و اندامهایی که میان آن تهی باشد، چون معده و جگر (کبد) و سپرز (طحال) و زهره (کیسه صفرا)، و این اخلاط از غذا خیزد. و بعضی از خلط‌ها نیک باشد و بعضی بد باشد، آنچه نیک باشد که اندر تن مردم اندر افزایش، و به بدل آن تری‌ها که خرج می‌شود بایستد، و آنکه بد باشد آن است که بدین کار نشاید، و این آن خلط باشد که تن از آن پاک باید کرد به داروها. و خلط‌ها چهار گونه است: خون است و بلغم و صفرا و سودا.»

ذخیره خوارزمشاهی، ج ۱، ص ۳۳

۴۴. **ارجاع پژوهشی:** بَعْضُ أَصْحَابِنَا عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُبَيَّرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عَمْرٍو النَّصَبِيِّ قَالَ: قَالَ الْعَالِمُ ع: ... فَمِنْهَا قَلْبُهُ الَّذِي بِهِ يَغْفَلُ وَيَفْقَهُ وَيَفْهَمُ وَهُوَ أَمِيرُ بَدَنِهِ الَّذِي لَا تَوَرَّدُ الْجَوَارِحُ وَلَا تَصْدُرُ إِلَّا عَنْ رَأْيِهِ ...

امام رضا (علیه السلام): ... قلب امیر و فرمانروای جوارح و اعضاء او می‌باشد، هر چه قلب امر کند اعضاء بدنش اطاعت می‌کنند و از فرمان او سرپیچی ندارند...

الکافی، ج ۲، ص ۳۹ / دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۵ / تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵۷

سند عیاشی: عن أبي عمرو الزبيری عن أبي عبد الله

الوافی، ج ۴، ص ۱۱۵ / بحار الأنوار، ج ۶۶، ص ۲۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۵۰

و بهذا الإسناد (حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى التِّرْمِذِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ مَاجِبَانِيُّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ لِرَجُلٍ: اعْلَمْ يَا فُلَانُ أَنَّ مَثْرَةَ الْقَلْبِ مِنَ الْجَسَدِ بِمَثْرَةِ الْإِمَامِ مِنَ النَّاسِ الْوَاجِبِ الطَّاعَةَ عَلَيْهِمْ لَا تَرَى أَنَّ جَمِيعَ جَوَارِحِ الْجَسَدِ شَرْطٌ لِلْقَلْبِ وَ تَرَاجِمَةٌ لَهُ مُؤَدِّيَةٌ عَنْهُ الْأُدْنَانِ وَالْعَيْنَانِ وَالْأَنْفُ وَالْفَمُ وَالْيَدَانِ وَالرِّجْلَانِ وَالْفَرْجُ فَإِنَّ الْقَلْبَ إِذَا هَمَّ بِالنَّظَرِ فَتَحَّ الرَّجُلُ عَيْنَيْهِ وَإِذَا هَمَّ بِالاسْتِمَاعِ حَوَّكَ أُذُنَيْهِ وَ فَتَحَ مَسَامِعَهُ فَسَمِعَ وَإِذَا هَمَّ بِاللِّسَانِ اسْتَشَشَقَ بِأَنْفِهِ فَأَدَّى تِلْكَ الرَّايحَةَ إِلَى الْقَلْبِ وَإِذَا هَمَّ بِالطُّفْقِ تَكَلَّمَ بِاللِّسَانِ وَإِذَا هَمَّ بِالْبَطْنِ عَمَلَتِ الْيَدَانُ وَإِذَا هَمَّ بِالْحَرْكَةِ سَعَتِ الرَّجْلَانُ وَإِذَا هَمَّ بِالشَّهْوَةِ تَحَرَّكَ الذِّكْرُ فَهَذِهِ مُؤَدِّيَةٌ عَنِ الْقَلْبِ بِالتَّحْرِيكِ وَ كَذَلِكَ يُبْنِي لِإِمَامٍ أَنْ يُطَاعَ لِأَمْرِ مِنْهُ.

بعضی از اصحاب نقل می‌کنند که از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که به مردی چنین فرمودند: فلانی! بدان که قلب نسبت به جسد انسانی به منزله امام است برای مردم؛ که همه باید اطاعتش کنند، مگر نمی‌بینی که تمام جوارح و اعضاء جسد اعوان و ایادی و مفسر قلب هستند. دو گوش و دو چشم و بینی و دهان و دو دست و دو پا و عورت خواسته‌های قلب را اداء می‌کنند لذا: هر گاه قلب خواسته‌اش نگرستن به چیزی باشد، شخص دو چشمش را می‌گشاید. و زمانی که بخواهد بشنود، شخص دو گوشش را حرکت داده و منفذ آنها را باز کرده تا مطلوب را بشنود. و هر وقت میل داشته باشد بویی را استشمام نماید، شخص با بینی استنشاق کرده در نتیجه بوی مطلوب به قلب می‌رسد. و هنگامی که رغبت به سخن گفتن داشته باشد، به وسیله زبان تکلم می‌کند. و در صورتی که مطلوبش گرفتن چیزی باشد دستها به کار افتاده و آن چیز را می‌گیرد. و به فرض که مقصودش حرکت کردن باشد، دو پا سعی نموده و راه می‌روند. و اگر محبوبش شهوت و غریزه باشد، نرینه شخص به حرکت و جنبش در می‌آید. پس تمام این اعضاء و جوارح حرکت و فعالیت نموده تا خواسته قلب را اداء کرده و بدین ترتیب اطاعتش می‌کنند. و همچنین شایسته است که خلاق نسبت به امام علیه السلام مانند اعضاء و جوارح بوده و امر آن سرور را اطاعت کنند. (ترجمه ذهنی تهرانی)

علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۱۰

بحار الأنوار، ج ۶۷، ص ۵۳ / الفصول المهمة في أصول الأئمة (تكملة الوسائل)، ج ۳، ص ۲۴۳

۴۵. **ارجاع پژوهشی:** در این نشست به بررسی چند سوال پیرامون مسئله "قلب و عروق" پرداخته شده است؛ از جمله: بازتعریف مفهوم "قلب"، بیماری‌های قلب (اختلالات درونی قلب)، عوامل بیرونی موثر بر قلب، معرفی داروهای جدید قلب، ساختار اقدامات پیشگیرانه بنیادین بیماری‌های قلبی و عروقی، نقش انعقاد نطفه و دوران بارداری در دفع بیماری‌های مادرزادی قلب، و مبحث عروق پرداخته شده است. که در ضمن مبحث "بازتعریف مفهوم قلب" به تبیین انواع کارکردهای ششگانه قلب و نحوه مدیریت قلب بر تمام بدن پرداخته شده است.

دریافت متن کامل گزارش اول درباره قلب و عروق: <https://eitaa.com/olgou4/4200>

دریافت نسخه با کیفیت نمودار و خلاصه نشست: <https://nro-di.blog.ir/1401/02/25>

این موضوع را هم در "نظریه پیشگیری ساختاری از بیماری" من توضیح داده‌ام.^{۴۶} سوال ما این است: «سلول یا مزاج؟» «سلول یا قلب؟» ما معتقدیم که اگر "قلب"، سالم باشد، "سلول"ها هم سالم خواهند بود. اگر "طبایع" سالم باشند، "سلول"ها هم سالم خواهند بود. اما برعکس آن امکان ندارد؛ یعنی: شما نمی‌توانید از طریق تغییرات سلولی، طبایع را مدیریت کنید. همیشه "متغیر فرعی" تحت تاثیر "متغیر اصلی" است. پس برعکس آن امکان ندارد. این هم یک بحثی است.

فضای بحث از دستتان خارج نشده است؟ ما مصادیق مفاهیم غلطی که در دنیا گسترش یافته است را بحث می‌کنیم که منشاء آن حجاب سقیفه است. چون امیرالمومنین علیه السلام در مسند حکومتی نبودند و حکمرانی ایشان مبنا نبوده، ما الان دچار این اختلالات شده‌ایم.

۲/۴. مفهوم نوآوری و زیرساخت؛ چهارمین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (آرمان نهم)

یکی از مفاهیم غلط دیگری که در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است، مسئله "زیرساخت خوب، مقاوم، پایا و مسئله نوآوری" (Industry, Innovation and Infrastructure) است. البته الان من این موضوع را خیلی توضیح نمی‌دهم.

۲/۴/۱. اصل دانستن نوآوری در صنعت؛ مفهومی غلط و ناقص در آرمان نهم از سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار

بشر درک غلطی از نوآوری دارد؛ فکر می‌کند، در نوآوری، "نوآوری‌های صنعتی" اصل است. حالا بعداً توضیح می‌دهم که "نوآوری در روابط انسانی"، اصل است و شرح خواهیم داد. در بخش نهم از سند ۲۰۳۰، مفهوم غلط نوآوری مطرح است که در یک وقت دیگری توضیح می‌دهم.

۲/۵. مفهوم شهر هوشمند و جوامع پایدار؛ پنجمین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (آرمان یازدهم)

۲/۵/۱. ایجاد مانیتورینگ و کنترل اراده انسان به نحو حداکثری توسط هوش مصنوعی؛ مفهوم و تعریف

شهر هوشمند

در هدف یازدهم مسئله "شهر هوشمند و جوامع پایدار" (Sustainable Cities and Communities) مطرح است. هر وقت کلمه "شهر هوشمند" را شنیدید، یعنی: شهری که اراده‌های انسان را به نحو حداکثری توسط "هوش مصنوعی" کنترل می‌کنند.

۴۶. ارجاع پژوهشی: جهت مطالعه بیشتر در این زمینه؛ به متن پیاده فوری «الگوی فقهی تحلیل بیماری در مقایسه با پاتولوژی پوزیتویستی» از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی به آدرس زیر در پیام‌رسان ای‌تا مراجعه کنید:

۱/۵/۲. تناقض مفهوم شهر هوشمند (آرمان یازدهم) با آزادی گسترده (آرمان اول)؛ یکی از تناقضات سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار

جالب است! این تناقضها در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ عجیب است. در هدف اول می‌گویند: باید "آزادی انتخاب گسترده" ایجاد کنیم؛ در هدف یازدهم می‌گویند: باید "شهر هوشمند" درست کنیم. شهر هوشمند یعنی مانیتورینگ و کنترل به وسیله هوش مصنوعی انجام شود.

۲/۶. مفهوم مدیریت آب و هوا؛ ششمین مفهوم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار (آرمان سیزدهم)

۲/۶/۱. وابستگی مدیریت آب و هوا به اصلاح الگوی تولید؛ اولین و اساسی‌ترین اقدام برای اصلاح مفاهیم غلط موجود در سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار در حوزه مدیریت آب و هوا

در هدف سیزدهم "اقدام درباره آب و هوا" (Climate Action) مطرح است. ما در "نظریه فقهی تأویب"^{۴۷} بحث کرده‌ایم که اگر کسی می‌خواهد آب را مدیریت کند، ابتدا باید "آلوده‌سازی سرچشمه‌های آب توسط کارخانه‌ها" را جلوگیری کند. ما تقریباً همه سرچشمه‌های آبی که داریم، توسط کارخانه‌ها آلوده می‌شوند. یا مواد شیمیایی از کارخانه‌ها وارد رودخانه‌ها، چشمه‌ها و دریاها می‌شوند، یا محصولاتی مثل پلاستیک که آب‌ها را آلوده کرده است. می‌دانید دسترسی به ۴۰ درصد آب‌های دنیا الان امکان ندارد. یعنی: روی ۴۰ درصد از آب‌های دنیا الان پلاستیک وجود دارد!^{۴۸} بنابراین اگر کسی می‌خواهد "آب" را اصلاح کند، اول باید "الگوی تولید" بشر را اصلاح کند.^{۴۹} و باز مفاهیم هدف سیزدهم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ را غلط می‌دانیم.

۴۷. **ارجاع پژوهشی:** محتوای "بسته فقهی تأویب" (با موضوع تبیین ساختار اقدامات مرتبط با مدیریت تغییرات اقلیمی و مقابله با تهدیدات زیست محیطی) در فضای نظام مقایسه با راهبردهای بخش سیزدهم سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ (اقدام برای اقلیم) و اسناد مشابه آن، مانند سند "آینده‌ای که می‌خواهیم" (محصول کنفرانس سازمان ملل متحد در توسعه پایدار ۲۰۱۲ (UNCS)) و ایده‌های معیوبی مانند اقتصاد سبز و برنامه راهبرد ملی تغییر اقلیم (پیشنهاد سازمان محیط زیست - ۱۳۹۶) تنظیم شده است. در این بسته فقهی علاوه بر تبیین مبانی نظری و مفاهیم پایه و روش تقیح موضوع اقلیم و محیط زیست؛ ۱۲ اقدام برای مدیریت تغییرات اقلیمی و مقابله با تهدیدات زیست محیطی در حوزه الگوی تولید، الگوی مصرف، الگوی حمل و نقل، الگوی فضای سبز، کاهش تولید زباله، کاهش آلودگی هوا و... - با استفاده از روش تحقیق فقهی - استنباط و تنظیم شده است.

دائرة پژوهش مدرسه هدایت - چهارشنبه ۱۴ شوال المکرم ۱۴۴۲ هجری قمری - حوزه علمیه قم
<http://pro-di.blog.ir/1400/03/05>

۴۸. **ارجاع پردازشی:** تنها ۵ درصد از زباله‌های پلاستیکی بازیافت شده و حدود ۸ درصد از نفت جهان صرف تولیدش می‌شود. به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) منطقه خلیج فارس، زباله‌های پلاستیکی هرگز از بین نمی‌روند و به طور فزاینده‌ای راه خود را به اقیانوس‌ها، دریاها و ساحل‌ها بازمی‌کنند. کیسه‌های پلاستیکی، بطری نوشابه و غیره هر روز به طبیعت راه می‌یابند. امروزه میلیون‌ها پلاستیک در دریاها جهان یافت می‌شود که در حدود ۴۰ درصد از سطح اقیانوس‌ها را در برمی‌گیرند، در هر دقیقه یک میلیون کیسه پلاستیکی در جهان استفاده می‌شود و این رقم سالانه به ۵۰۰ میلیارد می‌رسد. آلودگی ناشی از زباله‌های پلاستیکی تاثیر مستقیمی بر حیات وحش می‌گذارد. سالانه هزاران پرنده دریایی، لاک‌پشت دریایی، شیر دریایی و انواع دیگر پستاندارانی که در زیست محیط دریایی و ساحلی زندگی می‌کنند در اثر مصرف یا گرفتار شدن با انواع این مواد کشته می‌شوند. به طور کلی ۳۰۰ گونه جانوری در معرض خطر زباله‌های پلاستیکی قرار گرفته‌اند.

با توجه به چگالی کم آن به راحتی در اقیانوس‌ها حتی در مسافت‌های بلند قابل گردش و جابه‌جایی است و به این ترتیب این زباله‌ها به مکانی برده می‌شوند که محل زندگی موجودات دریایی هستند و این موجودات اشتباهاً از آن‌ها به عنوان غذا استفاده می‌کنند.

۲/۶/۲. ناکارآمدی راهکار "تقویت صنایع بازیافت زباله" برای مدیریت، مقابله و پیشگیری از افزایش

آلودگی‌های زیست‌محیطی و زباله‌های انبوه در کره زمین:

۲/۶/۲/۱. بالاتر بودن سرعت "تولید زباله" از سرعت "بازیافت زباله" در جهان!؛ علت ناکارآمدی راهکار "تقویت

صنایع بازیافت زباله" برای مدیریت، مقابله و پیشگیری از افزایش آلودگی‌های زیست‌محیطی و زباله‌های انبوه در

کره زمین

در سند ۲۰۳۰ اینطور می‌گویند: «صنایع بازیافتی را تقویت می‌کنیم.»^{۴۹} به نظر تان این ۴۰ درصد پلاستیک که وجود دارد و تجمیع شده است، این چند سال و به چه میزان صنایع بازیافتی داشته باشیم، می‌توانیم اینها را بازیافت کنیم؟ یک سوال دیگر: میزان تولید زباله بیشتر است یا بازیافت؟ زباله‌های فعلی را رها کنیم. یعنی شما وقتی بیسکویت یا کنسرو یا آب معدنی مصرف می‌کنید، به صورت طبیعی هر آدمی ۵ واحد یا ۶ واحد زباله در روز تولید می‌کند. با تولید موجود اصلاً سرعت تولید زباله، خیلی بیشتر از سرعت بازیافت است. بخاطر همین من می‌گویم: «افسانه بازیافت». اینطور که جلو می‌رویم، در آینده در کشور ایران هم مثل

در دهه اول قرن بیست و یک پیش از تمام طول تاریخ (تا سال میلادی ۲۰۰۰) پلاستیک تولید و مصرف شده است که میلیاردها از آن به دریاها و اقیانوس‌ها راه می‌یابند. بیشتر آلودگی زیست محیط دریایی از خشکی آغاز می‌شود به این ترتیب که این زباله از طریق باد و باران به دریاها برده می‌شوند. در آنجا انباشته شده و این امر به حدی آسیب رساننده است که تمام پلاستیک‌های تولید شده در جهان هنوز از بین نرفته اند.

تلفات سنگین حیات وحش:

هزاران حیوان از فنج‌های کوچک تا کوسه‌های سنگین وزن در اثر خوردن این مواد کشته می‌شوند. هر ساله صدها هزار پرنده دریایی به علت مصرف پلاستیک از تعدادشان کم می‌شود. مصرف پلاستیک حجم معده پرندگان را کاهش می‌دهد و باعث می‌شود غذای کمتری مصرف کنند و بدین ترتیب در نهایت از گرسنگی تلف می‌شوند.

این‌ها تنها بخشی از اثرات پلاستیک روی محیط زیست است، علاوه بر حیوانات پلاستیک تأثیر بسیاری بر زندگی انسان نیز دارد. وقتی زباله‌ها در دریا شناور هستند، آلاینده‌های خطرناکی مانند PAH، DDT و PCB را وارد آب می‌کنند که برای انسان‌ها دارای اثرات سوء مانند اختلال در غدد درون ریز، تغییرات هورمونی و جهش‌های سرطانی دارند. حیوانات با خوردن پلاستیک‌ها این مواد را وارد چرخه غذایی می‌کنند و در نهایت به بشقاب ما می‌رسد.

علاوه بر این‌ها آلودگی پلاستیکی بر اقتصاد نیز تأثیر می‌گذارد از جمله هزینه بی‌حد و حصر در پاکسازی ساحل، ضرر و زیان‌های صنعت گردشگری و خسارت وارده به صنایع ماهیگیری و پرورش آبزیان را می‌توان نام برد.

به طور متوسط از هر کیسه پلاستیکی در حدود ۱۲ دقیقه استفاده می‌شود اما بیش از هزار سال طول می‌کشد تا این کیسه پلاستیکی تجزیه شود.

سالانه ۴۸۰۰۰ تن کیسه پلاستیکی به درون اقیانوس‌ها ریخته می‌شود. در حال حاضر در هر مایل مربع (۲۶ متر مربع) ۴۶۰۰۰ قطعه پلاستیکی شناور است.

در پایان می‌توان گفت: ما با پلاستیک احاطه شده‌ایم!

به تمام چیزهایی که در طول یک روز لمس می‌کنید ببینید، کیسه‌های مواد غذایی، ظروف غذا، درب فنجان قهوه، بطری آب، نی همه و همه از پلاستیک تشکیل شده‌اند.

استفاده از پلاستیک راحت به نظر می‌رسد اما طبیعت برای آن باید بهای سنگینی پرداخت کند.

منبع: خبرگزاری ایسنا (یکشنبه / ۲۲ تیر ۱۳۹۳) - <https://b2n.ir/u83097>

جهت مشاهده «تصاویری از زباله‌های پلاستیکی انباشته‌شده در سطح زمین و دریاها»: به پیوست شماره ۸ مراجعه کنید.

۴۹. **ارجاع پرورشی:** در ذیل تشریح آرمان نهم از سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار چنین آمده است:

ترویج صنعتی شدن پایدار و فراگیر و افزایش چشمگیر سهم صنعت از اشتغال و تولید ناخالص داخلی. (۹-۲)

گسترش پژوهش علمی، به روزرسانی توانایی‌های فنی بخش صنعت در کشورها. (۹-۵)

سند سازمان ملل / دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار (کمیسون ملی یونسکو - ایران)، هدف نهم، ص ۴۱ و ۴۲

<https://b2n.ir/q69120>

۵۰. **ارجاع پرورشی:** در تشریح هدف دوازدهم (تولید و مصرف مسئولانه) از اهداف سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار چنین آمده است:

کاهش قابل ملاحظه تولید مواد زاید از طریق پیشگیری، کاهش، بازیافت و استفاده مجدد از آنها. (۱۲-۵)

سند سازمان ملل / دگرگون ساختن جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار (کمیسون ملی یونسکو - ایران)، هدف دوازدهم، ص ۴۵

<https://b2n.ir/q69120>

کشورهای صنعتی، کوه‌های غیرقابل مدیریت زباله تشکیل خواهند شد. این هم باید بحث شود که در بخش سیزدهم اقدام اساسی درباره آب و هوا چیست؟ به نظر من اقدام اساسی، اصلاح الگوی تولید است، (نه بازیافت) که بعد بحث خواهیم کرد. من به شش تعریف غلط در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ اشاره کردم. در [تمام] ۱۷ مورد [از آرمان و اهداف سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار] ما بحث کرده‌ایم. اینها بحث‌ها و مباحثات دائمی ماست که در آنها نشان می‌دهیم چه تعاریف غلطی در حوزه تصمیم‌سازی کشور در جریان است. این سرفصل دوم هم تمام شد که در آن نمونه‌هایی از علم غلط که در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ است را محضرتان بیان کردم.

۳. سرفصل سوم: الگوی حکمرانی سازمان ملل و سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار را چگونه اصلاح کنیم؟

سرفصل آخر بحث: حالا چطور اصلاح را شروع کنیم؟ الگوی حکمرانی امیرالمومنین علیه السلام اصلاً از جای دیگری (که نگذاشتند اجرایی شود) شروع می‌شود. الان هم که الگوی حکمرانی سازمان ملل و سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار مطرح است. حالا وقتی آن الگوی حکمرانی را محدود کردند و تا دوران ظهور هم محدود خواهد بود و الان هم غلبه در تمام دنیا با سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ در جریان است؛ ما باید چه کار کنیم؟

۳/۱. رجوع به علوم اهل بیت علیهم السلام و گسترش گفتگوهای فقهی بین مردم و مسئولین کشور؛ تنها راه نجات اصلاح حکمرانی سازمان ملل و سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار

عرض کردم که باید به نحو حداکثری مسئله حجیت و رجوع به علم اهل بیت علیهم السلام را برجسته کنیم. این تنها راه نجات است. حالا که از هر دو طرف در مضیقه هستیم؛ یعنی: تمدن نفاق جلوی جریان ولایت امیرالمومنین علیه السلام را گرفته است، از طرفی هم تمدن یهود مفاهیم غلط را گسترش داده است. این وسط راه بقاء، توقیر علم و حیانی است. به هر میزان که می‌توانیم علم اهل بیت علیهم السلام را در جامعه گسترش دهیم، به همان میزان راه نجات برای ما پیدا خواهد شد و تمدن اسلامی قبل ظهور شکل خواهد گرفت. من شنیدم که بعضی‌ها می‌گویند که ما نماینده مجلس هستیم، وقت نداریم در بازخوانی روایات و آیات شرکت کنیم. حالا به این دلیل یا به هر دلیلی دیگری، شما نمی‌آید و علم اهل بیت علیهم السلام را توقیر نمی‌کنید؛ نمی‌توانید راه خروج را پیدا کنید. اگر کسی هم الگوی فقهی در ذهنش باشد، نمی‌تواند [به شما برساند،] چون شما وقت ندارید. در طی یک دهه گذشته که من با نماینده‌های مجلس، وزرا و کارشناسان مختلف کشور نشست‌ام و جلسه گرفته‌ام؛ آنهایی که می‌گویند ما فرصت نداریم برای جلسات تخصصی الگوی پیشرفت اسلامی وقت بگذاریم؛ [از آنها سوال داریم که:] پس شما تصمیمات تان مبتنی بر کدام دستگاه کارشناسی است؟ شما که وقت ندارید به حوزه علمیه قم بیایید، پس براساس چه علمی تصمیم می‌گیرد؟ خب؛ نتیجه همین [شرایط موجود] می‌شود. اگر ما در یک فرآیند جمعی، مسئولین را واداشتیم که به دستگاه کارشناسی فقهی رجوع کنند، آن وقت می‌توانیم مطمئن باشیم که این مسئول در دوران مسئولیتش در راستای تمدن اسلامی حرکت خواهد کرد. این نقطه آغاز است. شما می‌توانید آینده را ببینید.

الان بالاخره آغاز ۴۰ سال دوم انقلاب است و در سال‌های اول آن قرار داریم. الان [به عنوان مثال] در وزارت بهداشت چند جلسه در رابطه با طب اسلامی وجود دارد؟ به همان میزانی که شما مفاهیم و حیانی [در حوزه طب] را مطرح کنید، می‌توانید امیدوار باشید که در آینده، پیشگیری از بیماری هم اتفاق خواهد افتاد. اما اگر این بحث‌ها نبود، نتیجه این می‌شود که حتماً بهترین طرح سازمان WHO، گسترش خدمات درمان خواهد بود. من در یک گزارشی که از یکی از رسانه‌های بین‌المللی بود، دیدم که این رئیس WHO افتخار می‌کرد که ده میلیارد واکسن فروخته‌ایم. بعد [از تزریق همین واکسن‌ها] هم پیک ششم [بیماری کرونا] شروع می‌شود. یعنی: اینها نمی‌توانند [مثلاً از بیماری کرونا] پیشگیری کنند. مسئله واکسن را که مثال زدم بخاطر این است که تعریف آن پیشگیری است. این چه پیشگیری‌ای است که نمی‌تواند پیشگیری ایجاد کند؟! و پیشگیری محدود ایجاد می‌کند. وقتی تدابیر پیشگیری تان منجر به پیشگیری از پیک ششم نمی‌شود، تدابیر درمان تان چه کار می‌کند؟ چرا اینطور می‌شود؟ به خاطر این است که مفاهیم غلط در جریان است. حالا ما باید کاری کنیم که مفاهیم درست [به جریان بیفتند.] البته فقط مربوط به این حوزه هم نیست.

مثلاً الان وزارت مسکن در دولت جدید؛ آیا دوباره "آپارتمان" می‌سازد؟ یا نه؛ "دارواسعه" می‌سازد؟ اگر کارشناسی جدید مطرح نشود، همان مسیر قبلی ادامه خواهد یافت؛ آپارتمان می‌سازد و فسادهای ناشی از آپارتمان هم به ما تحمیل می‌شود. نقطه شروع، گسترش گفتگوهای فقهی در جامعه است. به همان میزانی که [این گفتگوها] برگزار می‌شود، [به همان میزان] پیش خواهیم رفت. خواهش می‌کنم از مدیرانی که اطرافتان هستند، این سوال را پرسید و تقیه نکنید. بگویید: شما که در حال تصمیم‌گیری هستید، متکی به کدام دستگاه کارشناسی تصمیم می‌گیرید؟ (شما که وقت ندارید در نشست‌های تخصصی شرکت کنید!) این بحث ماست.

آن طرف هم فرض کنید، مجموعه کارشناسان ملایی که در حوزه علمیه قم و در سایر حوزه‌های علمیه کشور هستند و در حال گسترش دانش اهل‌بیت علیهم‌السلام در همین حوزه‌ها هستند. اگر اینها هم نشست‌های تخصصی‌شان را کم کردند؛ من سوال این است که آن مسئول، از کجا بفهمد که یک دانش جدید ایجاد شده است؟ او هم اگر متوجه نشود که یک دانش جدید وجود دارد، نمی‌تواند با شما همراهی کند. این هم یک بحثی است. لذا از حضرت رضا علیه‌السلام پرسیدند: «چطور امر شما را احیاء کنیم؟» حضرت رضا علیه‌السلام فرمودند: «يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسُ»^۱ فرمود: استراتژی، استراتژی "تاسیس مدرسه" باید باشد. علوم ما را یاد بگیرید و به مردم یاد بدهید. نگویید که کار دیگری لازم است. حضرت ابوالحسن الرضا علیه‌السلام صریحاً فرمودند و برای ما هم فرمودند. به تصریح حضرت ابوالحسن الرضا علیه‌السلام؛ اگر ما از برگزاری نشست تخصصی و چاپ کتاب و شبیه این موارد خسته نشدیم، امر اهل‌بیت علیهم‌السلام را احیاء کرده‌ایم. اگر کارهای دیگری انجام دادیم، امر اهل‌بیت علیهم‌السلام احیاء نمی‌شود. بنابراین نقطه شروع تصحیح الگوی حکمرانی و عبور از ظلمات مفاهیم توسعه غربی و تمدن مدرنیته، گسترش علوم اهل‌بیت علیهم‌السلام در جامعه است.

۳/۱/۱. گسترش علوم استنباطی دانش اهل‌بیت علیهم‌السلام؛ یکی از کارهای لازم برای گسترش علوم

اهل‌بیت علیهم‌السلام

ممکن است یک کسی در اینجا اشکال کند که: ممکن است به خطاهای اخباری‌گری مبتلا شویم. (اشکال درستی هم است). [پاسخ این اشکال این است که:] اگر می‌خواهید اخباری نشوید [و به خطاهای آنان مبتلا نگردید]، باید علوم استنباطی را هم آموزش ببینید. این هم نکته مهمی است. هرکس می‌خواهد دانش اهل‌بیت علیهم‌السلام را گسترش دهد، باید علوم استنباطی بخواند. حالا از نظر ما سه دسته علم استنباطی وجود دارد: (من فقط اشاره می‌کنم و نمی‌خواهم شرح بدهم)

۳/۱/۱/۱. قواعد فقهی احراز صدور، قواعد فقهی درایه و تدبر، قواعد فقهی الفاظ؛ قواعد سه‌گانه علوم

استنباطی دانش اهل‌بیت علیهم‌السلام

[اولین دسته از علوم استنباطی:] "قواعد فقهی احراز صدور" است. از کجا بفهمیم که یک روایتی از ناحیه امام علیه‌السلام صادر شده است؟ چرا [لازم است صدور روایت از معصوم را احراز کنیم]؟ چون در قرآن و در روایات فرموده‌اند که: «بزرگترین ظلم‌ها، افتراء

۵۱. ارجاع پژوهشی: حَدَّثَنَا عَبْدُ الْوَّاحِدِ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ وَاسِعِ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ أَبِي شَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ الْعَطَّارُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ قُتَيْبَةَ النَّيْسَابُورِيُّ عَنْ حَمْدَانَ بْنِ سَلِيمَانَ عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا ع يَقُولُ: رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أَمْرَنَا. فَقُلْتُ لَهُ: وَ كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ يَعْلَمُهَا النَّاسُ؛ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَأَكْبَرُونَا.

به نقل از عبد السلام بن صالح هروی: از امام رضا (علیه‌السلام) شنیدم که می‌فرمود: «خداوند، رحمت کند بنده‌ای را که امر (امامت) ما را زنده کند!». گفتم: چگونه امر (امامت) شما را زنده می‌کند؟ فرمود: «علوم ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد، که اگر مردم، زیبایی‌های گفتار ما را می‌دانستند، از ما پیروی می‌کردند».

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۳۰۷ / معانی الأخبار، ص ۱۸۰

بحار الأنوار، ج ۲، ص ۳۰ / الوافی، ج ۱، ص ۲۱۵

به نبی اکرم و خاندان ایشان علیهم السلام است.)) وقتی ما مطمئن نیستیم که حدیثی از ناحیه امام صادر شده است، نباید آن را بگوییم. از کجا بفهمیم یک حدیثی از ناحیه مقدسه صادر شده است؟ این را که نمی‌توانیم در گوگل سرچ کنیم! باید با یک روش‌هایی و با یک قواعد فقهی، احراز صدور این احادیث را کشف کنیم.^{۵۲}

[دومین دسته از علوم استنباطی]: "قواعد فقهی درایه و تدبیر" است که باید بحث شود. الان اگر من می‌خواستم اخباری باشم، ((ءَاتُوا الزَّكَاةَ)) را باید همینطور بحث می‌کردم و می‌گفتم یکی از چهار پایه حکمرانی است [و و علت و شرح آن را تبیین نمی‌کردم. ولی] ما در آن درایه کردیم تا اینکه از شرح مفهوم ((ءَاتُوا الزَّكَاةَ)) معلوم شد که: [علت اینکه زکات یکی از چهار پایه حکمرانی و تمدن اسلامی است به این خاطر است که: مسئله "زکات" هم اصلاح "طبقه‌بندی مشاغل"، و هم تامین بودجه برای "رفع محرومیت" در جامعه است. درایه این است. یعنی با کمک برخی از آیات و روایات، آن آیه و روایت محوری را شرح دهیم. این هم قواعدی دارد که ما در "فقه‌البیان"^{۵۳} از آن بحث کرده‌ایم.

سومین دسته از قواعد: "قواعد فقهی الفاظ" است. قرآن به "عربی مبین" نازل شده است و نه به عربی عرب‌ها. تفاوت عربی عرب‌ها و "عربی مبین" باید براساس آیات و روایاتی شرح داده شود که ما در پیوست ادبیات و بعضی از بحث‌ها اینها را توضیح می‌دهیم.^{۵۴}

۵۲. **ارجاع پژوهشی:** پرسش اول دروس استنباطی به تحلیل تکاملی مسئله صدور می‌پردازد. در تحلیل مسئله صدور علاوه بر احراز صدور روایت به تبیین ساختارسازی امام علیه‌السلام برای دستیابی مردم به هدایت و علم می‌پردازیم. به عبارت بهتر امام علیه‌السلام برای انتقال هدایت خود به مردم همه اعصار، از روش‌های خاصی استفاده می‌کند. تأکید امام علیه‌السلام بر مسئله کتابت حدیث یکی از شناخته شده‌ترین روش‌های امام برای انتقال هدایت به مردم عصرهای مختلف است.

حجت الاسلام علی‌کشوری - تبیین دروس استنباطی مدرسه هدایت - یکشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۰ - حوزه علمیه قم

<https://eitaa.com/olgou4/3858>

در مباحثات مرتبط با نظریه رجالی و ثوق صدور به معنای تکاملی ۱۲ دسته بحث مطرح است؛ که تبویب مباحثات رجال را منظم می‌کند. عناوین شش بخش از این مباحثات رجالی به شرح زیر است:

بخش اول؛ بازخوانی مفهوم رجال بر اساس قاعده بیان مبتنی بر انفتاح است؛ که نتیجه اش تغییر لغت انفتاح از بررسی سند به بررسی ایفای نقش در ساختار هدایت است. (تبیین لغت انفتاح علم رجال)

بخش دوم؛ تولید پرسش‌های اصلی احراز صدور بر اساس لغت انفتاح جدید است و در این بخش به پنج پرسش اصلی شامل: ۱- بررسی مصدر و منابع روایت، ۲- بررسی جایگاه سند در ساختار متصل اتکاء به اشراف (ساختار هدایت)، ۳- تبیین ساختار اتکاء فرد به اشراف، ۴- تبیین فرآیند هدایت مرتبط با روایت و ۵- تبیین جایگاه روایت در تکمیل فرآیند هدایت پرداخته شده است. (دفترچه احراز صدور)

بخش سوم؛ تبیین ۱۳ دسته روایات برای استفاده در فرآیند بررسی صدور مانند روایات عرضه، روایات کتب، روایات توثیق خاص، روایات توثیق عام و... است؛ که بر اساس این روایات قرائن جبیره برای ضعف سند سازمان دهی می‌شود. (جدول ساماندهی قرائن جبیره)

بخش چهارم؛ بررسی مقدمات کتابهای مصدر و کتابهای منبع بر اساس قاعده اصولی نظام مقایسه و بررسی علل تبویب‌های متفاوت در اصل، مصدر و منبع. (تبیین قواعد تبویب حدیث)

بخش پنجم؛ بررسی پیش فرض‌های فقهی رجالیون بزرگ در توثیق و تضعیف روایت با تأکید بر بررسی پیش فرض‌های فقهی کتاب رجالی ابن‌غضائری.

بخش ششم؛ بررسی استظهاری ابعاد ساختار متصل اتکاء به اشراف و بررسی نقش هر یک از ارکان این ساختار در فرآیند ظهور‌گیری یک فقیه؛ به عنوان مثال بررسی آثار عمل یک فقیه در فرآیند کشف و استظهار او... (تبیین نقطه آغاز فقه)

دائرة پژوهش مدرسه هدایت - پنجشنبه ۲ مرداد ۱۳۹۹ - قم مبارک

<https://eitaa.com/olgou4/2488>

۵۳. **ارجاع پژوهشی:** "فقه‌البیان" یکی از ابواب نه‌گانه فقه هدایت است که دارای ۹ باب بحثی است و در مجموع، قواعد تخاطب منجر به هدایت را تبیین می‌کند. قواعدی همچون بیان مبتنی بر ظرفیت (قدر)، بیان مبتنی بر تأمل، بیان مبتنی بر مُکث، بیان مبتنی بر نظام مقایسه، بیان مبتنی بر رفق، بیان مبتنی بر منزلت و بیان مبتنی بر انفتاح. جهت مطالعه پیرامون این بحث مهم به دوره مباحثاتی "فقه‌البیان" از سری مکتوبات شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی مراجعه کنید.

۵۴. جهت مشاهده «درختواره دانشی مدرسه تمدنی هدایت»؛ به انتهای جزوه مراجعه کنید.

بنابراین برای خروج از اخباری‌گری هم باید بر علوم استنباطی مسلط شد که سه دسته بودند. پس وقت بگذارید این علوم استنباطی را یاد بگیرید. این هم جزء لازمه کار ماست.

پس من توضیح دادم که نقطه شروع چیست؟ نقطه شروع برای اصلاح نظام حکمرانی کشور و برای تفصیلی کردن تمدن نوین اسلامی در ذهن‌ها، برجسته کردن مفهوم علم اهل بیت علیهم‌السلام در مقابل علم پوزیتیویستی در جامعه است، برجسته کردن مفهوم "حجیت" در جامعه است. اگر سوال از "حجیت" را برجسته کنید، این کار نقطه شروع است.

۳/۲. لزوم تدوین برنامه هفتم کشور مبتنی بر آیات و روایات و نه الگوهای توسعه غربی

یک نکته هم در ادامه بحث که سرفصل جدیدی نیست؛ [خدمت شما عرض کنم]: بنده توصیه می‌کنم که تدوین‌کنندگان "برنامه هفتم توسعه"، آنهایی که برنامه‌های تحول را برای بانک مرکزی، برای مجلس شورای اسلامی و برای جاهای دیگر می‌نویسند؛ به کارشناسی فقهی و علوم اهل بیت علیهم‌السلام توجه کنند. من زمان تدوین "برنامه ششم" در رسانه ملی چند بار (هم صوت و هم تصویر من موجود است) گفتم: «شب دراز است و قلندر بیدار!»: زمانی که هنوز برنامه ششم تصویب نشده بود گفتم: برنامه ششم، اجرایی نخواهد شد. الان می‌دانید زمان اجرای برنامه ششم تمام شده است؛ کارشناسان می‌گویند: «[برنامه ششم] به لحاظ اجرایی نشدن، بدترین برنامه توسعه ایران بوده است.» اینها را ما قبلاً گفته بودیم. حالا هم به جناب رئیس جمهور محترم، به نماینده‌های محترم مجلس این نکته را عرض می‌کنم که: «اگر براساس همان کارشناسی گذشته کار را جلو ببرید، نتیجه نهایی بحث، عدم اجرای برنامه‌های توسعه مثل ۷۰ سال گذشته خواهد شد.»^{۵۵} لذا آقایانی که برنامه هفتم توسعه را می‌نویسند (چه در سطح کارشناسی، چه در سطح وزرا و نمایندگان مجلس) باید به مسئله "حجیت" برنامه هفتم توجه کنند. تحلیل‌های برنامه هفتم، نباید تحلیل‌های علوم موجود باشد؛ باید حتماً مبتنی بر آیات و روایات باشد. اینکه شما نماز می‌خوانید، اینکه شما روزه می‌گیرید، اینکه شما انقلابی هستید، کفایت نمی‌کند که یک برنامه اسلامی شود. آن موقعی برنامه اسلامی خواهد شد که شما فقیه باشید و بتوانید به نحو فقه‌ای وارد بحث شوید. اگر خواستید برای پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی با کسی همکاری کنید، نگاه کنید که آیا او فقیه است یا فقیه نیست؟ اگر به فقه او دقت کردید، امیدوار باشید که به پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی کمک خواهید کرد. اما اگر کسی فقیه نبود، دلسوزانه کارها را به شکست می‌رساند! من عرضم این است. ما تجربه شش برنامه توسعه را بعد از انقلاب اسلامی داریم؛ خیلی از آنهایی که این برنامه‌ها را نوشتند، دلسوز هم بودند، احتمالاً نماز هم می‌خواندند، روزه هم می‌گرفتند، انقلابی هم بودند؛ ولی ثمره کارشان این برنامه‌های ناکارآمدی شده است که نوشته‌اند.

۵۵. **ارجاع پردازشی؛** علی چاغروند (مدیر طرح و برنامه اتاق بازرگانی ایران) در گفت و گو با ایسنا، اظهار کرد: با نگاهی به شش برنامه پنج ساله برای توسعه کشور می‌بینیم تاکنون حدود ۴۰ درصد این برنامه‌ها به عرصه عمل رسیده‌اند و مهمترین دلیلی که باعث شده این برنامه‌ها در حد چشم‌انداز و برنامه‌های کلان باقی بماند عدم تناسب طرح‌ها و سیاست‌های مطرح شده در برنامه‌ها با واقعیات روز حاکم بر کشور است که این باعث می‌شود در حد یک "کتاب آرزو" باقی بماند. به گفته مدیر طرح و برنامه اتاق ایران، یکی از مهمترین انتقادهایی که به تدوین برنامه‌های توسعه وجود دارد این است که برنامه‌ها به نحوی تدوین شده که همه مشکلات با هم دیده می‌شوند و انگار قصد داریم که همه مسائل کشور را با هم حل کنیم، بدون اینکه اولویت‌بندی داشته باشیم.

آدرس مطلب: خبرگزاری ایسنا (خبرگزاری دانشجویان ایران) - یکشنبه ۱۳ مهر ۱۳۹۹ - <https://b2n.ir/213094>

خبرگزاری خانه ملت - گروه اقتصادی: برنامه توسعه پنج ساله بعد از انقلاب تاکنون نوشته و تبدیل به یک قانون لازم‌الاجرا شدند، اما اهداف تعیین شده در هیچ کدام از برنامه‌ها به میزان قابل توجهی محقق نشد؛ نمایندگان مردم در خانه ملت، علت آن را عدم پیش بینی درست عنوان کردند و گفتند برنامه‌های توسعه به جای برنامه، کتاب آرزوها است.

آدرس مطلب: سایت خانه ملت (خبرگزاری مجلس شورای اسلامی) - 1394/08/10 - <https://b2n.ir/882604>

در روایت هست که اگر خواستید با کسی همکاری کنید و مدیریت کسی را بپذیرید، ابتدا میزان تسلط او به روایات را ارزیابی کنید. می‌فرماید: «إِعْرِفُوا مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ»^{۵۶} اگر دیدید کسی روایت نمی‌خواند و به روایات مسلط نیست، با او همکاری نکنید. فقره روایت دو بخش است: [در فقره اول] می‌فرماید: «عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ» یعنی: باید ببینیم چقدر روایت می‌داند. سپس در فقره و قید دوم «و مَعْرِفَتِهِمْ» اخباری‌گری را تضعیف می‌کند. می‌گوید: هم میزان روایتش و هم میزان معرفتش را بسنجید. بعد حضرت توضیح می‌دهد که: «فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَائَةُ لِلرَّوَايَةِ» یعنی: معرفت این است که بتواند روایت را بفهمد، نه فقط نقلش کند؛ بلکه در روایت درایه کند.

من احوالات چند تیمی که به تدوین برنامه هفتم توسعه کمک می‌کنند را از طُرُق مختلف اطلاع دارم؛ اینها نه روایت می‌خوانند و نه قدرت درایه در روایت دارند! بنابراین نتیجه کارشان تدوین یک برنامه غیرقابل اجرا و غلط برای جمهوری اسلامی خواهد شد! و این دوستان باید تقوا به خرج بدهند [و وارد این کار نشوند] و نباید به این دوستان کمک کرد؛ بلکه باید با آنها راجع به حجیت و عواقب عدم توجه به حجیت وارد گفتگو شد.

عرائض بنده تمام شد؛ سه سوال را مطرح کردم: [سوال اول این بود که: ماهیت تمدن اسلامی را (طبق آیه ۴۱ سوره حج) به چهار مسئله "صلاة" و "زکات" و "امر به معروف" و "نهی از منکر" و طبق روایتی که فریقین از پیامبر ﷺ (مبنی بر اینکه باب علم نبی ﷺ، حضرت امیرالمؤمنین علیؑ است) نقل کرده‌اند؛ به استفاده از علم اهل بیت علیهم السلام مرتبط دانستم. در سر فصل دوم: شش مورد از مهمترین مفاهیم غلط جاری در سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ را مثال زدم و اجمالاً گفتم که مفهوم درست روبروی آن چیست؟ البته [تبیین] بخش نهم، یازدهم و سیزدهم [از این سند] نیاز به جلسات مجزا دارند. در مورد بخش اول، دوم و سوم از سند توسعه پایدار ۲۰۳۰ هم ما همین الان گزارش منتشر شده داریم و می‌توانید تفصیلاً به آنها رجوع کنید. [و در سر فصل سوم: نقطه آغاز خروج از منجلاب مفاهیم غلط را هم برجسته کردن علوم استنباطی و گسترش علم اهل بیت علیهم السلام می‌دانیم. استراتژی این است که اگر کسی می‌خواهد علوم اهل بیت علیهم السلام را در جامعه جا بیندازد، باید معلم شود، باید مدرسه راه بیندازد. اگر همه شما در هفته مجموعه‌ای از روایات را برای دیگران بخوانید و تعداد ما مثلاً هزار نفر شود؛ ما می‌توانیم بر این دستگاه کارشناسی موجود غلبه کنیم. و به تصریح روایت عبدالسلام هروی از امام رضا علیهما السلام، هیچ چیز دیگری جایگزین این نیست؛ ایشان راه احیای امر اهل بیت علیهم السلام را تعلیم و تعلم علوم اهل بیت علیهم السلام می‌داند.

و الحمد لله رب العالمین

۵۶. ارجاع پژوهشی: اَبِي عَن عَلِيٍّ عَنِ أَبِيهِ عَنِ الْقَيْطِينِيِّ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ زَيْدِ الرَّزَّادِ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا بَنِيَّ! إِعْرِفْ مَنَازِلَ الشَّيْعَةِ عَلَى قَدْرِ رَوَايَتِهِمْ وَ مَعْرِفَتِهِمْ فَإِنَّ الْمَعْرِفَةَ هِيَ الدَّرَائَةُ لِلرَّوَايَةِ وَ بِالذَّرَائَاتِ لِلرَّوَايَاتِ يَعْلُو الْمُؤْمِنُ إِلَى أَقْصَى دَرَجَاتِ الْإِيمَانِ. امام باقر علیه السلام: ای فرزندانم! مراتب فضل شیعیان را بر مبنای روایت و معرفت ایشان باز شناس، که همانا معرفت، درک روایت است و مؤمن با درک درست روایات به ستیغ درجات ایمان می‌رسد.

الأصول الستة عشر (اصل زيد زراد)، ص ۳۶ / معاني الأخبار، ص ۱
نوادير الأخبار فيما يتعلق بأصول الدين (اللفيض)، ص ۵۰ / بحار الأنوار، ج ۱، ص ۱۰۶

پیوست‌ها:

پیوست شماره ۱: مصادیق وجوب زکات

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ وَ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لَمَّا أَنْزَلَتْ آيَةُ الزَّكَاةِ خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا وَ أَنْزَلَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ ص مُتَادِيَهُ فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ فَفَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَيْهِمْ مِنَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ فَرَضَ الصَّدَقَةَ مِنَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْعَنَمِ وَ مِنَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الرَّيْبِ فَنَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ عَمَّا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ ...

امام صادق علیه السلام فرمود: آیه زکات: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَ تُزَكِّيهِمْ بِهَا» در ماه رمضان بر او - یعنی رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله جارچی خود را فرمود تا در جمع مردم جار زد که خدای تبارک و تعالی زکات را بر شما فرض نموده است، همان طور که نماز را بر شما فرض کرده است، پس خدا زکات را از طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند، و از گندم و جو و خرما و مویز بر شما فرض (واجب) فرموده است. این ندا را در ماه رمضان در جمع ایشان سر داد، و اشیاء دیگر را از زکات معاف داشت.

الکافی، ج ۳، ص ۴۹۷ / من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۳ (رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ)

الوافی، ج ۱۰، ص ۳۳ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۳

حَدَّثَنِي بِذَلِكَ حَمْرَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو نَصْرِ قَبْرِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ شَادَانَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَادَانَ عَنِ الرَّضَاعِ ع: أَنَّ الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةِ أَشْيَاءَ عَلَى الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الرَّيْبِ وَ الْإِبِلِ وَ الْبَقَرِ وَ الْعَنَمِ وَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ.

امام رضا (علیه السلام): همانا زکات بر نه چیز است: گندم و جو و خرما و کشمش و شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره.

عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۲۷

بحار الأنوار، ج ۱۰، ص ۳۶۰ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴

أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْقَمَّاطِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الزَّكَاةِ فَقَالَ: وَضَعَ رَسُولُ اللَّهِ ص الزَّكَاةَ عَلَى تِسْعَةٍ وَ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ الْحِنْطَةِ وَ الشَّعِيرِ وَ التَّمْرِ وَ الرَّيْبِ وَ الذَّهَبِ وَ الْفِضَّةِ وَ الْبَقَرِ وَ الْعَنَمِ وَ الْإِبِلِ.

ابو سعید قَمَّاط، از قول شخصی از امام صادق علیه السلام روایت نموده که از آن حضرت پرسیدند: چه چیز زکات دارد، فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله زکات را در نه چیز مقرر فرمود، و زکات در غیر از آنها را بخشود، که عبارتند از، گندم، جو، خرما، کشمش، طلا، نقره، گاو، گوسفند، و شتر.

معانی الأخبار، ص ۱۵۴ / النخصال، ج ۲، ص ۴۲۱

سند حصال: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ الْوَلِيدِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عُمَرَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُوسَى بْنِ عُمَرَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي سَعِيدِ الْقَمَّاطِ عَمَّنْ ذَكَرَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۳۰ / وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۴ / الوافی، ج ۱۰، ص ۶۰

پیوست شماره ۲: رفع فقر و محرومیت زدایی؛ یکی از علل اصلی وجوب زکات

و فِي رِوَايَةِ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى الصَّادِقِ ع قَالَ قَالَ الصَّادِقُ ع: إِنَّمَا وَضَعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِيَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَ مَعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا زَكَاةَ أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمٌ فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَ لَأَسْتَعْنَى بِمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ إِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَ لَا اخْتَأَجُوا وَ لَا جَاعُوا وَ لَا عَزُّوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ وَ حَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَنْ يَمْنَعَ رَحْمَتَهُ مَنْ مَنَعَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ وَ أَقْسَمُ بِالَّذِي خَلَقَ الْخَلْقَ وَ بَسَطَ الرِّزْقَ أَنَّهُ مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَ لَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَرْكِ الزَّكَاةِ وَ مَا صِيدَ صَيْدٌ فِي بَرٍّ وَ لَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَرْكِهِ التَّسْبِيحِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ إِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَسْحَاهُمْ كَقَاءً وَ أَسْحَى النَّاسِ مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ وَ لَمْ يَبْخُلْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِمَا افْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُمْ فِي مَالِهِ.

امام صادق (علیه السلام): همانا زکات برای آزمایش اغنیاء و کمک به فقرا وضع شده است، و اگر مردم زکات اموال خود را می‌پرداختند، هیچ مسلمانی فقیر و محتاج نمی‌ماند، و هر آینه با سهمی که خدای عز و جل برای او مقرر فرموده است مستغنی می‌شد، و مردم فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نشده‌اند مگر به علت گناهان اغنیاء. و خدای عز و جل را سزاوار است که رحمت خود را از کسی که حق خدا در مال خود را بازداشته است بازدارد و به آن کسی که خلق را آفریده و خوان رزق را گسترده است قسم یاد میکنم که هیچ مالی در خشکی یا دریا تباه نمیشود مگر به علت ترک تسبیح در آن روز، و همانا که محبوب‌ترین مردم نزد خدای عز و جل گشوده‌دست‌ترین ایشان است، و سخاوتمندترین مردم کسی است که زکات مالش را بپردازد، و در باره مؤمنین نسبت به حقی که خدای عز و جل برای ایشان در مال او مقرر داشته است بخل نوزد.

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۷

عوالي اللئالي، ج ۱، ص ۳۷۰

الوافي، ج ۱۰، ص ۵۰ / وسائل الشيعه، ج ۹، ص ۱۲

وَ كَتَبَ الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى ع إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانَ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْهِ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: أَنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوْتِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَّةِ الْفِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الرِّمَانَةِ وَ الْبُلُوِي كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى: «لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ» فِي أَمْوَالِكُمْ إِخْرَاجَ الزَّكَاةِ وَ فِي أَنْفُسِكُمْ تَوْطِينَ الْأَنْفُسِ عَلَى الصَّبْرِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ أَدَاءِ شُكْرِ نِعْمِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الطَّمَعِ فِي الرِّيَاةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الرِّيَاةِ وَ الرَّافَةِ وَ الرَّحْمَةِ لِأَهْلِ الضَّعْفِ وَ الْعَطْفِ عَلَى أَهْلِ الْمَسْكِنَةِ وَ الْحَثِّ لَهُمْ عَلَى الْمُوَاسَاةِ وَ تَقْوِيَةِ الْفُقَرَاءِ وَ الْمَعُونَةِ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ وَ هُوَ عِظَةٌ لِأَهْلِ الْغِنَى وَ عِبْرَةٌ لَهُمْ لِيَسْتَدِلُّوا عَلَى فُقَرَاءِ الْأَجْرَةِ بِهِمْ وَ مَا لَهُمْ مِنَ الْحَثِّ فِي ذَلِكَ عَلَى الشُّكْرِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لِمَا حَوَّلَهُمْ وَ أَعْطَاهُمْ وَ الدُّعَاءِ وَ التَّضَرُّعِ وَ الْخَوْفِ مِنْ أَنْ يَصِيرُوا مِثْلَهُمْ فِي أُمُورٍ كَثِيرَةٍ فِي أَدَاءِ الزَّكَاةِ وَ الصَّدَقَاتِ وَ صِلَةِ الْأَرْحَامِ وَ اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ.

محمد بن سنان نقل کرده که وی طی مکتوبی سؤالاتی از حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام نمود و آن جناب در نامه‌ای که جواب سؤالات وی را مرقوم فرموده بودند نوشتند:

علت وجوب زکات و سز آن این است که: زکات قوت و روزی فقراء بوده و اموال اغنیاء را حفظ و نگهداری می‌کند زیرا حق تعالی افراد صحیح و سالم را مکلف نموده که به افراد زمین گیر و افتاده رسیدگی کرده و به امور آنها قیام کنند چنانچه حق عز و جل فرموده: «لَتُبْلَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ» (حق تعالی شما را در اموال و نفوستان آزمایش می‌کند) مقصود این است که در اموالتان زکات را باید خارج کنید و در نفوستان آزمایش این است که: نفس را بر صبر نمودن آماده کنید و شکر نعمت‌های الهی را اداء کنید و

امید داشته باشید که این نعمت‌ها برایتان افزایش پیدا کند مشروط به این که شما نیز رأفت و مهربانی خود را نسبت به ضعفاء زیاد کرده و بر مسکینان عطف نشان دهید. و ایشان را بر مساوات و برابری تحریص و ترغیب کرده و تقویتشان نموده و بر امر دین کمکشان کنید، این زکات پند و موعظه است برای اغنیاء و عبرت است برای ایشان چه آنکه با دقت در آن می‌توانند منتقل به فقر و نیاز در آخرت بشوند در نتیجه آنچه موجب بر طرف کردن فقر در آخرت هست را فراهم کنند و نیز از اسرار دیگر زکات آنکه پرداختن آن اغنیاء را بر شکر خداوند تبارک و تعالی و اداری می‌کند زیرا پرداختن زکات به فقراء مستلزم آن است که پرداخت‌کننده متمکن باشد و این تمکن مالی را حق جل و علی به آنها داده و از لطف و عنایتش آنها را مشمول عطاهاى خود قرار داده است قهرا دارنده مال وقتی توجه به این نکته پیدا کند شکر منعم را بجا آورده و از او ممنون می‌گردد. و نیز دیگر از اسرار زکات آنکه اغنیاء وقتی موقعیت فقراء و نیاز آنها را می‌بینند به درگاه الهی دعاء و تضرع کرده و بیم و هراس خود را از این که همچون آنها بشوند اعلام کرده و از حضرتش می‌خواهند که مبتلا به سرنوشت آنها نشوند قهرا در اداء زکات و دادن صدقات و صله ارحام و انجام کارهای مثبت و پسندیده اهتمام بیشتری می‌ورزند.

من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۸ / عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۲، ص ۸۹
 سند عيون: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مَاجِلُوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ الدَّقَائِيَّ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَائِيَّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقِيَّ وَ الْحَسَنِ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ وَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ وَ عَلِيُّ بْنُ عَيْسَى الْمَجَازِي فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى الْبَرْقِيِّ بِالرِّيِّ رَحِمَهُمُ اللَّهُ قَالُوا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلُوَيْهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَاعِ كَتَبَ إِلَيْهِ فِي جَوَابِ مَسَائِلِهِ
 علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۹
 سند علل: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْعَبَّاسِ قَالَ حَدَّثَنَا الْقَاسِمُ بْنُ الرَّبِيعِ الصَّخَّافِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَاعِ كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ الْوَافِي، ج ۱۰، ص ۵۱ / بحار الأنوار، ج ۶، ص ۹۵ / وسائل الشريعة، ج ۹، ص ۱۲

عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِيهِ ص أَنَّهُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَى أَغْنِيَاءِ النَّاسِ فِي أَمْوَالِهِمْ قَدْرَ الَّذِي يَسْعُ فُقَرَاءَهُمْ فَإِنْ ضَاعَ الْفُقَرَاءُ أَوْ أُجْهِدُوا أَوْ أُغْرُوا فِيمَا يَمْنَعُ أَغْنِيَاءَهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ مُحَاسِبُهُمْ بِذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ مُعَذِّبُهُمْ بِهِ عَذَابًا أَلِيمًا.
 امام علی علیه السلام: خداوند در اموال توانگران به اندازه‌ای که تهیدستانشان را تأمین کند، حق و حقوق واجب کرد؛ بنابراین، اگر تهیدست نابود شود، یا در راه تأمین معاش خود جان بکند، یا برهنه بماند، علتش آن است که توانگر از پرداخت حق او دریغ کرده است. خداوند عزوجل در روز قیامت توانگران را برای این کار مؤاخذه می‌کند و آنان را عذابی دردناک می‌چشاند.

دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۲۴۵

بحار الأنوار، ج ۹۳، ص ۲۸ / مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ فَرِيضَةً لَا يُحْمَدُونَ إِلَّا بِأَدَائِهَا وَ هِيَ الزَّكَاةُ.

امام صادق (علیه السلام): همانا خداوند عزوجل برای فقراء در اموال اغنیاء یک فریضه ای را واجب کرد که هیچگاه مورد ستایش واقع نخواهند شد مگر با اداء کردن آن؛ که آن هم زکات است.

الکافی، ج ۳، ص ۵۵۶

وسائل الشريعة، ج ۹، ص ۱۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عَيْسَى عَنْ حَرِيْزِ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: ... إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسَعُهُمْ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ ذَلِكَ لَا يَسَعُهُمْ لَزَادَهُمْ إِيْتَهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ قَبْلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَكِنْ أُوْتُوا مِنْ مَنَعِ مَنْ مَنَعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا فَرَضَ اللَّهُ لَهُمْ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدَّوْا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا عَائِشِينَ بِخَيْرٍ.

امام صادق (علیه السلام): ... خدای عز و جل به آن اندازه که برای فقرا کافی باشد در اموال اغنیا مقرر داشته است، و اگر میدانست که این اندازه برای ایشان کفایت نمیکند، هر آینه آن را افزایش میداد، سختیها و تنگدستیهای که به فقرا میرسد ارتباطی به فریضه خدای عز و جل ندارد، بلکه این مشکلات از طرف کسانی به ایشان میرسد که از پرداختن حَقشان امتناع کرده‌اند، و اگر مردم حقوق فقرا را می‌پرداختند، هر آینه ایشان به خوبی و خوشی زندگی میکردند.

الكافي، ج ۳، ص ۴۹۶ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۶ (رَوَى حَرِيْزُ عَنْ زُرَّارَةَ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) / تهذيب الأحكام، ج ۴، ص ۴۹ الوافي، ج ۱۰، ص ۱۶۳ / وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۱۰

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ وَ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ جَلَّ وَ عَزَّ جَعَلَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْفِيهِمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَزَادَهُمْ وَ إِنَّمَا يُؤْتُونَ مِنْ مَنَعِ مَنْ مَنَعَهُمْ.

امام صادق (علیه السلام): همانا خداوند عز و جل برای فقراء در اموال اغنیا مقداری را قرار داده است که کفایت حال فقراء را می‌کند و اگر اینطور نبود مقدار واجب از اموال اغنیا را افزایش می‌داد و سختی زندگی فقراء از طرف کسانی (از اغنیا) است که از پرداختن حَقشان امتناع کرده‌اند.

الكافي، ج ۳، ص ۴۹۷ الوافي، ج ۱۰، ص ۴۸ / وسائل الشيعة، ج ۹، ص ۱۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ الزَّكَاةَ كَمَا فَرَضَ الصَّلَاةَ وَ لَوْ أَنَّ رَجُلًا حَمَلَ الزَّكَاةَ فَأَعْطَاهَا عَلَانِيَةً لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ عَيْبٌ وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِلْفُقَرَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ الْفُقَرَاءُ وَ لَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي فَرَضَ لَهُمْ لَا يَكْفِيهِمْ لَزَادَهُمْ وَ إِنَّمَا يُؤْتَى الْفُقَرَاءَ فِيمَا أُتُوا مِنْ مَنَعِ مَنْ مَنَعَهُمْ حُقُوقَهُمْ لَا مِنَ الْفَرِيضَةِ.

امام صادق (علیه السلام): خداوند متعال زکات را واجب کرد همان طوری که نماز را واجب نمود، حال اگر شخص زکات را حمل نمود و آن را علنی و آشکار به مستحقش داد بر او ملامتی نیست زیرا خداوند عز و جل در داریهای توانگران به اندازه‌ای که نیاز تهیدستان را تأمین کند، حقی واجب کرد. اگر خداوند می‌دانست که آنچه برای تهیدستان مقرر داشته، کفایتشان نمی‌کند، حقی بیشتری واجب می‌کرد. بنابراین، تهیدستی فقیران نه به سبب [کم بودن] این فریضه (زکات) است، بلکه از آن روست که توانگران حقوق آنان را نمی‌پردازند.

الكافي، ج ۳، ص ۴۹۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۳ (رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ) علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۶۸ (و فيه "عَتَبٌ" بدل "عَيْبٌ")

سند علل: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ عَنِ الْعَبَّاسِ بْنِ مَعْرُوفٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْرِيَّازَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُؤَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ بَحَارُ الْأَنْوَارِ، ج ۹۳، ص ۱۸

پیوست شماره ۳: اهمیت و تاکید فراوان بر مشاغل کشاورزی، باغداری و دامداری در

روایات

روایات کشاورزی و باغداری:

عَلَيْهِ بُنُّ مُحَمَّدٍ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ السَّرِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنِ يَزِيدَ بْنِ هَازُونَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: الرَّارِعُونَ كُنُوزُ الْأَنْبَاءِ يَزْرَعُونَ طَيِّبًا أَخْرَجَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَ هُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَحْسَنُ النَّاسِ مَقَامًا وَ أَقْرَبُهُمْ مَنْزِلَةً يُدْعَوْنَ الْمُبَارَكِينَ.

امام صادق علیه السلام: کشاورزان گنج‌های مردمند که آن پاکیزه را که خداوند برون آورده، کشت می‌کنند. ایشان در روز رستاخیز، نیک پایه‌ترین مردمند و از دیگران به خدا نزدیک‌تر و «مبارک» خوانده می‌شوند.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۱

الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۲

رُوي أَنَّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: الْكِيمِيَاءُ الْأَكْبَرُ الرَّاعِيَةُ.

امام صادق علیه السلام: بزرگترین کیمیا، کشاورزی است.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۱

وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۳۴ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۲ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۳، ص ۹۷۰

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ سَيَابَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ أَسْمَعُ قَوْمًا يَقُولُونَ إِنَّ الرَّاعِيَةَ مَكْرُوهَةٌ فَقَالَ لَهُ: ازْرَعُوا وَ اغْرِسُوا فَلَا وَ اللَّهُ مَا عَمِلَ النَّاسُ عَمَلًا أَحَلَّ وَ لَا أَطْيَبَ مِنْهُ وَ اللَّهُ لِيُزْرَعَنَّ الرَّزْعَ وَ لِيُغْرَسَنَّ التَّنْخَلُ (العرس) بَعْدَ خُرُوجِ الدَّجَالِ.

امام صادق علیه السلام در پاسخ به مردی که گفت: «شنیده‌ام که برخی می‌گویند: "کشاورزی ناپسند است"»: کشاورزی کنید و بکارید؛ که به خدا سوگند! مردم کاری حلال‌تر و پاک‌تر از کشاورزی انجام نمی‌دهند. و به خدای سوگند! پس از بیرون شدن دجال [در عصر ظهور امام موعود علیه السلام] فراوان کشاورزی می‌شود و بسی درخت خرما کاشته خواهد شد.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۰ / تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۲۳۶

الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۰ / وسائل الشيعة، ج ۱۹، ص ۳۳

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عُمَارَةَ عَنْ مِسْمَعٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَمَّا هَبِطَ بِأَدَمَ إِلَى الْأَرْضِ احْتِاجَ إِلَى الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ فَشَكَا ذَلِكَ إِلَى جِبْرِئِيلَ ع فَقَالَ لَهُ جِبْرِئِيلُ: يَا أَدَمُ كُنْ حَرَاتًا قَالَ فَعَلَّمَنِي دُعَاءً قَالَ قُلِ اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَوْتَةَ الدُّنْيَا وَ كُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَ الْبَسْنِي الْعَاقِبَةَ حَتَّى تَهْنِئَنِي الْمَعِيشَةُ.

امام صادق (علیه السلام): وقتی حضرت آدم به زمین هبوط کرد، به طعام (غذا) و نوشیدنی احتیاج پیدا کرد پس از این بابت به جبرئیل شکوه کرد. جبرئیل به او گفت: ای آدم! بسیار کشاورزی کن. آدم گفت: پس به من دعائی بیاموز. گفت بگو: اللَّهُمَّ اكْفِنِي مَوْتَةَ الدُّنْيَا وَ كُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ وَ الْبَسْنِي الْعَاقِبَةَ حَتَّى تَهْنِئَنِي الْمَعِيشَةُ.

الکافی، ج ۵، ص ۲۶۰

بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۲۱۷ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۹، ص ۳۷

رسول الله صلى الله عليه وآله: **لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْمَعِيشَةَ جَعَلَ الْبَرَكَاتِ فِي الْحَرْثِ وَالْغَنَمِ.**

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: آن گاه که خداوند اسباب گذران زندگی را آفرید، برکت‌ها را در کشت و دام قرار داد.
کنز العمال، ج ۴، ص ۳۲، ح ۹۳۵۴ نقلاً عن الدیلمی عن ابن مسعود

رسول الله صلى الله عليه وآله: **اطْلُبُوا الرِّزْقَ فِي حَبَايَا الْأَرْضِ.**

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: روزی را در نهان گاه‌های زمین بجوید.

کنز العمال، ج ۴، ص ۲۱، ح ۹۳۰۲

حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ يَحْيَى وَ قُتَيْبَةُ بْنُ سَعِيدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْعُبَيْرِيِّ (وَ اللَّفْظُ لِيَحْيَى) (قَالَ يَحْيَى: أَخْبَرَنَا. وَ قَالَ الْأَخْرَانِ: حَدَّثَنَا أَبُو عَوَانَةَ) عَنْ قَتَادَةَ، عَنْ أَنَسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: « مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا، أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ ».

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: هیچ مسلمانی نیست که نهالی بکارد یا زراعتی کشت کند و پرنده‌ای یا انسانی یا چهارپایی از آن بخورد، جز این که آن برایش صدقه به شمار می‌رود.

صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۱۸۹ / صحیح بخاری، ج ۴، ص ۱۵۲ / مسند أحمد بن حنبل، ج ۲۱، ص ۸۸ و ۱۸۰ / سنن الترمذی، ج ۳، ص ۴۳۰

شغل انبیاء:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ حُسَيْنِ بْنِ أَبِي السَّرِيِّ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ يَزِيدَ بْنِ هَارُونَ الْوَاسِطِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ عَنِ الْفَلَاحِينَ فَقَالَ هُمُ الزَّارِعُونَ كُنُوزَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الزَّرَاعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَّاعًا إِلَّا إِدْرِيسَ ع فَإِنَّهُ كَانَ حَيَّاطًا.

یزید بن هارون واسطی: از حضرت صادق علیه السلام درباره کشاورزان پرسیدم. فرمود: «آنان کشت‌کنندگان و گنج‌های خدا در زمینش هستند؛ و نزد خدا کاری دوست‌داشتنی‌تر از کشاورزی نیست؛ و خداوند هیچ پیامبری را بر نینگیخت جز آن که کشاورز بود، مگر حضرت ادريس عليه السلام که خياط بود.»

تهذيب الأحكام، ج ۶، ص ۳۸۴

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۲ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۳۳

روایات دامداری:

نگهداری گوسفند:

افزایش برکت:

الجعفریات بِإِسْنَادِهِ عَنْ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: «السَّاءُ الْمُنتَجَةُ بِرَكَّةً.»

الجعفریات (الأشعنیات)، ص ۱۶۰ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۸
 (سند بحار: أَضَلُّ مِنْ أَضُولِ أَصْحَابِنَا عَنْ هَازِرُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَصْبَاطٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ الصَّادِقِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ أَبِيهِ عَنِ النَّبِيِّ ص...)
 مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۲۲

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَكُونُ فِي مَنْزِلِهِ عَنَزٌ حُلُوبٌ إِلَّا قُدِّسَ أَهْلُ ذَلِكَ الْمَنْزِلِ وَبُورِكَ عَلَيْهِمْ، فَإِنْ كَانَتْ ائْتَيْنِ قُدُّسُوا وَبُورِكَ عَلَيْهِمْ فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّتَيْنِ. قَالَ: فَقَالَ بَعْضُ أَصْحَابِنَا: وَكَيْفَ يُقَدِّسُونَ؟ قَالَ: يَهْفُ عَلَيْهِمْ مَلَكٌ فِي كُلِّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ لَهُمْ قُدُّسْتُمْ وَبُورِكَ عَلَيْكُمْ وَطَبْتُمْ وَطَابَ إِدَامُكُمْ! قَالَ: قُلْتُ لَهُ: وَ مَا مَعْنَى قُدُّسْتُمْ؟ قَالَ: طَهَّرْتُمْ.»

محمد بن مارد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: «هیچ مؤمنی نیست که در خانه اش بز شیر دهی باشد مگر اینکه اهل آن سرا تقدیس می شوند و برای آنها برکت خواسته می شود، و اگر دو بز باشد روزی دو بار تقدیس و طلب برکت بر ایشان خواهد شد، مردی از شیعیان پرسید: چگونه تقدیس می شوند؟ فرمود: برای آنها دعا می شود که خداوند بشما برکت مرحمت فرماید و پاک شدید و خوراکتان نیز پاک گردید، گوید: عرض کردم: معنای «شما تقدیس شدید» چیست؟ فرمود: یعنی از هر ناپاکی پاک شدید.»

الكافي، ج ۶، ص ۵۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۰ / ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۱۷۰
 (سند ثواب الأعمال: حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ مَاجِلِيُّوهُ عَنْ عَمِّهِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي الْقَاسِمِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (أبا عبد الله)
 من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۴۹
 (سند الفقيه: رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَارِدٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ...)
 مكارم الأخلاق، ص ۱۲۹ (با کمی تغییر)
 الوافي، ج ۲۰، ص ۸۵۱ / وسائل الشيعة، ج ۱۱، ص ۵۱۰ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۲۷

وَ قَالَ ص: «الشَّاءُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ وَ السَّنُوْرُ فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ وَ الرَّحَى فِي الدَّارِ بَرَكَةٌ وَ الشَّاتَانِ بَرَكَتَانِ وَ الثَّلَاثَةُ بَرَكَاتٌ كَثِيْرَةٌ.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «گوسفند در خانه برکت است، گربه در خانه برکت است، آسیاب در خانه برکت است، یک گوسفند در خانه یک برکت است، دو گوسفند دو برکت، و سه گوسفند برکات بسیار است.»

مكارم الأخلاق (طبرسی)، ص ۱۲۹

برطرف شدن فقر:

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ (أبو عليٍّ الأشعريُّ) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنِ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «إِذَا اتَّخَذَ أَهْلُ بَيْتِ شَاةٍ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِرِزْقِهَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ اِزْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَّحَلَةً فَإِنْ اتَّخَذَ شَاتَيْنِ أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمَا وَ زَادَ فِي أَرْزَاقِهِمْ وَ اِزْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ مَرَّحَلَتَيْنِ فَإِنْ اتَّخَذُوا ثَلَاثَةً أَتَاهُمُ اللَّهُ بِأَرْزَاقِهِمْ وَ اِزْتَحَلَ الْفَقْرُ عَنْهُمْ رَأْسًا.»

امام صادق (علیه السلام): «اهل هر خانه که يك گوسفند نگاه دارند خداوند روزی آن گوسفند را بایشان بدهد و روزی ایشان را زیاد کند و فقر از ایشان يك مرحله دور شود و اگر دو گوسفند نگاه دارند خداوند روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاد کند و فقر از

ایشان دو مرحله دور میشود و اگر سه گوسفند نگاه دارند حقتعالی روزی آنها را برساند و روزی ایشان را زیاد گرداند و فقر از ایشان در اصل برطرف شود.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۲
 (سند محاسن: عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ عُبَيْسِ بْنِ هِشَامٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ)
 الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۰ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۰۹ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۳۲

مِنْ الْفِرْدَوْسِ عَنْ أَنَسٍ قَالَ: قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: «السَّاءُ فِي الْبَيْتِ تَرُدُّ سَبْعِينَ بَاباً مِنَ الْفَقْرِ.»
 پیامبر (صلی الله علیه وآله): «وجود گوسفند در خانه، هفتاد باب از فقر را رد می کند!»

مکارم الأخلاق (طبرسی)، ص ۱۲۹

شغل انبیاء:

علامه مجلسی (ره) از منابع اهل سنت چندین روایت نقل کرده است:

وَقَالَ ص: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا رَاعِي غَنَمٍ.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «خداوند هیچ پیامبری را به پیامبری مبعوث نکرد مگر اینکه شبان گوسفند بوده است.»

بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۱۷

و فِي الْحَدِيثِ أَنَّهُ ص قَالَ: «مَا مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا وَ قَدْ رَعَى الْغَنَمَ قَبْلَ: وَ أَنْتَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: وَ أَنَا.»

پیامبر (صلی الله علیه وآله): «هیچ پیامبری نبود مگر اینکه حتماً شبانی گوسفند می کرده. گفته شد: آیا شما هم؟ فرمود: بله؛ من هم.»

بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۱۷

نگهداری گاو و گوسفند:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: ص: لِعَمَّتِهِ مَا يَمْنَعُكَ أَنْ تَتَّخِذِي فِي بَيْتِكَ بَرَكَةً؟ قَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا الْبَرَكَةُ؟ قَالَ: سَاءَةٌ تُحَلَبُ؛ فَإِنَّهُ مَنْ كَانَ فِي دَارِهِ سَاءَةٌ تُحَلَبُ أَوْ نَعْجَةٌ أَوْ بَقْرَةٌ تُحَلَبُ فَبَرَكَاتٌ كُلُّهُنَّ.»

امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) به عمه خود فرمود: که چه چیز تو را مانع شده است که در خانه خود برکتی نگاه داری؟ گفت: یا رسول الله برکت چیست؟ فرمود: گوسفندی که شیر دهد. چرا که هرکه در خانه اش گوسفند شیرده یا بز شیرده یا گاو شیرده باشد، تمام اینها (باعث) برکت (خانه) هستند.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۵ / المحاسن، ج ۲، ص ۶۴۱
 (محاسن با دو سند این روایت را نقل کرده:
 سند اول: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ وَ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي جَمِيلَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ:
 سند دوم: وَ رَوَى أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ النَّضْرِ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مِثْلَهُ.)
 الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۱ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۱ و ج ۲۴، ص ۴۳۰

نگهداری مرغ و خروس:

عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْأَغْنِيَاءَ بِاتِّخَاذِ الْفُقَرَاءِ بِاتِّخَاذِ الدَّجَاجِ.»

جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که: «رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به ثروتمندان دستور دادند که گوسفند نگه دارند، و به فقراء دستور دادند که مرغ نگه دارند.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۶۰

بحار الأنوار، ج ۶۳، ص ۷۴ / مستدرک الوسائل، ج ۱۶، ص ۳۴۷

و قَالَ ص: «الدَّجَاجُ عَنَّمْ فَقَرَاءُ أُمَّتِي.»

پیامبر(صلی الله علیه وآله): «مرغ، گوسفند فقراء امّت من است.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۰

از منابع اهل سنت:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ، قَالَ: حَدَّثَنَا عُمَانُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: «أَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْأَغْنِيَاءَ بِاتِّخَاذِ الْفُقَرَاءِ بِاتِّخَاذِ الدَّجَاجِ.» وَ قَالَ: «عِنْدَ اتِّخَاذِ الْأَغْنِيَاءِ الدَّجَاجِ، يَأْذُنُ اللَّهُ بِهَلَاكِ الْقُرَى.»

سنن ابن ماجه- به نقل از ابو هريره- «خداوند به ثروتمندان دستور داد که گوسفند نگه دارند و تهیدستان را فرمان داد که مرغ نگه دارند.» و فرمود: «هرگاه ثروتمندان [فقط] مرغ نگه دارند [و گوسفند نگه ندارند] خداوند به از بین رفتن [اهل] روستاها [و شهرها] اذن می دهد.»

سنن ابن ماجه، ج ۳، ص ۶۱۶

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۰ (رَوَى ابْنُ مَاجَةَ مِنْ حَدِيثِ أَبِي هُرَيْرَةَ)

مرغ و خروس؛ باعث برکت و آبادی:

رسول الله صلى الله عليه وآله: «الشَّاءُ فِي الدَّارِ بَرَكَتٌ، وَ الدَّجَاجُ فِي الدَّارِ بَرَكَتٌ.»

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: «گوسفند در خانه، برکت است. مرغ در خانه، برکت است.»

کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۲۶، حدیث ۳۵۲۳۸ (نقلاً عن الحاكم في تاريخه عن أنس)

وَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ ع: «لَا يَتَّبِعِي أَنْ يَخْلُوَ بَيْتَ أَحَدِكُمْ مِنْ ثَلَاثَةٍ وَ هُنَّ عَمَّارُ الْبَيْتِ: الْهَيْزَةُ وَ الْحَمَامُ وَ الدَّيْكَ؛ فَإِنْ كَانَ مَعَ الدَّيْكَ أُنَيْسَةٌ فَلَا بَأْسَ بِدَلِكِ لِمَنْ لَا يَقْدِرُهَا.»

امام هفتم (علیه السلام) فرمود: «نشاید که خانه هر يك از شماها از سه چیز تهی باشد که آنها آباد کن خانه باشند: گربه و کبوتر و خروس و اگر با خروس مرغی هم باشد چه بهتر و گرنه باکی نیست بر کسی که توانا بر آن نیست.» (ترجمه کمره ای)

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۰

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۳

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الصَّفْوَانِيُّ فِي كِتَابِ التَّعْرِيفِ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ ع أَنَّهُ قَالَ: «لَا تَخْلُو الْبَيْتَ مِنْ ثَلَاثَةٍ وَهِيَ عِمَارَةُ الْبَيْتِ: الْهَرَّةُ وَالْحَمَامُ وَالذِّيكُ؛ وَإِنْ كَانَ مَعَ الذِّيكِ أُنَيْسَةٌ فَلَا بَأْسَ إِلَّا أَنْ يُكْرَهَ فَذَرُهَا.»

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «خانه از سه چیز خالی نباشد که آنها آبادی خانه هستند: گربه و کبوتر و خروس. و اگر با خروس مرغی هم باشد اشکالی ندارد مگر آنکه از کثیفی آن کراهت داشته باشید.»

مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۴

وَرَوَى ابْنُ عَدِيٍّ فِي كَامِلِهِ فِي تَرْجَمَةِ مَيْمُونِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع: «أَنَّهُ اشْتَكَى إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص الْوَحْشَةَ. فَقَالَ لَهُ: اتَّخِذْ زَوْجًا مِنْ حَمَامٍ تُؤْنِسُكَ وَتُوقِظُكَ لِلصَّلَاةِ بِتَغْرِيدِهَا وَاتَّخِذْ دِيكًا يُؤْنِسُكَ وَتُوقِظُكَ لِلصَّلَاةِ.»

ابن عدی می گوید: «علی بن ابیطالب (علیه السلام) از ترس به پیامبر (صلی الله علیه وآله) شکایت کرد! پیامبر (صلی الله علیه وآله) به او فرمود: یک زوج کبوتر بگیر که با تو انس بگیرد و با صدایش تو را برای نماز بیدار کند، و خروسی بگیر که با تو انس بگیرد و برای نماز بیدارت کند.»

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۷

فوائد نگهداری کبوتر در خانه:

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْوَشَاءِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ أَبِي سَلَمَةَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: «الْحَمَامُ طَيْرٌ مِنْ طَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ (ع) الَّتِي كَانُوا يُمَسْكُونُ فِي بُيُوتِهِمْ. وَ لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ فِيهِ حَمَامٌ إِلَّا لَمْ تُصَبْ أَهْلُ ذَلِكَ الْبَيْتِ آفَةٌ مِنَ الْجِنِّ؛ إِنَّ سَفَهَاءَ الْجِنِّ يَعْبَتُونَ فِي الْبَيْتِ فَيَعْبَتُونَ بِالْحَمَامِ وَ يَدْعُونَ النَّاسَ. قَالَ: فَرَأَيْتُ فِي بُيُوتِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع حَمَامًا لِابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ.»

ابو سلمه می گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کبوتر از پرندehای پیامبران است که در خانه خود نگه می داشتند و هیچ خانه ای نیست که در آن کبوتر باشد مگر آن که آفتی از جن باهل آن خانه نمی رسد؛ چون که همانا بی خردان جن در خانه بازی کنند و (اگر در خانه کبوتر باشد) با کبوتر بازی کنند و مردم (و اهل خانه) را رها می کنند.» (ابو سلمه) گفت: دیدم کبوتری از آن پسرش اسماعیل در خانه امام صادق (علیه السلام) بود.

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۷

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۶ / الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۵ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «لَيْسَ مِنْ بَيْتٍ نَبِيٍّ إِلَّا وَ فِيهِ حَمَامٌ لِأَنَّ سَفَهَاءَ الْجِنِّ يَعْبَتُونَ بِصِبْيَانِ الْبَيْتِ فَإِذَا كَانَ فِيهِ حَمَامٌ عَبَتُوا بِالْحَمَامِ وَ تَرَكُوا النَّاسَ.»

امام صادق (علیه السلام): «هیچ خانه ای از پیامبران نیست مگر آنکه در آن کبوتر است! چرا که بی خردان جن با بچه های خانه بازی می کنند پس اگر در آن خانه کبوتر باشد، آنها با کبوتر بازی خواهند کرد و انسان را رها می کنند.»

مکارم الأخلاق، ص ۱۳۱

بحار الأنوار، ج ۷۳، ص ۱۶۳

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ عَنْ أَبَانَ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «كَانَ فِي مَنْزِلِ رَسُولِ اللَّهِ ص زَوْجٌ حَمَامٍ أَحْمَرٌ.»

امام صادق (علیه السلام): «در منزل رسول الله (صلی الله علیه وآله) یک زوج کبوتر قرمز بود.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۸

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۷ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۲۰ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۰

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْجَامُورَانِيِّ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ صَنْدَلٍ عَنْ زَيْدِ الشَّحَامِ قَالَ: «ذُكِرَتِ الْحَمَامُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَقَالَ اتَّخِذُوهَا فِي مَنَازِلِكُمْ؛ فَإِنَّهَا مَحْبُوبَةٌ لِحَقَّتْهَا (ن ل: لحقها) دَعْوَةُ نُوحٍ ع وَهِيَ أَنَسُ شَيْءٍ فِي الْبُيُوتِ.»

زید شحام می گوید: «در نزد امام صادق (علیه السلام) یادی از کبوتر شد؛ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «در منازل خود کبوتر نگه دارید؛ همانا کبوتر محبوب و دوست داشتنی است، دعای حضرت نوح (ع) شامل او شده، و بهترین چیز برای آنس گرفتن در خانه است.»

الکافی، ج ۶، ص ۵۴۷

الوافی، ج ۲۰، ص ۸۵۵ / وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۱۷ / بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱۸

توصیه به نگهداری حیوانات خانگی:

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْجَمْبَرِيِّ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ ظَرِيفٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلْوَانَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: «كَانُوا يُحِبُّونَ أَنْ يَكُونَ فِي الْبَيْتِ الشَّيْءُ الدَّاجِنُ، مِثْلُ الْحَمَامِ أَوْ الدَّجَاجِ أَوْ الْعَتَاقِ، لِيُعْبَتَ بِهِ صِبْيَانُ الْجِنِّ وَلَا يُعْبَتُونَ بِصِبْيَانِهِمْ.» امام صادق (علیه السلام) از پدرش امام باقر (علیه السلام): «همیشه دوست داشتند که یک چیزی که با خانه الفت و انس بگیرد (حیوانات اهلی و خانگی) - مثل کبوتر و مرغ و بز - در خانه باشد؛ تا اینکه کودکان جن با آنها مشغول بازی شوند و با کودکان انسان بازی نکنند.»

قرب الإسناد، ص ۹۳

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۲۴ / بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۷۴ و ج ۶۲، ص ۱

الحسين بن بسطام في طب الأئمة، عن الْمُظَفَّرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ عَنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي يَحْيَى الْمَدَائِنِيِّ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: « أَكْثَرُوا مِنَ الدَّوَاجِنِ فِي بُيُوتِكُمْ تَتَسَاعَلُ بِهَا الشَّيَاطِينُ عَنْ صِبْيَانِكُمْ.» پیامبر (صلی الله علیه وآله): «زیاد در خانه هایتان حیوانات نگه دارید که شیطان با بازی با آنها از کودکان شما روی گردان شوند.»

طب الأئمة عليهم السلام (ابن بسطام)، ص ۱۱۲

وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۵۲۱ / هداية الأمة إلى أحكام الأئمة (ع) (شیخ حر عاملی)، ج ۵، ص ۱۲۸ / طب الأئمة عليهم السلام (للشیر)، ص ۲۸۹ /

بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۱ - ج ۹۲، ص ۱۵۰ - ج ۶۰، ص ۲۰۶ - ج ۶۰، ص ۷۴ / مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۵

راهکاری برای رفع فقر:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْغِفَارِيِّ عَنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: مَنْ أَعْيَنَهُ الْقُدْرَةُ فَلْيُرَبِّ صَغِيرًا.

عبدالله بن ابراهیم با واسطه از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس تقدیر و راه چاره اندیشی بر او بسته شده است به پرورش [حیوان و گیاه] کوچک روی آورد.»

الکافی، ج ۵، ص ۳۱۱

وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۵۷ / هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۶، ص ۱۱۶ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۸۷ / جامع

أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۳، ص ۲۷۶

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْمُثَنَّى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْمَعَاشُ أَوْ قَالَ الرُّزْقُ فَلْيُسْتَرِ صِغَارًا وَ لِيَبِيعْ كِبَارًا.

هشام بن مثنی از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند که فرمود: «هرکس زندگی (یا روزی) بر او سخت گردد، پس [حیوان و گیاه] کوچک بخرد و آنان را بزرگ کند و بفروشد.»

الکافی، ج ۵، ص ۳۰۵

هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۶، ص ۱۱۶ / وسائل الشیعة، ج ۱۷، ص ۴۵۷ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۸۷ / جامع

أحادیث الشیعة (للبروجردی)، ج ۲۳، ص ۲۷۶

پیوست شماره ۴: مصادر و روایات معاضدِ «انا مدینه العلم و علیُّ بائها»

وَ بِإِسْنَادِهِ [أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ الْأَجَلُّ الْعَالِمُ الرَّاهِدُ الرَّاشِدُ أَمِينُ الدِّينِ نَقَّةُ الْإِسْلَامِ أَمِينُ الرُّؤَسَاءِ أَبُو عَلِيٍّ الْفَضْلُ بْنُ الْحَسَنِ الطَّبْرِسِيُّ] أَطَالَ اللَّهُ بَقَاءَهُ فِي يَوْمِ الْخَمِيسِ غُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْأَصَمِّ رَجَبِ سَنَةِ تِسْعٍ وَعِشْرِينَ وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا الشَّيْخُ الْإِمَامُ السَّعِيدُ الرَّاهِدُ أَبُو الْفَتْحِ عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ هَوَازِنَ الْقُسَيْرِيُّ أَدَامَ اللَّهُ عَزَّهُ قِرَاءَةً عَلَيْهِ دَاخِلَ الْفُبَّةِ النَّبِيِّ فِيهَا قَبُرَ الرَّضَاعُ غُرَّةَ شَهْرِ اللَّهِ الْمُبَارَكِ رَمَضَانَ سَنَةِ إِحْدَى وَ خَمْسِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي الشَّيْخُ الْجَلِيلُ الْعَالِمُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ الْحَاتِمِيُّ الرَّوْرَنِيُّ قِرَاءَةً عَلَيْهِ سَنَةِ اثْنَتَيْنِ وَ خَمْسِينَ وَ أَرْبَعِمِائَةٍ قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو الْحَسَنِ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ هَارُونَ الرَّوْرَنِيُّ بِهَا قَالَ أَخْبَرَنَا أَبُو بَكْرٍ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ حَفَدَةَ الْعَبَّاسِ بْنِ حَمْرَةَ التَّيْسَابُورِيِّ سَنَةِ سَبْعٍ وَ ثَلَاثِينَ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو الْقَاسِمِ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عَامِرِ الطَّائِيَّ بِالْبَصْرَةِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي سَنَةَ سِتِّينَ وَ مِائَتَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَاعُ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ تِسْعِينَ وَ مِائَةٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي أَبِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع [قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيُّ بَائِهَا - فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.

علی بن ابی طالب (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله): من شهر علم هستم و علی در آن است؛ پس هر کس اراده علم دارد پس باید از درب آن وارد شود.

صحیفة الإمام الرضا علیه السلام، ص: ۵۸

فُرَاتٌ قَالَ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ مُعْنَعًا عَنْ عَلِيٍّ [بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع] قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ [وَ بَارَكَ] يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ [تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ هَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَانًا وَ رَضُوا بِكَ إِمَامًا فَطُوبَى لِمَنْ أَحَبَّكَ وَ صَدَقَ فِيكَ وَ وَيْلَ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَبَ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ الْعِلْمُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ مَنْ أَحَبَّكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي [فَارَ] وَ مَنْ أَبْغَضَكَ هَلَكَ [فَقَدْ أَبْغَضَنِي] يَا عَلِيُّ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ أَنْتَ بَائِهَا وَ هَلْ تَوْتِي [يُوتِي] الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَائِهَا؟! ...

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی! همانا خداوند تبارک و تعالی محبت مساکین و بیچارگان و مستضعفین در زمین را به تو عطا کرد؛ پس تو به برادری آنان راضی شدی و آنان نیز به امامت تو راضی شدند. پس خوشا به حال و کسی که تو را دوست دارد و تو را تصدیق کند، و وای به حال کسی که نسبت به تو بغض و دشمنی دارد تکذیب کند. یا علی! تو عل و نشانه این امت هستی، هر کس و را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس تو را دشمن بدارد مرا دشمن داشته. یا علی! من شهر علم هستم و تو درب آن هستی و آیا کسی به این شهر وارد می شود مگر از درب آن؟! ...

تفسیر فرات الکوفی، ص ۲۶۵

حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَخِي طَاهِرٍ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عَلِيٍّ قَالَ حَدَّثَنِي عَبْدُ الْعَزِيزِ بْنُ الْخَطَّابِ عَنْ عَلِيٍّ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ عَنْ سَلْمَةَ بْنِ شَيْثٍ عَنِ الْقَعْبَتِيِّ [الْقَعْبَتِيُّ] عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْلِمِ الْمَدِينِيِّ عَنْ أَبِي الْأَسْوَدِ عَنْ أُمِّ سَلْمَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ هَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَانًا وَ رَضُوا بِكَ إِمَامًا فَطُوبَى لَكَ وَ لِمَنْ أَحَبَّكَ وَ صَدَقَ فِيكَ وَ وَيْلَ لِمَنْ أَبْغَضَكَ وَ كَذَبَ عَلَيْكَ يَا عَلِيُّ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ أَنْتَ بَائِهَا وَ مَا تَوْتِي الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ الْبَابِ ...

ام سلمه نقل می کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به علی (علیه السلام) فرمود: یا علی! همانا خداوند تبارک و تعالی محبت مساکین و بیچارگان و مستضعفین در زمین را به تو عطا کرد؛ پس تو به برادری آنان راضی شدی و آنان نیز به امامت تو راضی شدند. پس خوشا به حال و کسی که تو را دوست دارد و تو را تصدیق کند، و وای به حال کسی که نسبت به تو بغض و دشمنی دارد تکذیب کند. یا علی! من شهر علم هستم و تو درب آن هستی و وارد شدن به این شهر امکان ندارد مگر از درب آن...
کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثني عشر (خزاز رازی)، ص ۱۸۴
بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۳۴۷

عن الرضا (عليه السلام): رَسُولُ اللَّهِ ص يَقُولُ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ أَرَادَ مَدِينَةَ الْعِلْمِ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا.

امام رضا (علیه السلام): رسول خدا (صلی الله علیه و آله): من شهر علم هستم و علی درب آن است؛ پس هر کس اراده شهر علم را دارد پس باید از درب آن وارد شود.

تحف العقول، ص ۴۳۰

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ السَّنَانِيَّ وَ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الدَّقَّاقُ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ إِبرَاهِيمَ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ هِشَامِ الْمُكْتَبِ وَ عَلِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْوَرَّاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ قَالُوا حَدَّثَنَا أَبُو الْعَبَّاسِ أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بُهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا سُلَيْمَانُ بْنُ حَكِيمٍ عَنْ ثَوْرِ بْنِ يَزِيدٍ عَنْ مَكْحُولٍ قَالَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ ع لَقَدْ عَلِمَ الْمُسْتَحْفَظُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ ص أَنَّهُ لَيْسَ فِيهِمْ رَجُلٌ لَهُ مَنْقَبَةٌ إِلَّا وَ قَدْ شَرِكْتُهُ فِيهَا وَ فَضَلْتُهُ وَ لِي سَبْعُونَ مَنْقَبَةً لَمْ يَشْرِكْنِي فِيهَا أَحَدٌ مِنْهُمْ قُلْتُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ فَأَخْبَرَنِي بِهِنَّ فَقَالَ: ... وَ أَمَّا الثَّامِنَةُ: فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلَيْهِ عَلَّمَنِي أَلْفَ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتَحُ كُلُّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ، وَ لَمْ يَعْلَمْ ذَلِكَ أَحَدًا غَيْرِي... وَ أَمَّا الْحَادِيَةَ وَ الْعِشْرُونَ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا وَ لَنْ تُدْخَلَ الْمَدِينَةَ إِلَّا مِنْ بَابِهَا...

مکحول میگوید: امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) فرمود: همانا از اصحاب پیامبر کسانی که در مقام حفظ هستند می دانند که هیچکس در میان آنان منقبت و فضیلتی ندارد مگر اینکه من با و در آن فضیلت شریک هستم و بر او برتری هم دارم، و برای من هفتاد منقبت و فضیلت است که هیچکس در آن با من شریک نیست. گفتم: یا امیرالمومنین! پس از آنها مرا با خبر کن. پس فرمود: ... و اما هشتمین از آن فضائل: همانا رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هزار درب علم به من تعلیم داد که از هر دربی هزار درب دیگر گشوده می شد و این علوم را به احدی غیر از من تعلیم نداد... و اما بیست و یکمین آن فضائل: پس همان من از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می فرمود: من شهر علم و دانش هستم و علی درب آن است و هرگز داخل این شهر نمی شوند مگر از درب آن...

الخصال، ج ۲، ص ۵۷۴

بحار الأنوار، ج ۳۱، ص ۴۳۲

وَ عَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُورِيَةَ الْجَنْدِيسَابُورِيِّ مِنْ أَصْلِ كِتَابِهِ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ مَنصُورِ التَّرْجَمَانِيِّ، قَالَ: أَخْبَرَنِي الْحَسَنُ بْنُ عَنبَسَةَ التَّهْشَلِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا شَرِيكُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ النَّخَعِيِّ الْقَاضِي، عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ، عَنْ عَمْرِو بْنِ مَيْمُونِ الْأَوْدِيِّ، أَنَّهُ ذَكَرَ عِنْدَهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) فَقَالَ: ... وَ هُوَ عَيْبَةُ عِلْمِ رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَنْ قَالَ لَهُ النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ، وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْمَدِينَةَ مِنْ بَابِهَا» كَمَا أَمَرَ اللَّهُ فَقَالَ: «وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا» ...

در نزد عمرو بن میمون اودی ذکر علی بن ابی طالب (علیه السلام) به میان آمد؛ پس وی گفت: ... و او صندوقچه علم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود، و او کسی بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مورد او فرمود: من شهر علم و دانش هستم و علی در آن است، پس هر کس اراده علم دارد، پس باید از درب آن وارد شود؛ همانطور که خداوند دستور فرمود: باید از درب خانه‌ها وارد شوید ...

الأمالی (للطوسی)، ص ۵۵۹

بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۷۰

وَعَنْهُ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ، عَنْ أَبِي الْمُفَضَّلِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ عِمْسَى بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَرَاءِ الْكَبِيرِ بِعَدَادِ سَنَةِ عَشْرٍ وَ ثَلَاثِمِائَةٍ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرٍو بْنِ مُسْلِمِ اللَّاحِقِيِّ الصَّفَّارِ بِالْبَصْرَةِ سَنَةَ أَرْبَعٍ وَ أَرْبَعِينَ وَ مِائَتَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرَّضَا، عَنْ أَبِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ أَبِيهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، قَالَ: قَالَ لِي النَّبِيُّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ أَنْتَ الْبَابُ، وَ كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَصِلُ إِلَى الْمَدِينَةِ لَا مِنْ قِبَلِ الْبَابِ!»

امیرالمومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام): پیامبر (صلی الله علیه و آله) به من فرمود: من شهر علم هستم و تو درب آن هستی، و دروغ می‌گوید هر آن کسی که گمان کند که به شهر علم خواهد رسید بدون درب آن!

الأمالی (للطوسی)، ص ۵۷۸

بحار الأنوار، ج ۴۰، ص ۲۰۷

أَخْبَرَنَا السَّيِّدُ أَبُو الْحَسَنِ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ الْحَسَنِيِّ رَحِمَهُ اللَّهُ قِرَاءَةً قَالَ: أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ سَعْدِ الْهَرَوِيِّ وَ كَتَبَهُ لِي بِخَطِّهِ قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الشَّامِيِّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو الصَّلْتِ الْهَرَوِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو مُعَاوِيَةَ عَنِ الْأَعْمَشِ عَنِ مُجَاهِدِ عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِ الْبَابَ.

ابن عباس از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کند که فرمود: من شهر علم هستم و علی در آن است، پس هر کس اراده علم دارد پس باید به سمت درب برود.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل (حسکانی)، ج ۱، ص ۱۰۴

[أَخْبَرَنَا عَقِيلُ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدِ اللَّهِ، قَالَ] حَدَّثَنَا عَبْدُ وَوَيْهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بِشِيرَازٍ قَالَ: حَدَّثَنَا سَهْلُ بْنُ نُوحِ بْنِ يَحْيَى أَبُو الْحَسَنِ الْحُبَابِيُّ قَالَ: حَدَّثَنَا يُونُسُ بْنُ مُوسَى الْقَطَّانُ عَنْ وَكَيْعٍ، عَنْ سُفْيَانَ، عَنْ السُّدِّيِّ عَنِ الْحَارِثِ قَالَ سَأَلْتُ عَلِيًّا عَنْ هَذِهِ الْآيَةِ: فَسُئِلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ فَقَالَ: وَ اللَّهُ إِنَّا لَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ، نَحْنُ أَهْلُ الْعِلْمِ، وَ نَحْنُ مَعْدِنُ التَّأْوِيلِ وَ التَّنْزِيلِ، وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهِ مِنْ بَابِهِ.»

حارث می‌گوید: از علی (علیه السلام) در مورد این آیه سوال کردم: «(فَسُئِلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ)» (از اهل ذکر سوال کنید) پس فرمود: به خدا سوگند! که ما اهل ذکر هستیم، ما اهل علم و دانش هستیم، ما معدن تاویل و تنزیل هستیم، و همانا از رسول خدا (صلی الله

علیه و آله) شنیدم که می فرمود: من شهر علم هستم و علیّ درب آن است، پس هر کس اراده علم دارد پس باید از دربش وارد شود.

شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ج ١، ص: ٤٣٢

حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُوسَى، حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُمَرَ بْنِ الرَّومِيِّ حَدَّثَنَا شَرِيكٌ، عَنْ سَلَمَةَ بْنِ كَهَيْلٍ، عَنْ سُؤَيْدِ بْنِ عَقْلَةَ، عَنْ الصُّنَابِيَّ عَنْ عَلِيٍّ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «أَنَا دَارُ الْحِكْمَةِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا».

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): من خانه حکمت هستم و علیّ درب آن است.

سنن الترمذی، ج ٥، ص ٤٥٥

قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»

قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ع: وَبِهَذِهِ الْأَمَةِ وَغَيْرِهَا اخْتَجَّ عَلِيُّ ع يَوْمَ الشُّورَى عَلَى مَنْ دَافَعَهُ عَنْ حَقِّهِ، وَأَخْرَهُ عَنْ رُثْبَتِهِ، وَإِنْ كَانَ مَا صَرَّ الدَّافِعُ إِلَّا نَفْسَهُ، فَإِنَّ عَلِيًّا ع كَالْكَعْبَةِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ بِاسْتِقْبَالِهَا لِلصَّلَاةِ. جَعَلَهُ اللَّهُ لِيُؤْتَمَّ بِهِ فِي أُمُورِ الدِّينِ وَالدُّنْيَا، كَمَا لَا يَنْقُضُ الْكَعْبَةَ، وَلَا يَفْدَحُ فِي شَيْءٍ مِنْ شَرَفِهَا وَفَضْلِهَا - إِنْ وُلِيَ عَنْهَا الْكَافِرُونَ، فَكَذَلِكَ لَا يَفْدَحُ فِي عَلِيٍّ ع إِنْ أَخْرَهُ عَنْ حَقِّهِ - الْمُقْصِرُونَ، وَدَافَعَهُ عَنْ وَاجِبِهِ الظَّالِمُونَ.

قَالَ لَهُمْ عَلِيُّ ع يَوْمَ الشُّورَى فِي بَعْضِ مَقَالِهِ بَعْدَ أَنْ أَعْدَرَ وَانْدَرَ، وَبَالَغَ وَأَوْضَحَ: مَعَاشِرَ الْأَوْلِيَاءِ الْعُقَلَاءِ أَلَمْ يَنْهَ اللَّهُ تَعَالَى - عَنْ أَنْ تَجْعَلُوا لَهُ أُنْدَادًا مِمَّنْ لَا يَعْقِلُ وَلَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يَفْهَمُ أَوْ لَمْ يَجْعَلْنِي رَسُولَ اللَّهِ ص لِدِينِكُمْ وَدُنْيَاكُمْ قَوْمًا أَوْ لَمْ يَجْعَلْ إِلَيَّ مَفْرَعَكُمْ أَوْ لَمْ يَقُلْ لَكُمْ: عَلِيُّ مَعَ الْحَقِّ وَالْحَقُّ مَعَهُ أَوْ لَمْ يَقُلْ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا أَوْ لَا تَرُونِي غَنِيًّا عَنْ عُلُومِكُمْ - وَأَنْتُمْ إِلَى عِلْمِي مُحْتَاجُونَ أَفَأَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى الْعُلَمَاءَ بِاتِّبَاعِ مَنْ لَا يَعْلَمُ، أَمْ مَنْ لَا يَعْلَمُ بِاتِّبَاعِ مَنْ يَعْلَمُ يَا أَيُّهَا النَّاسُ لِمَ تَتَّقُضُونَ تَرْتِيبَ الْأَلْبَابِ لِمَ تُوَخَّزُونَ مَنْ قَدَّمَهُ الْكَرِيمُ الْوَهَّابُ ...

التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص ٦٢٨

بحار الأنوار، ج ٣٦، ص ١١١ / البرهان في تفسير القرآن، ج ١، ص ٥٨٨

پیوست شماره ۵: مرجعیت علمی اهل بیت:

كِتَابُ الْمُحْتَضَرِ لِلْحَسَنِ بْنِ سُلَيْمَانَ، نَقْلًا مِنْ كِتَابِ السَّيِّدِ حَسَنِ بْنِ كَبْشٍ بِإِسْنَادِهِ إِلَى يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ - لِيُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ -: يَا يُونُسُ، إِذَا أَرَدْتَ الْعِلْمَ الصَّحِيحَ فَخُذْ عَنِ أَهْلِ الْبَيْتِ، فَإِنَّا رُؤِينَاهُ، وَوَاتِينَا شَرْحَ الْحِكْمَةِ وَفَصَلَ الْخِطَابِ، إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَانَا وَآتَانَا مَا لَمْ يُوْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ.

امام صادق علیه السلام - به یونس بن ظبیان - : ای یونس! هر گاه طالب علم صحیح بودی، آن را از اهل بیت اخذ کن؛ زیرا آن برای ما روایت شده است و به ما شرح حکمت و سخن فصل داده‌اند. خداوند، ما را برگزیده است و به ما آن داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است.

مصادر اصلی: مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۲۲ / کفایة الأثر (خزاز رازی)، ص ۲۵۴

سند کفایة الاثر: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُوسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ هَمَّامٍ عَنِ الْجَمْرِيِّ عَنْ عُمَرَ بْنِ عَلِيٍّ الْعَبْدِيِّ عَنْ دَاوُدَ بْنِ كَثِيرٍ الرَّقِّيِّ عَنْ يُونُسَ بْنِ ظَبْيَانَ

منابع دیگر: بحار الأنوار ج ۲۶ ص ۱۵۸

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي زَاهِرٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَقُولُ: نَحْنُ وَوَلَاةُ أَمْرِ اللَّهِ وَخَزَنَةُ عِلْمِ اللَّهِ وَغَيْبَةُ وَحْيِ اللَّهِ.

امام صادق علیه السلام: ما، والیان امر الهی و خزینه‌های دانش خدا و ظرف وحی خداوندیم.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۱۹۲ / بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۰۵

سند بصائر: حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُوسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مُوسَى الْخَشَّابِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَسَّانَ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ كَثِيرٍ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

منابع دیگر: الوافی، ج ۳، ص ۵۰۴ / بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۰۶

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى اسْتِكْمَالَ حُجَّتِي عَلَى الْأَشْقِيَاءِ مِنْ أُمَّتِكَ مِنْ تَرَكَ وَوَلَايَةَ عَلِيٍّ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِكَ فَإِنَّ فِيهِمْ سُنَّتَكَ وَ سُنَّةَ الْأَنْبِيَاءِ مِنْ قَبْلِكَ وَ هُمْ خُرَّانِي عَلَى عِلْمِي مِنْ بَعْدِكَ ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص لَقَدْ أَنْبَأَنِي جَبْرَيْلُ ع بِأَسْمَائِهِمْ وَأَسْمَاءِ آبَائِهِمْ.

امام باقر (علیه السلام) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله): خداوند تبارک و تعالی فرمود: ... همانا آنان (اهلبیت) علیهم السلام)) بعد از تو گنجینه‌های من بر علم من هستند...

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۱۹۳ / بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، ج ۱، ص ۱۰۵

سند بصائر: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ عَنِ النَّضْرِ بْنِ شُعَيْبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفُضَيْلِ عَنْ أَبِي حَمْرَةَ الشَّمَالِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ يَقُولُ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ

منابع دیگر: الوافی، ج ۳، ص ۵۰۵ / بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۰۷

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي نَجْرَانَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى وَ عُبَيْدَةَ بْنِ بَشِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: ابْتِدَاءً مِنْهُ وَ اللَّهُ إِنِّي لِأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ مَا فِي النَّارِ وَ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ إِلَى أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ. ثُمَّ قَالَ: أَعْلَمُهُ مِنْ كِتَابِ [اللَّهِ] أَنْظُرُ إِلَيْهِ هَكَذَا ثُمَّ بَسَطَ كَفَّيْهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ (فِيهِ تَبَيَّنَ كُلُّ شَيْءٍ) «.

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «بدون تردید، من به آنچه در آسمان‌ها و زمین و بهشت و دوزخ است و آنچه تحقق یافته و تحقق خواهد یافت، آگاهی دارم». ایشان سپس لحظه‌ای درنگ کرد و چون دید این سخن بر شنوندگان گران آمده، فرمود: «این را من از کتاب خداوند عز و جل یافته‌ام؛ چرا که خداوند می‌فرماید: در آن، بیان هر چیزی هست».

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۲۶۱ / بصائر الدرجات، ص ۱۲۸ / المناقب (لابن شهر آشوب)، ج ۴، ص ۲۴۹ / تأویل الآیات الظاهرة، ج ۱، ص ۱۰۳
منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۱۱۱

رُوي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيِّ عَنِ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: ... أَوْلَيْسَ اللَّهُ يَقُولُ: «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَيَّ غَيْبَهُ أَحَدًا* إِلَّا مَنْ أَرْتَضِي مِنْ رَسُولٍ؟ فَرَسُولُ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ مُرْتَضَى، وَنَحْنُ وَرَثَةُ ذَلِكَ الرَّسُولِ الَّذِي أَطْلَعَهُ اللَّهُ عَلَيَّ مَا شَاءَ مِنْ غَيْبِهِ، فَعَلِمْنَا مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ....»

امام رضا (علیه السلام): آیا چنین نیست که خداوند می‌فرماید: «او دانای غیب است و غیب خود را بر هیچ کس آشکار نمی‌سازد، مگر بر آن پیامبری که از او خشنود باشد»؟ و پیامبر (صلی الله علیه و آله) است که خدا از او خشنود است و ما وارثان آن پیامبریم؛ همو که خداوند، او را بر هر چه از غیبش خواست، آگاه نمود و او ما را از آنچه بوده و تا روز رستاخیز خواهد بود، آگاه کرده است.
مصادر اصلی: الخرائج والجرائح، ج ۱، ص ۳۴۳ / الثاقب فی المناقب (ابن حمزه طوسی)، ص ۱۸۹
منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۴۹، ص ۱۷۵

أَبُو مُحَمَّدٍ الْقَاسِمُ بْنُ الْعَلَاءِ رَحِمَهُ اللَّهُ رَفَعَهُ عَنْ عَبْدِ الْعَزِيزِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنِ الرِّضَا (عَلَيْهِ السَّلَامُ): ... إِنَّ الْأَنْبِيَاءَ وَالْأَنْبِيَاءَ - صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ - يُوقَفُهُمُ اللَّهُ وَيُؤْتِيهِمْ مِنْ مَخْزُونِ عِلْمِهِ وَحُكْمِهِ مَا لَا يُؤْتِيهِ غَيْرُهُمْ، فَيَكُونُ عَلَيْهِمْ فَوْقَ عِلْمِ أَهْلِ الزَّمَانِ فِي قَوْلِهِ تَعَالَى: «أَمْ مَنْ يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ أَحَقُّ أَنْ يُتَّبَعَ أَمْ لَا يَهْدِي إِلَّا أَنْ يُهْدَى فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ» وَقَوْلِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا» وَقَوْلِهِ فِي طَالُوتَ: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مَلِكُهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ».

امام رضا علیه السلام: خداوند، پیامبران و امامان را - که دروهای خداوند بر آنان باد - توفیق داده است و به ایشان از گنجینه علم و حکمت خود، آن بخشیده که به دیگران نبخشیده است. علم آنها، برتر از علم مردم زمانشان است در این سخن خداوند متعال: «آیا آن که به سوی حق هدایت می‌کند، برای پیروی، سزاوارتر است یا کسی که هدایت نمی‌کند، مگر خود هدایت شود؟ پس شما را چه شده؟! چگونه داور می‌کنید» و این سخن خدای - تبارک و تعالی - : «هر که حکمت داده شده، خیر فراوانی بدو داده شده است» و سخن او در باره طالوت: «خداوند، او را بر شما برگزیده و به دانش و توان او افزوده است و خداوند، ملک خویش را به هر کس بخواهد، می‌بخشد و خداوند، گشایشگری داناست».

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۲۰۲ / کمال الدین، ص ۶۸۰ / عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۲۱ / الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۴۵
منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۱۲۷

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ قَالَ حَدَّثَنَا يَحْيَى بْنُ عَبْدِ اللَّهِ أَبِي الْحَسَنِ صَاحِبُ الدَّيْلَمِ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ ع يَقُولُ - وَعِنْدَهُ أَنْاسٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ - عَجَبًا لِلنَّاسِ أَنَّهُمْ أَخَذُوا عِلْمَهُمْ كُلَّهُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ص فَعَمَلُوا بِهِ وَاهْتَدَوْا وَيَرَوْنَ أَنَّ أَهْلَ بَيْتِهِ لَمْ يَأْخُذُوا عِلْمَهُ وَنَحْنُ أَهْلُ بَيْتِهِ وَدُرِّيَّتُهُ، فِي مَنَازِلِنَا نَزَلَ الْوَحْيُ وَمِنْ عِنْدِنَا خَرَجَ الْعِلْمُ إِلَيْهِمْ. أَمْ فَيَرَوْنَ أَنَّهُمْ عَلِمُوا وَاهْتَدَوْا وَجَهَلْنَا نَحْنُ وَضَلَلْنَا إِنَّ هَذَا لَمَحَالٌ.

امام صادق علیه السلام - در حالی که گروهی از کوفیان در خدمت ایشان بودند - شگفت از مردمی که همه علم خود را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ستاندند و بدان عمل کردند و ره یافتند و گمان می کنند اهل بیت او علمش را نستانده اند، در حالی که ما، اهل بیت و ذریه او هستیم؛ وحی در خانه های ما فرود آمد و علم از سوی ما به سوی مردم صادر شد. آیا آنها گمان می کنند که آگاه شده اند و ره یافته اند؛ ولی ما نمی دانیم و گمراه شده ایم؟! این، محال است.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۳۹۸ / الأمالی (للمفید)، ص ۱۲۲ / بصائر الدرجات، ص ۱۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲، ص ۱۷۹

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْقَاسِمِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عِلْمَيْنِ عِلْمًا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَ أَنْبِيَآءُهُ وَ رُسُلُهُ فَمَا أَظْهَرَ عَلَيْهِ مَلَائِكَتُهُ وَ رُسُلُهُ وَ أَنْبِيَآءُهُ فَقَدْ عَلِمْنَاهُ وَ عِلْمًا اسْتَأْتَرَ بِهِ فَإِذَا بَدَأَ لِلَّهِ فِي شَيْءٍ مِنْهُ أَعْلَمْنَا ذَلِكَ وَ عَرَضَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِنَا.

امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی را دو گونه علم است: ۱- علمی که ملائکه و پیغمبران و رسولانش را بآن آگاه ساخته، پس آنچه ملائکه و رسولان و پیغمبرانش را بآن آگاه ساخته ما هم میدانیم. ۲- علمی که بخودش اختصاص داده؛ پس هر گاه در موضوعی از آن علم بدا حاصل شود، ما را آگاه سازد و بر امامان پیش از ما هم عرضه شود.

مصادر اصلی: الکافی، ج ۱، ص ۲۵۵ / مسائل علی بن جعفر، ص ۳۲۶

سند مسائل علی بن جعفر: عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُوسَى بْنِ الْقَاسِمِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنِ الْعُمَرِيِّ بْنِ عَلِيِّ جَمِيعاً

عَنْ عَلِيِّ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَخِيهِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم، ج ۱، ص ۳۹۴ / الإختصاص، ص ۳۱۳

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۲۶، ص ۹۳ / الفصول المهمة، ج ۱، ص ۳۹۳ / الوافي، ج ۳، ص ۵۸۸

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِمْرَانَ الدَّقَاقِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرٍ الْأَسَدِيُّ عَنْ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ زَيْدِ بْنِ الْمُعَدَّلِ التَّمِيرِيِّ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ جَابِرِ بْنِ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِنَّ لِلَّهِ لِعِلْمًا لَا يَعْلَمُهُ غَيْرُهُ وَ عِلْمًا يَعْلَمُهُ مَلَائِكَتُهُ الْمُقَرَّبُونَ وَ أَنْبِيَآؤُهُ الْمُرْسَلُونَ وَ نَحْنُ نَعْلَمُهُ.

امام باقر (علیه السلام): همانا برای خداوند علمی است که غیر از خود کسی نمی داند، و (همچنین برای خدا) علمی است که فرشتگان مقرب و انبیاء مرسل می دانند. ما نیز آنها را می دانیم.

مصادر اصلی: التوحيد (للصدوق)، ص ۱۳۸ / بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۱۲

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ۴، ص ۸۶

حَدَّثَنَا أَبِي رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَسْبَاطٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ ع أَنَّهُ قَالَ: يَا أَبَا بَصِيرٍ! نَحْنُ شَجَرَةُ الْعِلْمِ وَ نَحْنُ أَهْلُ بَيْتِ النَّبِيِّ وَ فِي دَارِنَا مَهْبِطُ جَبْرَيْلَ وَ نَحْنُ خُرَّانُ عِلْمِ اللَّهِ وَ نَحْنُ مَعَادِنُ وَحْيِ اللَّهِ مَنْ تَبِعَنَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنَّا هَلَكَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.

امام صادق علیه السلام: ما شجره علم و اهل بیت پیامبر هستیم. جایگاه فرود جبرئیل، در خانه ماست و ما خزینه های علم خدا و معادن وحی خدا هستیم. هر که از ما پیروی کند، رهایی می یابد و هر که از ما باز ماند، نابود می گردد و حق خداست که چنین کند.

مصادر اصلی: الأمالی (للصدوق)، ص ٣٨٣ / بشارة المصطفی، ص ٥٤ / روضة الواعظین، ص ٢٩٩

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢٤٠

الإمام علي عليه السلام: نَحْنُ شَجَرَةُ النَّبُوَّةِ، وَمَحَطُّ الرَّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ، وَمَعَادِنُ الْعِلْمِ، وَيَنَابِيعُ الْحِكْمِ، نَاصِرُنَا وَمُجِئُنَا يَنْتَظِرُ الرَّحْمَةَ، وَعَدُوَّنَا وَمُبْغِضُنَا يَنْتَظِرُ السَّطْوَةَ.

امام علی علیه السلام: ما، درخت نبوت و فرودگاه رسالت و مکان آمد و شد فرشتگان و معدن های دانش و سرچشمه های حکمتیم. یار و دوستدار ما، رحمت را انتظار می کشد و دشمن و کینه توز ما، یورش را انتظار می برد.

مصدر اصلی: نهج البلاغة، خطبه ١٠٩، ص ١٦٢

منابع دیگر: بحار الأنوار، ج ٢٦، ص ٢٦٥

پیوست شماره ٦: تصویر عناوین و اهداف (مفاهیم غلط گسترش یافته) سند ٢٠٣ توسعه

پایدار



اهداف توسعه پایدار



SUSTAINABLE DEVELOPMENT GOALS



11 SUSTAINABLE CITIES AND COMMUNITIES



In September 2015 Heads of State and Government agreed to set the world on a path towards sustainable development through the adoption of the 2030 Agenda for Sustainable Development. This agenda includes 17 Sustainable Development Goals, or SDGs, with 169 targets which set out quantitative objectives across the social, economic, and environmental dimensions of sustainable development, all to be achieved by 2030. The goals provide a framework for shared action "for people, planet and prosperity," to be implemented by "all countries and all stakeholders".

UN HABITAT
FOR A BETTER URBAN FUTURE

GOAL 1: End poverty in all its forms everywhere



GOAL 2: End hunger, achieve food security and improved nutrition and promote sustainable agriculture



GOAL 3: Ensure healthy lives and promote well-being for all at all ages



GOAL 4: Ensure inclusive and equitable quality education and promote lifelong learning opportunities for all



GOAL 5: Achieve gender equality and empower all women and girls



GOAL 6: Ensure availability and sustainable management of water and sanitation for all



GOAL 7: Ensure access to affordable, reliable, sustainable and modern energy for all



GOAL 8: Promote sustained, inclusive and sustainable economic growth, full and productive employment and decent work for all



GOAL 9: Build resilient infrastructure, promote inclusive and sustainable industrialization and foster innovation



GOAL 10: Reduce inequality within and among countries



GOAL 11: Make cities and human settlements inclusive, safe, resilient and sustainable



GOAL 12: Ensure sustainable consumption and production patterns



GOAL 13: Take urgent action to combat climate change and its impacts*



GOAL 14: Conserve and sustainably use the oceans, seas and marine resources for sustainable development



GOAL 15: Protect, restore and promote sustainable use of terrestrial ecosystems, sustainably manage forests, combat desertification, and halt and reverse land degradation and halt biodiversity loss



GOAL 16: Promote peaceful and inclusive societies for sustainable development, provide access to justice for all and build effective, accountable and inclusive institutions at all levels



GOAL 17: Strengthen the means of implementation and revitalize the global partnership for sustainable development



آرمان‌های توسعه پایدار



در سپتامبر سال ۲۰۱۵ میلادی سران دولت‌ها با تصویب دستور کار ۲۰۳۰ بر تعیین مسیری به سوی توسعه پایدار توافق کردند. این دستورکار که حاوی ۱۷ آرمان و ۱۶۹ هدف است اهداف عمیاتی کمی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی توسعه پایدار در نظر گرفته که باید تا سال ۲۰۳۰ تحقق یابند. این اهداف چارچوبی برای اقدامی مشترک با عنوان برای مردم، زمین و شکوفایی تدوین کرده‌اند که باید توسط همه کشورها و بهره‌موران اجرایی شود.



برنامه‌سازان شرکای توسعه ایران

- هدف ۱:** ریشه‌کن کردن همه اشکال فقر در همه جا
- هدف ۲:** ریشه‌کن کردن گرسنگی، دستیابی به امنیت غذایی، تغذیه بهتر و ترویج کشاورزی پایدار
- هدف ۳:** تضمین زندگی سالم و ایجاد رفاه برای همگان
- هدف ۴:** تضمین آموزش فراگیر، منصفانه و با کیفیت، و پیشبرد فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همگان
- هدف ۵:** دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران
- هدف ۶:** تضمین دسترسی و مدیریت پایدار آب و فاضلاب برای همگان
- هدف ۷:** تضمین دسترسی همگانی به انرژی متناسب با درآمد، مطمئن، پایدار و نوین
- هدف ۸:** ترویج رشد اقتصادی مداوم، پایدار و فراگیر، و اشتغال کامل، مولد و آبرومند برای همگان
- هدف ۹:** ایجاد زیرساخت‌های تاب‌آور، ترویج صنعتی شدن فراگیر و پایدار و تشویق نوآوری
- هدف ۱۰:** کاهش نابرابری درون هر کشور و بین کشورها
- هدف ۱۱:** فراگیر، ایمن، تاب‌آور و پایدار ساختن شهرها و سکونت‌گاه‌های انسانی
- هدف ۱۲:** تضمین الگوهای مصرف و تولید پایدار
- هدف ۱۳:** اقدام فوری برای مبارزه با تغییرات اقلیمی و پیامدهای آن
- هدف ۱۴:** حفاظت و بهره‌برداری پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای دستیابی به توسعه پایدار
- هدف ۱۵:** حفاظت، بازسازی و ترویج استفاده پایدار از اکوسیستم‌های خشکی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی، توقف و تغییر رویه تخریب زمین و ممانعت از نابودی تنوع زیستی
- هدف ۱۶:** ترویج جوامع صلح‌آمیز و فراگیر برای دستیابی به توسعه پایدار، تامین دسترسی همگانی به عدالت و برابری نهادهای اجتماعی کارآمد، پاسخگو و فراگیر در همه سطوح
- هدف ۱۷:** تقویت ابزارهای اجرایی و احیای مشارکت جهانی برای دستیابی به توسعه پایدار

منبع: برنامه اسکان بشر ملل متحد در ایران

<https://b2n.ir/e99205>

پیوست شماره ۷: تاکید و ترغیب فراوان به "تجارت عمومی" در روایات

عَنْهُ (أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى) عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَسْبَاطِ بْنِ سَالِمِ بْنِ يَتِيحِ الزُّطِّيِّ قَالَ: سَأَلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَ يَوْمًا وَأَنَا عِنْدَهُ عَنْ مُعَاذِ بْنِ يَتِيحِ الْكُرَائِسِيِّ قَبِيلَ: تَرَكَ التَّجَارَةَ. فَقَالَ: عَمَلُ الشَّيْطَانِ عَمَلُ الشَّيْطَانِ! مَنْ تَرَكَ التَّجَارَةَ ذَهَبَ ثُلُثًا عَقْلِهِ أَمَا عَلِمَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَدِمَتْ عِيْرٌ مِنَ الشَّامِ فَاشْتَرَى مِنْهَا وَاتَّجَرَ فَرَبِحَ فِيهَا مَا قَضَى دَيْنَهُ.

اسباط بن سالم: روزی که من، خود، در محضر امام صادق علیه السلام بودم، وی درباره مُعَاذِ کرباس فروش سؤال فرمود، گفته شد: «او تجارت را ترک کرده است». فرمود: «این کار شیطان است، کار شیطان! هر کس تجارت را رها کند، دو سوم عقلش از میان می‌رود. آیا نمی‌دانند که رسول خدا صلی الله علیه و آله بار قافله‌ای را که از شام می‌آمد، خرید و با آن، به تجارت پرداخت و چندان سود بُرد که توانست وام‌هایش را بپردازد؟»

تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۴

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۷ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۷ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۲۷۸

عَلِيٍّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عُمَرَ بْنِ أَدِيْنَةَ عَنْ فَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: إِنِّي قَدْ كَفَفْتُ عَنِ التَّجَارَةِ وَ أَمْسَكْتُ عَنْهَا. قَالَ: وَ لِمَ ذَلِكَ؟ أَعْجَزَ بِكَ؟ كَذَلِكَ تَذْهَبُ أَمْوَالُكُمْ لَا تَكْفُوا عَنِ التَّجَارَةِ وَ التَّمَسُّوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. فَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ: به امام صادق علیه السلام گفتم: «من از تجارت دست شسته‌ام و دیگر به آن نمی‌پردازم». فرمود: «از چه روی؟ آیا ناتوان شده‌ای؟ با ترک تجارت، اموال شما از میان می‌رود. از تجارت دست نکشید و فضل خدای را طلب کنید».

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۹

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۶ / الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۵

رُويَ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ يَسَارٍ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: إِنِّي قَدْ تَرَكَتُ التَّجَارَةَ. فَقَالَ: لَا تَفْعَلْ افْتَحْ بَابَكَ وَ ابْسُطْ بِسَاطِكَ وَ اسْتَرْزِقِ اللَّهَ رَبَّكَ.

فضیل بن یسار: به امام صادق علیه السلام گفتم: «من تجارت را کنار نهاده‌ام». فرمود: «چنین نکن. در [دکان] ت را بگشای و بساطت را بگستر و از خدای، پروردگار خویش، روزی خواه».

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۶۵

الوافي، ج ۱۷، ص ۶۹ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۷ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۲۸۲

مایه عزت انسان:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَجَّالِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع لِمَوْلَى لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ! احْفَظْ عِرْكَ. قَالَ: وَ مَا عِرِّي؟ جَعَلْتُ فِدَاكَ! قَالَ: غَدُوكَ إِلَى سُوقِكَ وَ إِكْرَامَكَ نَفْسَكَ.

وَ قَالَ لِآخَرَ مَوْلَى لَهُ: مَا لِي أَرَاكَ تَرَكَتُ غَدُوكَ إِلَى عِرْكَ؟ قَالَ: جَنَازَةٌ أَرَدْتُ أَنْ أَحْضَرَهَا. قَالَ: فَلَا تَدْعِ الرُّوَاحَ إِلَى عِرْكَ.

امام صادق (علیه السلام) به غلامش فرمود: «ای بنده خدا! عزت خود را حفظ کن». پرسید: فدایت شوم! چه چیز عزت من است؟ فرمود: «به بازار رفتن در بامداد و خود را عزیز داشتن».

و به غلام دیگرش فرمود: «چه شده است که رفتن به جایی را که عزت تو در آن است ترك کرده‌ای؟» گفت: در تشییع جنازه‌ای شرکت کردم. فرمود: «رفتن در پی عزت خویش (کار و تجارت) را ترك مکن».

تهذیب الأحكام، ج ۷، ص ۴

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۷ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۳ / جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۲۷۰

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُدَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ بَيَّاعِ الْأَكْسِيَّةِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: إِنِّي قَدْ هَمَمْتُ أَنْ أَدْعَ السُّوقَ وَ فِي يَدِي شَيْءٌ. قَالَ: إِذَا تَسَقَطَ رَأْيُكَ وَ لَا يُسْتَعَانَ بِكَ عَلَى شَيْءٍ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ جَامِعِهِ فَرُوشَ مِى گُوِيْد: بِه اِمَامِ صَادِقٍ (عَلَيْهِ السَّلَام) كُفْتَم: مِى خَوَاهِمِ رِفْتَنِ بِه بَاذَارِ رَا - اِكْنُونِ كِه پُولِى دَر دِسْتِ دَارَمِ - تَرْكِ كْنَم؛ فَرَمُود: دَر اِيْنِ صُورْتِ، اِعْتِبَارْتِ رَا اَز دِسْتِ مِى دِهَى، وَ دِيْگَرِ هِيْجِ كَارِى بِه تُو سِپَرْدِه نَمِى شُود.

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۹ / تهذیب الأحكام، ج ۶، ص ۳۲۹

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۴ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۵

مُحَمَّدٌ (مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى) وَ غَيْرُهُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَيْسَى عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ هِشَامِ بْنِ أَحْمَرَ قَالَ: كَانَ أَبُو الْحَسَنِ ع يَقُولُ لِمُصَادِفٍ: اغْدُ إِلَى عِرْكَ يَعْْنِي السُّوقَ.

امام کاظم علیه السلام به کسی که با او روبه رو می شد، می فرمود: به سوی عزت خود (یعنی: بازار) بامدادان روانه شو.

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۹ / تهذیب الأحكام، ج ۷، ص ۳

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۲ / الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۳

زُوي عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ حُنَيْسٍ أَنَّهُ قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع وَ قَدْ تَأَخَّرْتُ عَنِ السُّوقِ فَقَالَ لِي: اغْدُ إِلَى عِرْكَ.

معلی بن خنیس گوید: امام صادق علیه السلام مرا دید که سر وقت به بازار نرفته‌ام و دیر به کار و کسب می پردازم، به من فرمود: از فردا صبح زود به سوی عزت روانه شو.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۲

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۶ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۰

جلب روزی فراوان (نه دهم روزی!) و بی نیازی از مردم:

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَعْفَرَانِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَنْ طَلَبَ التَّجَارَةَ اسْتَغْنَى عَنِ النَّاسِ. قُلْتُ: وَإِنْ كَانَ مُعِيلاً؟ قَالَ: وَإِنْ كَانَ مُعِيلاً إِنَّ تِسْعَةَ أَغْشَارِ الرُّزْقِ فِي التَّجَارَةِ.

محمد زعفرانی از امام صادق علیه السلام: «هر کس در پی تجارت رود، از مردم بی نیاز می شود». گفتم: «هر چند پُر خانوار باشد؟» فرمود: «[آری؛] هر چند پُر خانوار باشد. همانا نه دهم روزی در تجارت است».

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحكام، ج ۷، ص ۳

الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۲ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۱

الشَّيْخُ أَبُو الْفَتْوحِ فِي تَفْسِيرِهِ، وَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: يَا جَمَاعَةَ قُرَيْشٍ! إِنَّ الْبُرْكََةَ فِي التَّجَارَةِ وَ لَا يُفْقِرُ اللَّهُ صَاحِبَهَا إِلَّا تَاجِرًا حَالِفًا.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای جماعت قریش! همانا برکت در تجارت است و خداوند تاجر را به فقر دچار نمی‌کند، مگر آن که [به دروغ] سوگند یاد کند.

مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۹

جامع أحاديث الشيعة (للبروجردي)، ج ۲۲، ص ۲۷۴

رَوَى رَوْحٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: تِسْعَةُ أَغْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ.
امام صادق (علیه السلام): نُهْ دَهْم رِزْقِ دَر تِجَارَتِ اسْت.

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۲۳۳

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۰

حَدَّثَنَا أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى بْنِ عِمْرَانَ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ يَزِيدَ عَنْ سُفْيَانَ الْجَرِيرِيِّ عَنْ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْبَرْكََةُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةُ أَغْشَارِهَا فِي التِّجَارَةِ وَالْعُشْرُ الْبَاقِي فِي الْجُلُودِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): برکت ده جزء دارد که نه دهم از آن در تجارت است و یک دهم باقی در دامداری است.

الخصال، ج ۲، ص ۴۴۵

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۰ / بحار الأنوار، ج ۶۱، ص ۱۱۸

حَدَّثَنَا بِذَلِكَ أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمٌ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا سَعِيدُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْمَخْزُومِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ زَيْدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبِيهِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع عَنِ النَّبِيِّ ص أَنَّهُ قَالَ: تِسْعَةُ أَغْشَارِ الرِّزْقِ فِي التِّجَارَةِ وَالْجُزْءُ الْبَاقِي فِي السَّابِغِاءِ بِعَيْنِي الْعَنَمِ.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله): نه دهم رزق در تجارت است و یک جزء باقی در دامداری (گوسفند) است.

الخصال، ج ۲، ص ۴۴۶

وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۱ / بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۵

عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ التَّهْدِيَّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ ع عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي حَدِيثٍ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ لِلْمَوَالِي: ائْتَجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ فَإِنِّي سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ص يَقُولُ: الرِّزْقُ عَشْرَةُ أَجْزَاءٍ تِسْعَةُ أَجْزَاءٍ فِي التِّجَارَةِ وَوَاحِدٌ فِي غَيْرِهَا.

امیرالمومنین (علیه السلام) به موالی (غلامان) فرمود: تجارت کنید؛ خداوند به شما برکت می‌دهد. چرا که از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) شنیدم که می‌فرمود: روزی ده جزء دارد، نه جزء آن در در تجارت است و یک جزء آن در غیر آن.

الکافی، ج ۵، ص ۳۱۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۲

عدة الداعي و نجاح الساعي (ابن فهد حلی)، ص ۸۲

بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۱۳ / الوافی، ج ۱۷، ص ۱۲۶ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۲

ترک تجارت؛ عاملی برای ضعف انسان

عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ بُنْدَارٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ شَرِيفِ بْنِ سَابِقٍ عَنِ الْفَضِيلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ قَالَ: سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ رَجُلٍ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ: مَا حَبَسَهُ عَنِ الْحَجِّ؟ فَقِيلَ: تَرَكَ التَّجَارَةَ وَ قُلَّ شَيْئُهُ قَالَ: وَ كَانَ مُتَكِنًا فَاسْتَوَى جَالِسًا ثُمَّ قَالَ لَهُمْ: لَا تَدْعُوا التَّجَارَةَ فَتَهْوَنُوا اتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ.

فضل بن ابو قره: من، خود، در محضر امام صادق علیه السلام بودم که وی درباره مردی سؤال کرد و فرمود: «چرا به سفر حج نرفته است؟» گفته شد: «تجارت را رها کرده و تلاش اقتصادی اش کاهش یافته است». امام که پیش از این، تکیه داده بود، راست نشست و به آنان فرمود: «تجارت را رها نکنید؛ که خوار و ضعیف می شوید. تجارت کنید تا خدا به شما برکت دهد».

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۹ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۳
وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۵ / الوافي، ج ۱۷، ص ۱۲۴

قَالَ الصَّادِقُ ع: لَا تَدْعُوا التَّجَارَةَ فَتَهْوَنُوا اتَّجِرُوا بَارَكَ اللَّهُ لَكُمْ.
رَوَى ذَلِكَ شَرِيفُ بْنُ سَابِقٍ التَّفَلِيسِيُّ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ السَّمْنُذِيِّ.

امام صادق (علیه السلام): «تجارت را رها نکنید؛ که خوار و ضعیف می شوید. تجارت کنید تا خدا به شما برکت دهد».

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۳
هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۶، ص ۱۲

ترک تجارت؛ عاملی برای نقصان عقل

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «تَرَكَ التَّجَارَةَ يَنْقُصُ الْعُقْلَ.»
امام صادق (علیه السلام): «ترک کردن تجارت، عقل را کم می کند.»

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۲ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۳

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ فَضَالٍ عَنِ ابْنِ بُكَيْرٍ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: «التَّجَارَةُ تَزِيدُ فِي الْعُقْلِ.»
امام صادق (علیه السلام): «تجارت کردن، عقل را زیاد می کند.»

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸ / من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۱ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۲

قَالَ الصَّادِقُ ع: «تَرَكَ التَّجَارَةَ مَذْهَبَةٌ لِلْعُقْلِ.»

امام صادق (علیه السلام): «ترک کردن تجارت، از بین برندهی عقل است.»

من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۱۹۲ / وسائل الشيعة، ج ۱۷، ص ۱۷

أَحْمَدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنِ أَبِي الْجَهْمِ عَنِ الْفَضِيلِ الْأَعْوَرِ قَالَ: شَهِدْتُ مُعَاذَ بْنَ كَثِيرٍ وَ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع: «إِنِّي قَدْ أَيْسَرْتُ فَأَدْعُ التَّجَارَةَ فَقَالَ إِنَّكَ إِنْ فَعَلْتَ قَلَّ عُقْلُكَ أَوْ نَحْوَهُ.»

معاذ بن کثیر به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من توانگر شده ام؛ آیا تجارت را رها کنم؟ امام علیه السلام فرمود: «اگر چنین کنی، عقلت کاهش می یابد.» یا سخنی شبیه به این فرمود.

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذيب الأحكام، ج ۷، ص ۲

(سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ أَبِي الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ الْقُمِيِّ عَنْ مُعَاذِ بْنِ بِيَّاعِ الْأَكْسَبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ)

مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ الْقُمِيِّ عَنْ مُعَاذِ بْنِ بِيَّاعِ الْأَكْسَبِيِّ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع يَا مُعَاذُ أَضَعُفْتَ عَنِ التَّجَارَةِ أَوْ زَهَدْتَ فِيهَا قُلْتُ مَا ضَعُفْتُ عَنْهَا وَ مَا زَهَدْتُ فِيهَا قَالَ فَمَا لَكَ قُلْتُ كُنَّا نَتَنظَّرُ أَمْرًا وَ ذَلِكَ حِينَ قُتِلَ الْوَلِيدُ وَ عِنْدِي مَالٌ كَثِيرٌ وَ هُوَ فِي يَدِي وَ لَيْسَ لِأَحَدٍ عَلَيَّ شَيْءٌ وَ لَا أَرَانِي أَكُلُهُ حَتَّى أَمُوتَ فَقَالَ تَتْرُكُهَا فَإِنَّ تَرَكُهَا مَذْهَبَةٌ لِلْعَقْلِ اسْعَ عَلَى عِيَالِكَ وَ إِيَّاكَ أَنْ يَكُونَ هُمْ السُّعَاةَ عَلَيْكَ.

معاذ لباس فروش می گوید: «امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای معاذ! در تجارت سست شدی بلکه از آن کناره گرفته ای! معاذ گفت: در تجارت سست نشده ام و از آن کناره گیری نکرده ام. امام علیه السلام فرمود: پس تو را چه شده است؟ گفتم: منتظر قیام شما هستم [یا منتظر دستور مجدد شما برای تجارت هستم] - این ماجرا مربوط به زمان کشته شدن ولید بن عبدالملک بود - و من مال بسیاری دارم که در اختیارم هست و به احدی بدهکار نیستم و گمان نمی کنم که تا پایان عمرم نیز تمام شود.» امام علیه السلام فرمود: تجارت را رها نکن؛ زیرا ترك آن عقل را از بین می برد. برای خانواده ات تلاش کن و بپرهیز از این که آنان برای تو کار و تلاش کنند.

الكافي، ج ۵، ص ۱۴۸ / تهذیب الأحكام، ج ۷، ص ۲

(سند تهذیب: أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي الْفَرَجِ الْقُمِيِّ عَنْ مُعَاذِ بْنِ بِيَّاعِ الْأَكْسَبِيِّ قَالَ) [كُنْتُ أَتَنظَّرُ أَمْرًا بَدَلَ كُنَّا نَتَنظَّرُ أَمْرًا]

پیوست شماره ۸: تصاویری از زباله‌های پلاستیکی انباشته‌شده در سطح زمین و دریاها









پیوست شماره ۹: عدم اجرایی بودن برنامه‌های توسعه

برنامه‌های توسعه؛ کتاب آرزوها!

خبرگزاری خانه ملت (خبرگزاری مجلس شورای اسلامی) - گروه اقتصادی:

بررسی برنامه ششم توسعه در کلام نمایندگان مردم در مجلس:

برنامه‌ای برای توسعه یا کتاب آرزوها؟ / از نگاه آرمانی در تدوین برنامه ششم پرهیز کنیم

برنامه توسعه پنج ساله بعد از انقلاب تاکنون نوشته و تبدیل به یک قانون لازم الاجرا شدند، اما اهداف تعیین شده در هیچ کدام از برنامه‌ها به میزان قابل توجهی محقق نشد؛ نمایندگان مردم در خانه ملت، علت آن را عدم پیش بینی درست عنوان کردند و گفتند برنامه‌های توسعه به جای برنامه، کتاب آرزوها است.

دولت‌ها موظف هستند برنامه‌ای برای رسیدن به توسعه تدوین کنند تا براساس آن کشور به هدف خود که توسعه یافتگی در افق ۱۴۰۴ است، نزدیک و دست یابد. با نگاهی کوتاه به ۱۰ برنامه‌ی توسعه که پنج برنامه قبل و پنج برنامه بعد از انقلاب اسلامی ایران تاکنون اجرا شده، می‌توان نتیجه گرفت تاکنون اجرای هیچ یک از برنامه‌ها موفقیت چشم‌گیری در پی نداشته است؛ البته برنامه سوم توسعه تنها برنامه‌ای بود که بخش زیادی از اهداف تعیین شده آن محقق شد و به طور کلی میزان تحقق اهداف برنامه‌ها حتی به ۴۰ درصد هم نمی‌رسد و وقتی موفقیتی در اجرای برنامه به دست می‌آید، با تغییر دولت این موفقیت به دست فراموشی سپرده می‌شود.

دلایل عدم تحقق اهداف برنامه‌ها موارد زیادی است؛ اما مهمترین دلیل از نظر کارشناسان و مجلس این است که برنامه براساس واقعیت نوشته نشده اند و این که برنامه‌ها ضمانت اجرایی ندارند و دستگاه اجرا (دولت) تعهدی به اجرای آن ندارد. اگر چه اجرای برنامه‌های توسعه، برای رسیدن به هدف سند چشم انداز طراحی می‌شوند ولی در عمل تا کنون نتوانسته‌اند هدفی که برای برنامه‌ها در نظر گرفته شده بودند؛ برسند و به همین دلیل نقدهای بسیار زیادی به تدوین برنامه‌های توسعه و عملکرد آن‌ها وارد می‌شود. با این حال هیچ کشوری بدون برنامه توان ادامه حیات ندارد؛ اما تدوین برنامه‌ها باید به گونه‌ای باشد که با واقعیت‌ها همسو باشد و از خیال پردازی در آن پرهیز کرد.

براساس این گزارش و به گفته محمدباقر نوبخت رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، برنامه ششم توسعه که از سال ۹۵ آغاز و تا ۹۹ ادامه دارد، قرار است جایگاه ایران را در رقابت‌های منطقه‌ای و جهانی ارتقاء دهد؛ مثلاً متوسط رشد اقتصادی کشور از سال ۴۱ تا ۹۲ حدود ۴،۷ درصد و در ۱۰ سال اول اجرای سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور ۲،۶ درصد بوده است که مهم‌ترین هدف اقتصادی اجرای برنامه ششم توسعه، رشد اقتصادی و پایدار ۸ درصدی است. لازم به ذکر است که برنامه‌های توسعه به عنوان سند بالادستی بودجه‌های سالانه است اما بودجه‌های سالانه براساس تحقق اهداف برنامه نوشته و تدوین نمی‌شوند.

برنامه ششم باید براساس سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در جهت رشد جایگاه ایران در عرصه‌های اقتصادی، فرهنگی، علم و فناوری و در جهت توسعه صادرات و حمایت از تولید داخل باشد و برای حرکت در جهت سند چشم انداز باید گسترش اقتصاد

دانش بنیان، تشویق رقابت پذیری، توانمندسازی بخش خصوصی، استفاده از منابع خارجی، بهبود فضای کسب و کار، پایداری محیط زیست، شفاف سازی و کاهش فساد و ارتقای سرمایه انسانی و اجتماعی مدنظر قرار گیرد.

بنابراین گزارش؛ دستیابی به رشد اقتصادی ۸ درصد نیازمند تغییرات اساسی در ساختار اقتصاد کشور است که این تغییرات باید در حوزه‌های مالیاتی، بانکی و گمرکی انجام شود و بسیاری از قوانین و مقررات و نظام تعرفه‌گذاری اصلاح شوند.

تعدادی از نمایندگان مجلس درگفت و گو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، با اشاره به اینکه برنامه‌های توسعه با واقعیت‌های روز جامعه همخوانی نداشت، خواستار آن شدند تا برنامه‌ششم توسعه براساس واقعیت‌ها نوشته شود و مانند گذشته کتاب آرزوها ننویسیم.

جعفرزاده: کتاب قطوری از آرزوها تدوین شده بود/ از شیر مرغ تا جان آدمیزاد در برنامه‌های توسعه

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس معتقد است؛ برنامه‌های پنج‌ساله، برنامه‌ای برای توسعه نیست و کتاب قطوری از آرزوها نوشته می‌شود و باید برای برنامه ششم توسعه براساس واقعیت‌ها و حداقل ظرفیت‌ها کتاب نوشته شود.

غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی درباره اینکه چرا اهداف برنامه‌های توسعه محقق نمی‌شود، به خبرنگار خانه ملت، گفت: برنامه‌های توسعه، برنامه نیست و اقدامی که انجام می‌دهیم، این است کتابچه قطوری تنظیم و فقط قانون می‌شود؛ نه برنامه‌ریزی، و این یک اشتباه بزرگ است.

نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی افزود: نکته دیگر این است که زمان بندی برای تحقق اهداف برنامه مشخص نمی‌کنیم، مثلاً در یک زمان مشخص به کدام هدف برنامه باید برسیم و یا اینکه تحقق اهداف در سال اول و یا دوم چه میزان باشد.

هدف‌های ایده‌آل و بدور از واقعیت‌ها تدوین شده است

وی با اشاره به اینکه احکام برنامه و هدف‌های آن ایده‌آل و بدور از واقعیت‌ها تدوین شده است، ادامه داد: کشور ما همیشه با نیروی متخصص درگیر من جمله تحریم‌ها و یا اینکه کشوری برای زدن آسیب به ایران باعث کاهش شدید قیمت نفت می‌شود و این موارد در کنار سوء مدیریت باعث خلل در عدم تحقق اهداف می‌شود.

جعفرزاده ایمن‌آبادی تصریح کرد: باید در برنامه‌های توسعه دو یا سه استراتژیک بزرگ مشخص و براساس آن اقدام کنیم که متأسفانه فاقد یک استراتژیک مشخص هستیم، به عنوان مثال اکنون با بحران آب روبه‌رو هستیم و در برنامه ششم باید برای این حل مشکل و تکلیف آن برنامه ریزی شود تا به یک نقطه مشخص برسیم.

کتابچه قطوری تدوین می‌شود که کسی آن را نمی‌خواند

این نماینده مردم در خانه ملت با بیان اینکه می‌خواهیم از شیر مرغ تا جان آدمیزاد را در برنامه‌های توسعه کنجانداده شود، بیان کرد: به همین دلیل یک کتابچه قطور تدوین می‌شود که خیلی‌ها مواد آن را نمی‌دانند و یا اصلاً نخوانده‌اند.

به گفته وی، آنچه باید در برنامه‌های توسعه دنبال شود، نباید قانون گذاری باشد، البته قانون شود که دارای استراتژیک و هدف گذاری مشخصی باشد و برای حل مشکلات مهم و بزرگ کشور مانند حوزه آب تدبیر بیاندیشد و باید براساس حداقل‌ها و با توجه به واقعیت‌های کشور نوشته و تدوین شود.

آرزوها بزرگ‌تر شد

جعفرزاده ایمن‌آبادی با اشاره به تدوین برنامه ششم تاکید کرد: نباید برای برنامه توسعه پنج سال آینده کشور، یک کتاب آرزوها بنویسیم و قانون برنامه‌های گذشته کتاب آرزوها بود و باید کتاب واقعیت‌ها نوشته شود.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس گفت: به هر میزان که جلوتر رفتیم، آرزوها بزرگ‌تر شد و پنج برنامه توسعه گذشته براساس واقعیت‌ها نوشته نشده بود و اگر برنامه توسعه بودند اکنون شرایط و جایگاه کشور در این وضعیت کنونی نبود.

نکو: برنامه‌های توسعه در عالم رویا نوشته شده‌اند

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس با بیان اینکه برنامه ششم باید براساس واقعیت‌ها، منابع درآمدی و ظرفیت‌های داخلی نوشته شود، گفت: طراحان باید با واقعیت‌ها زندگی کنند و برنامه بنویسند و نمی‌توانیم در عالم رویا برنامه نوشت که متاسفانه برخی از برنامه در عالم رویا نوشته شده‌اند.

ابراهیم نکو در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت در پاسخ به این سوال که چرا اهداف برنامه‌های توسعه محقق نشد، گفت: در کشورهای پیشرفته برنامه‌های توسعه معمولاً به عنوان اسناد بالا دستی تدوین می‌شود و به عنوان یک سند معتبر و ملی، حتماً باید به آن جامعه عمل بپوشانند و به اهداف تعریف شده در آن دست یابند.

همه برای تحقق اهداف برنامه باید تلاش کنند

نماینده مردم رباط کریم و بهارستان در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: در کشورهای توسعه یافته، همه بخش‌ها همه دست به دست هم داده و تمام تلاش خود را انجام می‌دهند، تا برنامه توسعه را عملیاتی کنند و از آن به عنوان یک میثاق مهم برای تدوین بودجه سنواتی استفاده می‌کنند که به همین دلیل برنامه‌های توسعه آنان با درصد بسیار بالایی عملیاتی می‌شود.

به گفته وی، همه دستگاه‌ها سعی می‌کنند به هیچ وجه از برنامه عقب نمانند و اگر اتفاقی هم بیفتد و قسمتی از برنامه، از برنامه ریزی عقب بیفتد؛ سایر ارکان برنامه را متضرر خواهد کرد. متاسفانه ما در برنامه‌های پنج ساله به زیبایی و ظرافت سند برنامه پنج ساله را تنظیم می‌کنیم و هر فردی که این برنامه را مطالعه می‌کند، به آینده امیدوار می‌شوم، که شاهد پیشرفت‌ها و دستیابی به یک افق مشخص خواهیم بود.

تحقق اهداف برنامه‌های توسعه کمتر از ۵۰ درصد بوده است

نکو با اشاره به اینکه تحقق اهداف برنامه‌های توسعه کمتر از ۵۰ درصد بوده است، تصریح کرد: متاسفانه وقتی برنامه به مرحله اجرا می‌رسد؛ چون عوامل اجراکننده با هم ناهمخوانی دارند و پیشبرد برنامه با کاستی‌هایی روبرو می‌شود.

این نماینده مردم در خانه ملت افزود: در برنامه سوم توسعه هم که تا حدود زیادی اهداف محقق شد و شاهد موفقیت و اتفاق خوب بودیم، اما آیا میزان تحقق برنامه سوم با برنامه ریزی‌های صحیح و درست محقق شد که به آن دست یافتیم که اینگونه نبود و برنامه ریزی صحیحی برای تحقق اهداف برنامه‌های توسعه شاهد نیستیم.

عوامل فنی باعث تحقق برنامه سوم نشد

وی با بیان اینکه عوامل و عللی باعث تحقق بخش اعظمی از اهداف برنامه سوم شد، بیان کرد: همان عوامل و ارکان وقتی در برنامه‌های چهارم و پنجم ورود پیدا کردند، نتوانستند به موفقیت دست پیدا کنند؛ لذا نمی‌توان گفت برنامه سوم به صورت فنی اجرا شده است، بلکه عوامل دیگری دست به دست هم دادند و اگر آن عوامل نبود در برنامه سوم هم مشکلات بودیم.

سوءمدیریت‌های فراوان در دولت نهم و دهم باعث شد به اهداف برنامه توسعه نرسیم

نکو با اشاره به برنامه چهارم و پنجم توسعه گفت: در این برنامه‌ها عدم همکاری عوامل متعدد درونی، بحث تحریم‌ها، سوء مدیریت‌های فراوان در دولت نهم و دهم باعث شد به اهداف برنامه توسعه نرسیم، اما امروز باید برنامه ششم توسعه با دقت بیشتری نوشته شود تا به عمده اهداف تعیین شده، دست یابد.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس اضافه کرد: مطالعه فنی و بررسی‌ها اصلی در مجلس برای تدوین برنامه ششم توسعه صورت خواهد گرفت و مجلس نهم، مجلس تاثیر گذاری است و باید همت خود را به گونه‌ای برنامه ریزی و طراحی کنیم تا برنامه ششم مثلا در سال اول به ۲۰ درصد اهداف تعیین شده دست یابیم.

وی در مورد اینکه امسال، سال آخر برنامه پنجم توسعه است، تا کتون چه میزان از آن عملیاتی شده است، پاسخ داد: متأسفانه دولت تا کتون آماری ارائه نکرده است، ولی به نظر بنده اگر درصدی خوبی از برنامه‌ها محقق می‌شد، امروز شاهد رتبه‌های ممتازی در کشور و در منطقه بودیم.

به اعتقاد این نماینده مجلس، متأسفانه تا کتون حدود ۵۰ درصد اهداف برنامه پنجم و چه بسا کمتر به نتیجه رسیده است و طراحان باید با واقعیت‌ها زندگی کنند و برنامه بنویسند و نمی‌توانیم در عالم رویا برنامه نوشت که متأسفانه برخی از برنامه در عالم رویا نوشته شده‌اند.

نکو تاکید کرد: برنامه نویسان برنامه ششم باید به گونه‌ای برنامه بنویسند که بتوانیم با نگاه به افق و مراحل که در مقاطع زمانی باید طی شود، به یک خروجی دست یابد و اکثر بندها و مواد آن محقق شود.

عضو کمیسیون اقتصادی مجلس گفت: برنامه ششم باید گونه‌ای نوشته شود که با یک آسیب شناسی جدی نسبت به برنامه‌های گذشته، بتواند پاسخگوی کوتاهی برنامه ۵ برنامه گذشته باشد و براساس واقعیت‌ها، منابع درآمدی و ظرفیت‌های داخلی نوشته شود.

جلیلی: در تدوین برنامه ششم دچار بیش برآوردی و نگاه آرمانی نشویم

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با بیان اینکه عدم تطبیق پیش بینی‌ها تحقق اهداف در برنامه‌های میان مدت ۵ ساله را دچار مشکل می‌کند، گفت: در تدوین برنامه ششم نسبت به واقعیت‌ها دچار بیش برآوردی و نگاه آرمانی نشویم.

اسماعیل جلیلی درگفت وگو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، در پاسخ به این سوال کدام برنامه توسعه از ۵ برنامه گذشته به اهداف خود رسید؟، گفت: بجز برنامه سوم توسعه، بقیه برنامه‌های توسعه به هدفی که برای آنها نوشته شده بودند، محقق نشد و اهداف تعیین شده در برنامه سوم توسعه هم تا حدود زیادی محقق شد.

نماینده مردم مسجد سلیمان، هفتگل و لالی در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه زمان و هزینه زیادی برای برنامه ریزی صرف می‌شود، اظهار داشت: یکی از دلایل عدم تحقق اهداف برنامه‌های توسعه این است که پیش بینی درستی نسبت به آینده در برنامه ریزی‌ها وجود ندارد.

عدم تحقق اهداف برنامه‌ها باعث تاخیر در تحقق سند چشم انداز می‌شود

وی افزود: در سال‌های اخیر همه برنامه‌ها تقریباً تبدیل شدند به احکامی که به دستگاه‌ها برای انجام اقدامات ویژه چه بحث معافیت‌ها و چه اقداماتی که مد نظر است، اجازه می‌دهد و عدم تطبیق پیش بینی‌ها تحقق اهداف در برنامه‌های میان مدت ۵ ساله را دچار مشکل می‌کند.

جلیلی بیان کرد: از طرفی دیگر مجموعه عملکردی برنامه‌های توسعه‌ای تحقق اهداف سند چشم انداز است که با عدم تحقق اهداف برنامه، باعث تاخیر افتادن جدی در تحقق اهداف سند چشم انداز خواهیم بود.

سخنگوی کمیسیون ویژه تولید ملی و حمایت از اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی با بیان اینکه دو دیدگاه در تدوین برنامه‌های توسعه مطرح است، گفت: نخست اینکه آیا ضرورتی برای متوسل شدن به برنامه‌های توسعه پنج ساله با توجه به نحوه تدوین و اثر بخشی آن است که مجموعه اقداماتی باید صورت بگیرد و به آن پای بندی باشیم یا نه.

برنامه‌ها به صورت سالیانه تصویب و اجرا کنند

وی با اشاره به اینکه سند چشم انداز باید در قالب سناریوها تعریف شود، ادامه داد: برنامه‌ها باید به صورت سالیانه و منطبق با شرایط روز که در آن قرار داریم و در راستای تحقق اهداف سند چشم انداز، توسط بخش‌های مختلف اجرایی و ارزیابی شود و دولت و مجلس آن را به صورت سالیانه تصویب و اجرا کنند.

سرنوشت برنامه ششم مانند کتاب آرزوها نباشد

جلیلی با بیان اینکه براساس شواهد برنامه ششم با یک رویکرد متفاوتی ارائه خواهد شد، گفت: در حقیقت برنامه‌های توسعه جزو اسناد بالادستی بودجه‌های سنواتی است و برنامه‌هایی که تاکنون تدوین شده‌اند، یک پیش بینی بودند و به هر میزان که داده‌های برنامه با واقعیت‌های موجود و ظرفیت‌هایی موجود تدوین شود، تحقق اهداف آن در دسترس‌تر خواهد بود.

به گفته وی، برآوردها برای تدوین برنامه باید مبتنی بر سیاست‌های کلی نظام مانند اقتصاد مقاومتی، نظام اداری و... تدوین شود و خطای ما در پیش بینی‌ها نسبت به واقعیت‌هایی که پیش رو داریم، کمتر باشد امکان تحقق اهداف آن افزایش خواهد یافت.

برآورد آرمانی و اشتباه باعث افزایش عدم تحقق برنامه‌ها می‌شود

این نماینده مردم در خانه ملت تاکید کرد: اما اگر در پیش بینی‌ها نسبت به واقعیت‌ها دچار بیش برآوردی و نگاه انتزاعی و آرمانی باشیم، خطای پیش بینی افزایش می‌یابد و به همین دلیل عدم تحقق هم افزایش پیدا می‌کند.

جلیلی معتقد است: باید رویکرد تدوین برنامه دراموری مانند اقتصادی، اداری، فرهنگی، علمی و فناوری، زیست محیطی و... که در برنامه مورد توجه قرار می‌گیرد با نگاه آرمانی نوشت؛ بلکه مبتنی بر ظرفیت و امکانی که برای توسعه تعریف می‌کنیم، نوشته شود.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با بیان اینکه باید پایداری به تحقق اهداف و سیاست‌های برنامه توسعه وجود داشته باشد، گفت: این پایداری خطا را کاهش می‌دهد که در غیر این صورت به اهدافی مانند رشد ۸ درصدی اقتصادی نخواهیم رسید و با توجه به شرایط امکان آن را محقق نمی‌کند.

زمانیان ده‌کردی: برنامه ششم توسعه باید مبتنی بر واقعیت داخلی تدوین شود

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس با بیان اینکه برنامه ششم توسعه باید مبتنی بر واقعیت اصلی و داخلی کشور تدوین شود، گفت: دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها اعتقادی به برنامه‌های توسعه نداشته و ضمانت اجرایی برای اجرای قانون برنامه وجود ندارد.

سیدسعید زمانیان ده‌کردی در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری خانه ملت، با بیان اینکه قوانین برنامه‌های پنج ساله توسعه براساس شرایط و واقعیت‌های وضعیت موجود نوشته نشده که مثلاً در برخی موارد فضایی دیده شده است، گفت: برخی مواد برنامه‌های توسعه ضمانت اجرایی ندارد و دستگاه‌ها و وزارتخانه‌ها هم اعتقادی به آن ندارند.

قوانین برنامه توسعه باید کلی و به صورت کامل اجرایی شود

نماینده مردم شهرکرد در مجلس شورای اسلامی با اشاره به اینکه قوانین برنامه توسعه باید کلی و به صورت کامل اجرایی شود، نه اینکه یکباره ۲۰۰ یا ۳۰۰ مورد قانونی نوشته شود که هیچ کدام هم ضمانت اجرایی ندارند و باعث مشکل دیگری نیز خواهند شد، بیان کرد: برنامه ششم توسعه باید مبتنی بر واقعیت‌ها و براساس شرایط موجود نوشته شود. وی افزود: همه باید ملزم و موظف به اجرای آن باشند تا اجرا شود و عدم رسیدن به نتایج معکوس در برنامه‌های قبلی در کنار عدم همپوشانی، هم افزایی و عدم اعتماد را نشان می‌دهد که متأسفانه باعث شد به اهداف برنامه نرسیم.

برنامه ششم توسعه باید مبتنی بر واقعیت داخلی کشور و اقتصاد مقاومتی شکل بگیرد

این نماینده مردم در خانه ملت با بیان اینکه در تدوین برنامه ششم اگر به روش قبل بخواهیم ادامه پیدا کند، قطعاً به نتیجه نخواهد رسید، تأکید کرد: برنامه ششم توسعه باید مبتنی بر واقعیت اصلی و داخلی کشور، به خصوص تولید چه در بخش کشاورزی و چه در بخش صنعت، اقتصاد مقاومتی شکل بگیرد.

زمانیان ادامه داد: فقط ۳۰ یا ۳۵ درصد اهداف برنامه پنجم توسعه رسیدیم؛ زیرا هم برنامه قابلیت اجرا ندارد و هم اینکه همه باید به برنامه اعتقاد داشته باشند و خود را ملزم به اجرای آن بدانند.

وی اضافه کرد: اگر طبق فرمایشات مقام معظم رهبری در برنامه ششم به اولویت‌هایی چون مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توجه کنیم؛ با همین محوریت می‌توان راحل‌های اساسی و اصولی در برنامه ششم را پیگیری کرد.

برنامه ششم براساس اصول استراتژیک تنظیم شود

زمانیان تاکید کرد: برنامه ششم باید براساس اصول استراتژیک تنظیم شود تا بتواند با راهکارهای عملیاتی و علمی اثرگذار، مشکلات را یکی پس از دیگری حل کند و اگر فقط برنامه بنویسیم و بند به بند اضافه کرده و کتاب چاپ کنیم، هیچ ارزشی ندارد و مطمئناً اثر گذار هم نخواهد بود.

به اعتقاد وی؛ هم اکنون باید در نظام بانکی، بخش سرمایه گذاری و سرمایه در گردش، اشتغال و... مشکلات زیادی وجود دارد که باید از محورهای مورد نظر در برنامه ششم قرار گیرد.

عضو کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات مجلس گفت: ضمانت اجرایی برای اجرای قانون برنامه وجود ندارد و مجلس باید تمامی دستگاه‌های اجرایی را موظف به اجرا کند و اگر دستگاهی اجرا نکرد، با آن برخورد شود.

آدرس مطلب: سایت خانه ملت (خبرگزاری مجلس شورای اسلامی) - 1394/08/10 - <https://b2n.ir/882604>

گزارش دیوان محاسبات از عملکرد قانون برنامه ششم توسعه کشور

تتها ۳۵ درصد از احکام قانون برنامه ششم توسعه محقق شده است.

به گزارش دفتر روابط عمومی و امور بین الملل دیوان محاسبات کشور، گزارش عملکرد قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در بازه زمانی ۱۳۹۶ تا پایان شهریور ۱۳۹۹ توسط دیوان محاسبات کشور ارائه شد. بررسی نمونه ۷۷ درصد احکام برنامه ششم توسعه با توجه به پاسخگویی دستگاه‌ها و آمار در دسترس، از اول سال ۱۳۹۶ لغایت پایان شهریور ماه ۱۳۹۹ حاکی از آن است که تنها ۳۵ درصد احکام این برنامه کامل تحقق پیدا کرده است و در ۶۵ درصد احکام، اهداف قانون گذار بصورت ۱۰۰ درصد محقق نشده است.

این گزارش نشان می دهد که حدود ۴۱ درصد از احکام برنامه ششم توسعه به لحاظ تصویب مقررات مدنظر قانون بلا تکلیف است و در بخش تصویب مقرراتی که دارای فرصت زمانی بودند، تنها ۲۰۴ درصد احکام در زمان مقرر حکم تصویب شده است و ۵۳۰۶ درصد از مصوبه‌ها خارج از فرصت زمانی قانون مصوب گردیده اند و ۴۴ درصد تاکنون محقق نشده است.

بر اساس گزارش دیوان محاسبات کشور، بررسی شاخص‌ها نشان می دهد که نرخ رشد جمعیت کشور روندی نزولی داشته بطوری که ۱۰۲۴ درصد به یک درصد کاهش یافته است. در قانون برنامه ششم توسعه دستیابی به متوسط رشد سالانه ۸ درصدی هدف گذاری شده بود که در عمل طی سال‌های ۱۳۹۶ لغایت ۱۳۹۸ نرخ رشد اقتصادی کشور به ترتیب بالغ بر ۳۰۷ درصد، ۵۰۴- درصد و ۶۰۵- درصد محقق شد.

باید گفت که حسب اهداف قانون برنامه ششم توسعه ۲۰۸ درصد از رشد ۸ واحد درصدی سالانه از محل رشد بهره‌وری کل عوامل تولید باید حاصل می شد که بررسی بهره‌وری عوامل تولید نشان می دهد که در عمل طی سال‌های ۱۳۹۶ لغایت ۱۳۹۸ رشد بهره‌وری به ترتیب ۲ درصد، ۶۰۱- درصد و ۶۰۹- درصد بوده است.

گزارش دیوان محاسبات کشور در حوزه اشتغال نیز نشان می دهد با وجود اینکه متوسط رشد سالانه اشتغال ۳.۹ درصد و کاهش نرخ بیکاری به میزان حداقل سالانه ۰.۸ درصد در طول سال‌های برنامه در نظر گرفته شده است، سند ملی کار شایسته بسیار با تاخیر تهیه و تصویب شد و میانگین «نرخ بیکاری» در سال‌های ۱۳۹۶ لغایت ۱۳۹۸ بالغ بر ۱۱.۶ درصد شد که نسبت به الزام تعیین شده در برنامه حدود ۱.۴ واحد درصد انحراف مشاهده نشان می دهد.

با توجه به اینکه ضریب جینی کشور باید از ۰.۳۹ درصد به ۰.۳۴ درصد کاهش پیدا می کرد ولی گزارش دیوان محاسبات کشور حاکی است: بین سال‌های ۱۳۹۶ لغایت ۱۳۹۸ وضعیت توزیع درآمد در کشور به مراتب بدتر شده است و نسبت به هدف‌گذاری در برنامه ششم توسعه انحراف قابل توجهی وجود دارد.

در این گزارش آمده است که متوسط سالانه رشد نقدینگی در عمل حدود ۱۷ درصد انحراف نسبت به هدف‌گذاری انجام شده در برنامه) به میزان ۱۷ درصد رشد نقدینگی هدف گذاری شده در برنامه) وجود دارد. نرخ تورم از ۶.۹ درصد در سال ۱۳۹۵ (سال پایه) به ۳۴.۸ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است، در حالی که حسب پیش‌بینی‌های انجام شده در قانون برنامه ششم توسعه، متوسط نرخ تورم در طول سال‌های برنامه ۸.۸ درصد تعیین شده است.

بر اساس گزارش دیوان محاسبات کشور، در سال‌های مختلف حاکمیت قانون برنامه ششم توسعه، بودجه سنواتی انحراف قابل ملاحظه‌ای نسبت به قواعد مالی تعیین شده در قانون برنامه دارد. بر این اساس دولت مجاز بوده حداکثر به میزان ۱۵ درصد از سقف تعیین شده برای «اعتبارات هزینه‌ای» در برنامه برای سال ۱۴۰۰ اعتبار پیش‌بینی نماید، در حالی که حدود ۴۲ درصد انحراف در این حکم دیده می شود. همچنین علی‌رغم اینکه در نگاه اول وابستگی بودجه به منابع حاصل از صادرات نفت خام و میعانات‌گازی و خالص صادرات گاز طبیعی حدود ۲۴ درصد می‌باشد لیکن بررسی دقیق‌تر لایحه نشان می‌دهد شاخص مذکور حداقل ۵۰ درصد است و از برنامه انحراف دارد.

در بخش صندوق توسعه ملی نیز بررسی قوانین بودجه حاکی از عدم تحقق اهداف قانون گذار است. در سال ۱۳۹۶ تنها ۳۰ درصد در عمل رعایت شده است. در سال ۱۳۹۷ به رغم تصویب ۳۲ درصدی در قانون بودجه با استفاده از مصوبه سران سهم، در عمل به ۲۰ درصد کاهش یافت. در سال‌های ۹۸ و ۹۹، سهم صندوق توسعه ملی ۲۰ درصد و سهم دولت از منابع ورودی صندوق توسعه به ترتیب ۱۴ و ۱۶ درصد تعیین شد.

گزارش دیوان محاسبات کشور نشان از آن دارد که در بودجه‌های دولتی که بایستی برشی از احکام برنامه باشد، در نهایت بدون توجه به برنامه‌ها، احکام مصوب شده است. بطور نمونه افزایش حقوق کارکنان در برنامه متناسب با نرخ تورم، ممنوعیت هرگونه تخفیف، ترجیح یا معافیت مالیاتی جدید طی سال‌های اجرای قانون برنامه، عدم پوشش خطرات افزایش سالانه بیش از ۱۰ درصد نرخ ارز در بودجه سنواتی، رسیدن ضریب نفوذ بیمه‌های بازرگانی در طول اجرای برنامه به ۷ درصد که در عمل در سال ۹۵ ضریب نفوذ بیمه ۲.۲ درصد بوده و در پایان سال ۹۸ به ۵۲.۲ درصد رسیده است، عدم تحقق تامین منابع مالی خارجی تا متوسط سالانه ۳۰ میلیارد دلاری از خطوط اعتباری خارجی، عدم تحقق توازن منطقه‌ای، توسعه روستایی و توانمندسازی اقشار آسیب پذیر، مبنی بر کاهش آسیب‌های اجتماعی به ۲۵ درصد، کاهش جمعیت حاشیه‌نشینی به میزان ۱۰ درصد، عدم تحقق اهداف در حوزه

کشاورزی همچون رشد سالانه حداقل ۵ درصد شاخص‌های برخورداری تعیین شده در ساماندهی عشایر، افزایش ضریب ماشینی کردن سالانه حداقل ۰.۱۲ اسب بخار در هکتار، تخصیص حداقل بیست درصد (۲۰٪) منابع صندوق‌های حمایت از بخش کشاورزی جهت تسهیلات برای صادرات این بخش، کاهش حداقل ۱۰ درصدی شکاف قیمت دریافتی تولیدکنندگان و قیمت پرداختی مصرف‌کنندگان نهایی این محصولات در طول اجرای قانون برنامه، در حوزه آب و محیط زیست به رغم اقدامات مختلف، اهداف قانون‌گذار در احیا حداقل ۲۰ درصد تالاب‌های بحرانی و در معرض تهدید کشور بیابان‌زدایی و کنترل کانون‌های بحرانی آن حداقل در سطح ۱ میلیون و ۱۴۰ هزار هکتار محقق نشده است، در حوزه انرژی اهداف قانون‌گذار در رابطه با اهداف کاهش ۵ درصد تلفات انرژی در بخش ساختمان، ایجاد ظرفیت پالایش مقدار ۲ میلیون و ۷۰۰ هزار بشکه در روز نفت خام و میعانات گازی با ضریب پیچیدگی بالا توسط بخش غیردولتی، افزایش ۱۰۰ میلیون تن ظرفیت تولید محصولات پتروشیمی کشور و کاهش مصرف انرژی و کربن در ناوگان حمل و نقل با شماره‌گذاری خودروهایی که شرایط یورو و تاثیرگذاری در بازار جهانی نفت و گاز در حوزه انرژی محقق نشده است. در حوزه بازآفرینی بافت‌های ناکارآمد شهری از قبیل احیاء بهسازی نوسازی و مقاوم‌سازی و بازآفرینی سالانه حداقل ۲۷۰ محله، تامین منابع مالی و تسهیلات ارزان قیمت و زمین مورد نیاز برای کمک به ساخت و یا خرید سالانه حداقل ۱۵۰ هزار واحد مسکن اقشار کم درآمد در شهرها (با اولویت شهرهای زیر ۱۰۰ هزار نفر جمعیت، بهسازی و نوسازی سالانه حداقل ۲۰۰ هزار واحد مسکونی روستایی با پرداخت تسهیلات ارزان قیمت با کارمزد ۵ درصد تامین منابع مالی و تسهیلات ارزان قیمت و زمین مورد نیاز برای کمک به ساخت و یا خرید سالانه حداقل ۱۵۰ هزار واحد مسکن اقشار کم درآمد در شهرها) با اولویت شهرهای زیر یکصد هزار نفر جمعیت) و احیاء و بهسازی حداقل ۱۰ درصد از بافت‌های فرسوده شهری، اهداف مد نظر قانون‌گذار محقق نشده است.

آدرس مطلب: سایت دیوان محاسبات کشور- تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۱۱/۳

<https://b2n.ir/a91149>

جدول تسخیر شی پایانه

- ۱۲ - رابطه انسان با موهمان
- ۱۱ - رابطه انسان با انجیم
- ۱۰ - رابطه انسان با شریک شغلی
- ۹ - رابطه انسان با طرف معامله
- ۸ - رابطه انسان با همسایه

جدول روابط انسانی

- ۱۳ - رابطه انسان با موهمان
- ۱۲ - رابطه انسان با انجیم
- ۱۱ - رابطه انسان با شریک شغلی
- ۱۰ - رابطه انسان با طرف معامله
- ۹ - رابطه انسان با همسایه
- ۸ - رابطه انسان با موهمان
- ۷ - رابطه انسان با دوست
- ۶ - رابطه انسان با معلم
- ۵ - رابطه انسان با خانواده

جدول اسماء الهی

علوم مرتبط با فقه اتقادی

۴ - ارتباطی میان هر یک از این علوم و فقه و انسان و فقه و انجیم و رابطه انسانی

علوم مرتبط با فقه عامی

۳ - ارتباطی میان هر یک از این علوم و فقه و انسان و فقه و انجیم و رابطه انسانی

علوم مرتبط با فقه اتقادی

۲ - ارتباطی میان هر یک از این علوم و فقه و انسان و فقه و انجیم و رابطه انسانی

علوم مرتبط با فقه عامی

۱ - ارتباطی میان هر یک از این علوم و فقه و انسان و فقه و انجیم و رابطه انسانی

لا اله الا الله محمد رسول الله

فوائد اصولی فقه اربعانی

- ۱ - بیان مبتدی بر وفق
- ۲ - بیان مبتدی بر هزالت
- ۳ - بیان مبتدی بر تامل
- ۴ - بیان مبتدی بر مکت
- ۵ - بیان مبتدی بر کرم

فوائد فقهی اجاز صدور

- ۱ - تعیین وقت افتتاح علم رجال
- ۲ - تولید دفترچه اجاز صدور
- ۳ - جدول سلفه های قرآنی جیبیه
- ۴ - تعیین قواعد ثبوت حدیث
- ۵ - بررسی پیش فرض های رجالین
- ۶ - تعیین نقطه انکار نطق

درختی مدرسه تعدنی هدایت

دانش های پایه

دانش های استنباطی

دانش های کاربردی

جدول تصمیم نقشه جامع تمدن اسلامی

آثار تصمیمات:	تصمیمات پیشنهادی:		دسته‌بندی تصمیمات:
مدیریت سیاست‌های پولی و مالی	زکات بر نقدین (طلا و نقره مسکوک: پول) [لازمه: جایگزین شدن نقدین بجای پول اعتباری]	تمرکز بر مصادیق و جوب زکات و تلاش برای تحقق و احیاء آن	تحقق زکات (یکی از چهار رکن اصلی تمدن اسلامی)
مدیریت دامداری (حوزه گوشت و لبنیات)	زکات بر انعام ثلاثه (شتر و گاو و گوسفند)		
مدیریت اقلام اصلی حوزه کشاورزی و باغداری	زکات بر غلات اربعه (گندم، جو، خرما و کشمش)		
گسترش مشاغل مرتبط با زکات (کشاورزی، باغداری و دامداری) و تبدیل به مشاغل اصلی و برتر		مدیریت و طبقه‌بندی مشاغل به محوریت مشاغل مرتبط با زکات (کشاورزی، باغداری و دامداری)	
محرومیت‌زدایی و رفع فقر	با دریافت زکات از ثروتمندان صاحبان مشاغل برتر (کشاورزی، باغداری و دامداری)	تمرکز بر علت و جوب زکات و تلاش برای تحقق و احیاء آن «قوتاً للفقراء» (محرومیت‌زدایی)	
مدیریت ثروت‌های اصلی مردم			
تولید گسترده غذا = کاهش و رفع گرسنگی	تبدیل مشاغل کشاورزی، باغداری و دامداری؛ به عنوان مشاغل اصلی و برتر در جهان	جایگزین راهکار معیوب و غلط «کشت محصولات تراریخته» (مطرح در آرمان دوم سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار)	رفع گرسنگی (معضل جهانی مطرح در آرمان دوم سند ۲۰۳۰ توسعه پایدار)
ایجاد سیستم توزیع عمومی غذا = کاهش هزینه توزیع = ارزان شدن غذا = کاهش و رفع گرسنگی	عمومی‌سازی تجارت		

* مسیرهای ارتباطی:

پایگاه اطلاع‌رسانی نقشه راه nro-di.blog.ir

کانال «الگو ۴» در پیام‌رسان اینستاگرام @Olgou4